

میعاد نور

اماکن زیارتی منسوب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان

استاد علی اکبر مهدی پور



میعاد نور

اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان

علی اکبر مهدی پور

سرشناسه: مهدی پور، علی اکبر -

عنوان و پدیدآوران: میعاد نور، اماکن زیارتی منتسب به امام زمان (ع) در ایران و جهان، دفتر نخست / مؤلف علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر: - مشهد: یوسف فاطمه (ع)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص.

ISBN : 978-964-2803-37-8

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۰۳-۳۷-۸

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -

موضوع: زیارتگاه‌های اسلامی - کشورهای اسلامی - راهنماها

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. - شعر

رده‌بندی کنگره: BP ۲۶۲

نشانه اثر: ۹ م ۹ /

رده دیویی: ۲۹۷ / ۷۶



میعاد نور

اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان
دفتر نخست

استاد علی اکبر مهدی پور

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه / قطع: رقعی

تعداد صفحات: ۳۰۴ / نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

چاپ و صحافی: دقت مشهد، ۰۵۱۱-۳۸۱۰۲۲۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۰۳-۳۷-۸

نشر یوسف فاطمه علیهما السلام - مشهد مقدس - ص. پ: ۳۸۸۵ - ۹۱۳۷۵

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۵۱۱۹۱۳۴۱

فهرست مطالب

مسجد مقدس جمکران

۱۱ - ۴۷

۱۵	 مسجد مقدس جمکران
۱۶	 تاریخچه مسجد جمکران
۲۴	 منبع شناسی مسجد جمکران
۲۹	 نظر مرحوم آیه الله حائری در باره مسجد جمکران
۳۲	 پیشگویی امیر مؤمنان علیه السلام از مسجد جمکران
۳۶	 معجزات حضرت بقیة الله علیه السلام در مسجد مقدس جمکران
۴۲	 جمکران ، میعادگاه عاشقان
۴۴	 ختم زیارت عاشورا در مسجد جمکران
۴۶	 خصوصیت شب چهارشنبه
۴۶	 دعای عَظْمُ الْبَلَاءِ

مسجد سهله

۴۹ - ۹۹

- ۵۱ اشاره:
- ۵۲ جایگاه آن امام نور به هنگام ظهور
- ۷۲ ویژگی های مسجد سهله
- ۷۶ باریافتگان مسجد سهله
- ۹۶ چند نکته درباره مسجد سهله

مسجد کوفه

۱۰۱ - ۱۶۶

- ۱۰۳ اشاره:
- ۱۰۴ مرکز دادرسی آن امام نور در هنگام ظهور
- ۱۰۴ پایگاه تبلیغاتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۱۰۶ ستاد اقامه جمعه و جماعت حضرت بقیه الله
- ۱۰۹ توسعه مسجد اعظم کوفه
- ۱۱۳ کلاس های قرآن در مسجد کوفه
- ۱۱۴ از نشانه های ظهور در مسجد کوفه
- ۱۱۶ مسجد کوفه در عصر رجعت
- ۱۱۸ سیمای مسجد کوفه در آئینه آیات و روایات
- ۱۲۳ مسجد کوفه از منظر پیشوایان
- ۱۳۴ نکاتی چند پیرامون مسجد کوفه

الف - حجر الاسود بر دیوار مسجد اعظم کوفه	۱۳۵
ب - تشریف فرمایی پیشوایان معصوم به مسجد کوفه	۱۳۶
ج - معجزات شگفت امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه	۱۳۷
د - محراب‌های مسجد کوفه	۱۳۷
ه - مقام‌های مسجد کوفه	۱۳۸
نکات پراکنده	۱۳۹
ره یافتگان	۱۴۱
۱. ملا احمد مقدّس اردبیلی	۱۴۲
۲. سید مهدی بحر العلوم	۱۴۶
۳. شیخ حسین آل رحیم	۱۵۰
۴. سید محمد قطیفی	۱۵۱
۵. شیخ علی اکبر روضه خوان	۱۵۳
۶. سید مرتضی نجفی	۱۵۴
۷. حاج علی نجفی و همراهان	۱۵۶
۸. شیخ محمد طاهر نجفی	۱۵۷
۹. شیخ محمد تقی آملی	۱۶۱
۱۰. شیخ محمد کوفی	۱۶۲

کوفه

۲۴۰ - ۱۶۷

پایتخت دولت کریمه	۱۶۹
-------------------------	-----



فرمان ظهور	۱۷۱
پیشینه پایتختی کوفه	۱۷۴
پایتخت دولت کریمه	۱۷۵
پایتخت دولت کریمه خاندان وحی در هنگامه رجعت	۱۸۳
گستره پایتخت دولت کریمه	۱۸۵
گستره مکانی کوفه	۱۸۸
سیمای کوفه در آینه قرآن	۱۹۶
سیمای کوفه در آینه روایات	۲۰۵
کوفه و پیرامون	۲۱۴
سیمای اهل کوفه در آینه روایات	۲۱۹
سیمای کوفه در احادیث ملاحم	۲۲۱
سیمای کوفه در هنگامه خروج سفیانی	۲۲۵
سیمای کوفه در آستانه ظهور	۲۲۹

وادی السلام

۲۴۱ - ۳۰۰

اشاره:	۲۴۳
مقام حضرت مهدی (عج) در وادی السلام	۲۴۴
وادی السلام و پیشینه آن	۲۴۴
مقام هود و صالح	۲۴۵
وادی السلام در عهد امیر مؤمنان ۷	۲۴۸

۲۴۹		وادی السلام در شب معراج
۲۵۱		وادی السلام در عهد کهن
۲۵۲		وادی السلام در آستانه ظهور
۲۵۳		وادی السلام در یوم الله رجعت
۲۵۸		وادی السلام از دیدگاه روایات
۲۶۵		ملک نقال
۲۶۷		از ویژگی های وادی السلام
۲۶۸		مقام صاحب الزمان (عج)
۲۷۳		جایگاه منبر حضرت قائم (عج)
۲۸۰		چند نکته :
۲۸۲		ره یافته ها
۲۸۲		۱. بار یافته ای از دارالمؤمنین کاشان
۲۸۶		۲. حاج ملا علی محمد بهبهانی
۲۸۸		۳. بار یافته ای از خاندان عثمانی
۲۹۲		۴. شیخ محمد تقی قزوینی
۲۹۴		۵. سید هاشم شوشتری
۲۹۵		۶. تشرّف بحر العلوم یمنی
۳۰۰		ختمه مسک
۳۰۱		آثار چاپ شده مؤلف

مسجد مقدس جمکران

یکی از وظایف شیعیان تجلیل و تکریم اماکن منسوب به وجود مقدّس حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، است.

آیة الله سید محمّد تقی موسوی اصفهانی (متوفای ۱۳۴۸ هجری) در کتاب گران سنگ مکیال المکارم به هنگام شمارش تکالیف مردم در عصر غیبت می نویسد:

بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته اند، مانند مسجد سهله، مسجد اعظم کوفه، سرداب مقدّس، مسجد جمکران و غیر این ها از مواضعی که بعضی از صلحا آن حضرت را در آن جاها دیده اند یا در روایات آمده است که آن جناب در آن جا توقف دارد، مانند مسجد الحرام...^(۱)



از این رهگذر، بر منتظران ظهور و عاشقان مَقْدَمِ آن امام نور، لازم است که این اماکن را بشناسند و شیوه تعظیم و تکریم آنها را بیاموزند.^(۱) لذا در صدد برآمدیم که به فضل الهی، اماکن مقدّس و مشاهد مشرّفه متعلّق به آن حضرت را برای خوانندگان عاشق و دل سوخته حضرتش تقدیم کنیم.

با توجّه به این که این کتاب در قم تهیه و چاپ می شود، این مجموعه را از مسجد مقدّس جمکران شروع می کنیم.

۱. صاحب مکیال، کیفیّت تعظیم و تکریم آن اماکن را در کتاب مکیال المکارم، ج ۲ ص ۳۲۰-۳۲۷ شرح داده است.

مسجد مقدس جمکران

مهم‌ترین پایگاه شیعیان شیفته و عاشقان دل سوخته حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، مسجد مقدس جمکران، در شش کیلومتری شهر مذهبی قم است. مطابق آمار، همه ساله، بیش از دوازده میلیون عاشق دل باخته، از سرتاسر میهن اسلامی و جهان، در این پایگاه معنوی، گرد می‌آیند، نماز تحیت مسجد و نماز حضرت صاحب الزمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف، را در این مکان مقدس به جای می‌آورند، با امام غایب از ابصار و حاضر در امصار و ناظر بر کردار، راز دل می‌گویند، استغاثه می‌کنند، ندای «یا بن الحسن!» سر می‌دهند، از مشکلات مادی و معنوی خود سخن می‌گویند، با دلی خون بار، از طولانی شدن دوران غیبت، شکوه‌ها می‌کنند.

آنان که از شناخت عمیق‌تری برخوردارند، به هنگام تشریف به این پایگاه ملکوتی، همه حوائج شخصی خود را فراموش می‌کنند و همه مشکلات دست و پاگیر زندگی را به فراموشی می‌سپارند و تنها

ظهور سراسر سرور منجی بشر، امام ثانی عشر، حضرت ولی عصر، روحی و ارواح العالمین فداه، را مسئلت می‌کنند؛ زیرا، اگر این حاجت برآورده شود، دیگر مشکلی نخواهد ماند، و اگر این حاجت روا نشود، حل دیگر مشکلات، مشکل اساسی را حل نخواهد کرد.

مسجد مقدس جمکران، روز هفدهم رمضان ۳۹۳ هجری به فرمان حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، در کنار روستای جمکران تأسیس شد. تاریخچه آن - به طوری که در این نوشتار به تفصیل آمده - به دست ابن فثال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ هجری) در کتاب مونس الحزین بیان گردیده و کیفیت نماز تحیت مسجد و نماز استغاثه به حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، در ضمن آن آمده است.

تاریخچه مسجد جمکران

آن چه مسلم است، این است که این مسجد، بیش از یک هزار سال پیش به فرمان حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، در بیداری، - نه در خواب - تأسیس گردید و در طول قرون و اعصار، پناهگاه شیعیان و پایگاه منتظران و تجلی گاه حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است. علامه بزرگوار، میرزا حسین نوری، (متوفای ۱۳۲۰ هجری) در کتاب ارزشمند نجم ثاقب - که به فرمان میرزای بزرگ، آن را تألیف

کرد و میرزای شیرازی، در تقریظ خود، از آن ستایش فراوان کرد و نوشت:

برای تصحیح عقیده خود، به این کتاب مراجعه کنند تا از
لمعانِ انوار هدایت‌اش، به سر منزل یقین و ایمان
برسند^(۱).

تاریخچه تأسیس مسجد مقدّس جمکران را به شرح زیر آورده
است:

شیخ فاضل، حسن بن محمد بن حسن قمی، معاصر شیخ
صدوق، در کتاب تاریخ قم از کتابِ مونس الحزین فی معرفة الحقّ و الیقین - از
تألیفات شیخ صدوق -^(۲) بنای مسجد جمکران را به این عبارت نقل
کرده است:

شیخ عفیف صالح حسن بن مُثَلِّه جمکرانی می‌گوید:
شب سه‌شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان ۳۹۳
هجری،^(۳) در سرای خود خفته بودم که جماعتی به درِ
سرای من آمدند. نصفی از شب گذشته بود. مرا بیدار
کردند و گفتند: «برخیز و امر امام محمد مهدی صاحب

۱. این تقریظ، در آغاز نجم ثاقب چاپ شده است. دست خطّ میرزای بزرگ، در
کتابخانه آستان قدس، در یکی از نسخ خطّی کتاب، به شماره ۹۳۶۱ موجود است.

۲. بلکه تألیف ابن فُتّال نیشابوری [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۲].

۳. میرزای نوری، استظهار کرده‌اند که رقم «۳۹۳ هجری» تصحیف شده و صحیح آن
«۳۷۳ هجری» است. (جَنَّةُ الْمَأْوَى، ص ۴۷؛ نجم ثاقب، ص ۲۱۵؛ مستدرک، ج ۳،



الزّمان، صلوات الله علیه،^(۱) را اجابت کن که ترا می خواند.»

حسن بن مثله می گوید: «من، برخاستم و آماده شدم». چون به درِ سرای رسیدم، جماعتی از بزرگان را دیدم. سلام کردم. جواب دادند و خوشامد گفتند و مرا به آن جایگاه که اکنون مسجد (جمکران) است، آوردند.»

چون نیک نگاه کردم، دیدم تختی نهاده و فرش نیکو بر آن تخت گسترده و بالش های نیکو نهاده و جوانی سی ساله، بر روی تخت، بر چهار بالش، تکیه کرده، پیرمردی در مقابل او نشسته، کتابی در دست گرفته، بر آن جوان می خواند.

بیش از شصت مرد که برخی جامه سفید و برخی جامه سبز بر تن داشتند، برگرد او روی زمین نماز می خواندند. آن پیرمرد که حضرت خضر علیه السلام بود، مرا نشانده و حضرت امام علیه السلام مرا به نام خود خواند و فرمود: برو به حسن بن مسلم^(۲) بگو: «تو، چند سال است که این زمین را عمارت می کنی و ما خراب می کنیم. پنج سال زراعت

۱. هرچند راوی این خبر شیخ صدوق، معتقد است که در زمان غیبت، نباید نام اصلی حضرت بقیّة الله تلفظ شود، ولی در این جا، برای رعایت امانت در نقل، به طور صریح آورده است.

۲. به جای «حسن بن مسلم»، در نجم ثاقب و جنة المأوی، «حسن مسلم» آمده، ولی در مستدرک، ج ۳، ص ۴۳۲، «حسن بن مسلم» تعبیر شده است. البته، نتیجه، مساوی است، و حذف واژه «بن» در نام ها، شایع است.

کردی و امسال دیگر باره شروع کردی، عمارت می‌کنی. رخصت نیست که تو دیگر در این زمین زراعت کنی، باید هر چه از این زمین منفعت برده‌ای، برگردانی تا در این موضع مسجد بنا کنند».

به حسن بن مسلم بگو: «این جا، زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمین‌های دیگر برگزیده و شریف کرده است، تو آن را گرفته به زمین خود ملحق کرده‌ای! خداوند، دو پسر جوان از تو گرفت و هنوز هم متنبّه نشده‌ای! اگر از این کار بر حذر نشوی، نعمت خداوند، از ناحیه‌ای که گمان نمی‌بری بر تو فرو می‌ریزد».

حسن بن مثله عرض کرد: «سید و مولای من! مراد در این باره، نشانی لازم است؛ زیرا، مردم، سخن مرا بدون نشانه و دلیل نمی‌پذیرند».

امام علیه السلام فرمود: «تو برو رسالت خود را انجام بده. ما، در این جا، علامتی می‌گذاریم که گواه گفتار تو باشد. برو به نزد سید ابوالحسن، و بگو تا برخیزد و بیاید و آن مرد را بیاورد و منفعت چند ساله را از او بگیرد و به دیگران دهد تا بنای مسجد بنهند، و باقی وجوه را از رهق^(۱) به ناحیه اردهال که ملک ما است، بیاورد، و مسجد را تمام کند، و

۱. رهق، نام روستایی است در ده فرسخی قم در مسیر کاشان، که تا زمان ما، آباد است.

[مستدرک ج ۳، ص ۴۳۲].

نصفِ رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله وجوه آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد کنند.

مردم را بگو تا به این موضع رغبت کنند و عزیز بدارند و چهار رکعت نماز در این جا بگذارند: دو رکعت تحیت مسجد، در هر رکعتی، یک بار «سوره حمد» و هفت بار «سوره قل هو الله احد» [بسخوانند] و تسبیح رکوع و سجود را، هفت بار بگویند.

و دو رکعت نماز صاحب الزمان بگذارند، بر این نسق که در [هنگام خواندن سوره] حمد چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسند، آن را صد بار بگویند، و بعد از آن، فاتحه را تا آخر بخوانند. رکعت دوم را نیز به همین طریق انجام دهند. تسبیح رکوع و سجود را نیز هفت بار بگویند. هنگامی که نماز تمام شد، تهلیل (یعنی، لا إله إلا الله) (۱) بگویند و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگویند. آن گاه سر بر سجده نهاده، صد بار صلوات بر پیغمبر و آل اش، صلوات الله عليهم، بفرستند».

و این نقل، از لفظ مبارک امام علیه السلام است که فرمود:

«فَمَنْ صَلَّاهُمَا، فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ»؛

هر کس، این دو رکعت [یا این دو نماز] را بخواند، گویی در خانه کعبه آن را خوانده است.

۱. مرحوم نوری، معتقد است که باید: «لا إله إلا الله وحده وحده» گفته شود. [بحار، ج

حسن بن مثله می گوید: «در دل خود گفتم که تو این جا را یک زمین عادی خیال می کنی، این جا مسجد حضرت صاحب الزمان علیه السلام است».

پس آن حضرت به من اشاره کردند که برو! چون مقداری راه پیمودم، بار دیگر مرا صدا کردند و فرمودند: «در گَلَّة جعفر کاشانی - چوپان - بُزی است، باید آن بز را بخری. اگر مردم پول اش را دادند، با پول آنان خریداری کن، وگرنه پول اش را خودت پرداخت کن. فردا شب آن بز را بیاور و در این موضع ذبح کن. آن گاه روز چهارشنبه^(۱) هجدهم ماه مبارک رمضان، گوشت آن بز را بر بیماران و کسانی که مرض صعب العلاج دارند، انفاق کن که حق تعالی همه را شفا دهد.

آن بز، ابلق است. موهای بسیار دارد. هفت نشان سفید و سیاه، هر یکی به اندازه یک درهم، در دو طرف آن است که سه نشان در یک طرف و چهار نشان در طرف دیگر آن است».

آن گاه به راه افتادم. یک بار دیگر مرا فرا خواند و فرمود:

۱. کلمه «چهارشنبه» در نجم ثاقب افتاده، ولی در جنة المأوی و انوار المشعشعین آمده است. و اگر در متن هم نیامده بود، از بررسی متن استفاده می شد؛ زیرا، به طوری که در متن داستان تصریح شده، دیدار، در شب سه شنبه، شب هفدهم رمضان بوده است، پس شب هجدهم، شب چهارشنبه، و روز هجدهم روز چهارشنبه خواهد بود.



«هفت روز یا هفتاد روز در این محلّ اقامت کن».^(۱)
 حسن بن مثله می‌گوید: «من، به خانه رفتم و همه شب را
 در اندیشه بودم تا صبح طلوع کرد. نماز صبح خواندم و به
 نزد علی منذر رفتم و آن داستان را با او در میان نهادم».
 همراه علی منذر، به جایگاه دیشب رفتیم. پس او گفت:
 «به خدا سوگند که نشان و علامتی که امام علیه السلام فرموده
 بود، این جا نهاده است و آن، این که حدود مسجد، با
 میخ‌ها و زنجیرها مشخص شده است».
 آن گاه به نزد سید ابوالحسن الرضا رفتیم. چون به سرای
 وی رسیدیم، غلامان و خادمان ایشان گفتند: «شما از
 جمکران هستید؟»
 گفتیم: «آری».

پس گفتند: «از اوّل بامداد، سید ابوالحسن در انتظار شما
 است».

پس وارد شدم و سلام گفتم. جواب نیکو داد و بسیار
 احترام کرد و مرا در جای نیکو نشانید. پیش از آن که من
 سخن بگویم، او سخن آغاز کرد و گفت: «ای حسن بن

۱. ما، این تعبیر را از جنة المأوی نقل کردیم، ولی در نجم ثاقب چنین آمده است: «هفتاد
 روز یا هفت روز، ما این جاییم» (نجم ثاقب، ص ۲۱۴).

با توجه به این که این ملاقات در شب هفدهم رمضان بود، اگر آن را بر هفت حمل کنی،
 بر شب بیست و سوّم رمضان منطبق می‌شود که شب قدر است، و اگر بر هفتاد روز حمل
 کنی بر بیست و پنجم ذوالقعدة منطبق می‌شود که آن نیز روز مبارکی است.



مثله ! من خوابیده بودم. شخصی در عالم رؤیا به من گفت :
 «شخصی به نام حسن بن مثله، بامدادان، از جمکران پیش
 تو خواهد آمد. آن چه بگوید، اعتماد کن و گفتارش را
 تصدیق کن که سخن او، سخن ما است. هرگز، سخن او را
 رد نکن». از خواب بیدار شدم و تا این ساعت در انتظار تو
 بودم».

حسن بن مثله، داستان را مشروحاً برای او نقل کرد. سید
 ابوالحسن، دستور داد بر اسب‌ها زین نهادند. سوار شدند.
 به سوی ده (جمکران) رهسپار گردیدند.

چون به نزدیک ده رسیدند، جعفر شبان را دیدند که
 گله‌اش را در کنار راه به چرا آورده بود. حسن بن مثله، به
 میان گله رفت. آن بز که از پشت سر گله می‌آمد، به
 سویش دوید. حسن بن مثله، آن بز را گرفت و خواست
 پولش را پرداخت کند که جعفر گفت : «به خدا سوگند! تا
 به امروز، من این بز را ندیده بودم و هرگز در گله من نبود،
 جز امروز که در میان گله، آن را دیدم و هر چند خواستم
 که آن را بگیرم، میسر نشد».

پس آن بز را به جایگاه آوردند و در آن جا سر بریدند.
 سید ابوالحسن الرضا به آن محلّ معهود آمد و حسن بن
 مسلم را احضار کرد و منافع زمین را از او گرفت.
 آن گاه وجوه رهق را نیز از اهالی آن جا گرفتند و به
 ساختمان مسجد پرداختند و سقف مسجد را با چوب
 پوشانیدند.



سیّد ابوالحسن الرّضا، زنجیرها و میخ‌ها را به قم آورد و در خانه خود نگهداری کرد. هر بیمار صعب‌العلاجی که خود را به این زنجیرها می‌مالید، در حال، شفا می‌یافت. ابوالحسن محمّد بن حیدر گفت: «به طور مستفیض شنیدم، پس از آن که سیّد ابوالحسن الرّضا وفات کرد و در محله موسویان (خیابان آذر فعلی) مدفون شد، یکی از فرزندانش بیمار گردید. داخل اطاق شده سر صندوق را برداشت زنجیرها و میخ‌ها را نیافت».

منبع‌شناسی مسجد جمکران

منابع تأسیس مسجد مقدّس جمکران به فرمان حضرت صاحب الزّمان، ارواحنا فدا، به شرح زیر است:

۱- نخستین کسی که این موضوع را در کتاب خود آورده، محمد بن قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ هجری) است. ایشان، مشروح آن را در کتاب مونس الحزین فی معرفة الحق و الیقین درج کرده است.

کتاب مونس الحزین، همانند ده‌ها اثر گران‌بهای دیگر، در طول زمان، از بین رفته و به دست ما نرسیده است.

۲- حسن بن محمّد بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق، صاحب کتاب گران‌سنگ تاریخ قم، شرح آن واقعه را از کتاب شیخ صدوق نقل کرده است.

کتاب تاریخ قم در عصر شیخ صدوق، به سال ۳۷۸ هجری، در

بیست باب به رشته تحریر در آمده است.

۳- حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به سال ۸۶۵ هجری آن را به فارسی ترجمه کرده است.^(۱)

۴- متن عربی کتاب، به دست مولی محمد باقر مجلسی، (متوفای ۱۱۱۰ هجری) نرسیده، ولی ترجمه فارسی آن به دست ایشان رسیده^(۲) و احادیث مربوط به قم را در جلد «السماء و العالم» از آن روایت کرده است.^(۳)

۵- سید نعمت الله جزائری، صاحب أنوار نعمائیه (متوفای ۱۱۱۲ هجری) ترجمه فارسی آن را دیده و داستان تأسیس مسجد مقدس جمکران را با خط خود، از آن استنساخ کرده است.^(۴)

۶- شاگرد فرزانه علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی، (متوفای ۱۱۳۰ هجری) نسخه‌ای از ترجمه فارسی آن را در بیست باب، در قم مشاهده کرده و گزارش آن را در تألیف گران‌بهای خود آورده و تصریح کرده که این ترجمه، به سال ۸۶۵ هجری، به دستور خواجه فخرالدین ابراهیم، انجام یافته است.^(۵)

۱. الذریعه، ج ۳، ص ۲۷۶.

۲. بحار، ج ۱، ص ۴۲.

۳. بحار، ج ۶۰، ص ۲۰۸-۲۲۱.

۴. بحار، ۵۳، ص ۲۵۴.

۵. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۹.



۷- سید امیر محمد اشرف، معاصر و شاگرد علامه مجلسی، صاحب کتاب فضائل السادات (متوفای ۱۱۴۵ هجری) متن عربی آن را دیده و از آن نقل کرده است.^(۱)

۸- سید محمد بن محمد بن هاشم رضوی قمی، به سال ۱۱۷۹ هجری، بنا به خواهش محمد صالح معلم قمی، کتابی در این رابطه تألیف کرده و آن را خلاصة البلدان نام نهاده است. این کتاب، احادیث مربوط به شرافت قم و تاریخچه تأسیس مسجد مقدس جمکران را دربر دارد.^(۲)

۹- شایسته تأمل است که آقا محمد علی کرمانشاهی، فرزند وحید بهبهانی، (متوفای ۱۲۱۶ هجری) به متن عربی تاریخ قم دسترسی داشته و در حاشیه خود بر کتاب نقد الرجال تفرشی، شرح حال «حسن بن مثله» و خلاصة داستان تأسیس مسجد مقدس جمکران را به نقل از متن عربی آن آورده است.^(۳)

۱۰- محقق و متبّع بی نظیر، میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ هجری)، پس از جست و جوی فراوان، به هشت باب از ترجمه تاریخ قم دست یافته^(۴) و مشروح داستان تأسیس مسجد مقدس

۱. جنة المأوی، ص ۴۷.

۲. الذریعة، ج ۷، ص ۲۱۶.

۳. بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۴.

۴. جنة المأوی، ص ۴۷ و بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۴.



جمکران را از ترجمه تاریخ قم، از روی دست خط سید نعمت الله جزائری، در آثار ارزشمند خود آورده است:

۱ - جنة المأوى، چاپ بیروت، دارالمحجة البيضاء، ۱۴۱۲ هجری، ص ۴۲ - ۴۶.

۲ - همان، به پیوست، بحار الأنوار، چاپ بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هجری، ج ۵۳، ص ۲۳۰ - ۲۳۴.

۳ - نجم ثاقب، چاپ تهران، علمیه اسلامیّه، بی تا، ص ۲۱۲ - ۲۱۵.

۴ - کلمه طیه، چاپ سنگی، بمبئی، ۱۳۰۳ هجری، ص ۳۳۷.

۵ - مستدرک الوسائل، چاپ قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۷ هجری، ج ۳، ص ۴۳۲ و ۴۴۷.

۱۱ - شیخ محمد علی کجویی قمی (متوفای ۱۳۳۵ هجری) مشروح آن را از کتاب های خلاصه البلدان، نجم ثاقب، کلمه طیه، در کتاب ارزشمند أنوار المشعّین، چاپ قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۲۳ هجری، ج اول، ص ۴۴۱ - ۴۴۹ (چاپ سنگی ۱۳۲۷ هجری، جلد اول، ص ۱۸۴ - ۱۸۹)، نقل کرده است.

۱۲ - حاج شیخ علی یزدی حائری (متوفای ۱۳۳۳ هجری) مشروح آن را در کتاب إلزام الناصب، چاپ بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۷ هجری، جلد دوم، ص ۶۲ - ۵۸، به نقل از محدّث



نوری، از ترجمه تاریخ قم آورده است.

۱۳ - همه کسانی که بعد از محدث نوری درباره تاریخ قم کتاب نوشته‌اند، مشروح داستان تأسیس مسجد مقدس جمکران را از ایشان نقل کرده‌اند. شیخ محمد حسن ناصر الشریعه، متوفای ۱۳۸۰ هجری، در تاریخ قم، چاپ قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، ۱۳۴۲ شمسی، ص ۱۴۷ - ۱۵۶، یکی از آن افراد است.

۱۴ - همه علمای معاصر که در این رابطه کتاب نوشته‌اند، همانند علامه معاصر آیه الله حاج شیخ محمد غروی، در کتاب گران سنگ المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام، چاپ قم، ۱۴۱۴ هجری، جلد یکم، ص ۴۴۰ - ۴۴۸، نیز به این واقعه اشاره کرده است.

۱۵ - در این اواخر، در کتاب‌های مستقل و مستندی - مانند موارد زیر - به شرح و بسط داستان تأسیس مسجد مقدس جمکران پرداخته شده است:

- ۱ - تاریخ بنای مسجد جمکران؛
- ۲ - تاریخ مسجد مقدس جمکران؛
- ۳ - تاریخچه بنای مسجد جمکران؛
- ۴ - توجه امام زمان به مسجد جمکران؛
- ۵ - توشه مسجد جمکران؛
- ۶ - در بارگاه منتظر؛
- ۷ - در حریم جمکران؛

- ۸- سیمای مسجد جمکران؛
- ۹- فیض حضور برای گمشدگان؛
- ۱۰- مباحثی چند درباره مسجد جمکران؛
- ۱۱- مسجد مقدس جمکران؛
- ۱۲- مسجد جمکران المقدس؛
- ۱۳- مسجد صاحب الزمان؛
- ۱۴- معجزه مسجد جمکران.

برای کسب معلومات وسیع تر در مورد آثار یاد شده، به کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام تحت عناوین فوق، مراجعه فرمایید. (۱)

نظر مرحوم آیه الله حائری در باره مسجد جمکران

در آخرین فراز از بخش مسجد مقدس جمکران، متذکر می شویم که اگر بخواهیم نظر مراجع گذشته و معاصر را در مورد مسجد مقدس جمکران یاد آور شویم، به تألیف کتاب مستقلی در این رابطه ناگزیر خواهیم بود. لذا این موضوع را به فرصت دیگری موکول می کنیم. این بخش را با بیان نظر مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری (متوفای ۲۴ جمادی الثانیه ۱۴۰۶ هجری) که همگان با مقام رفیع علمی و تقوایی ایشان، آشنا هستند، حسن ختام

می بخشیم.

مرحوم آیة الله حائری، کتاب ارزشمندی دارند که نویسنده این سطور، آن کتاب را از محضر معظم له امانت گرفتم و با اجازه ایشان زیراکس کردم.^(۱)

هنگامی که دست نویس های ایشان را به محضر مقدس ایشان بردم، از خدمت شان پرسیدم: «آیا برای نقل مطالب این کتاب، مجاز هستم؟». ایشان، ضمن این که اجازه دادند، فرمودند: «من، در این کتاب، فقط مطالبی را آوردم که بر صحت آنها اعتقاد دارم و می توانم بر صحت آنها قسم حضرت عباس بخورم». مرحوم آیة الله حائری، در این کتاب می فرمایند:

مسجد جمکران، یکی از آیات باهرات آن حضرت است. توضیح این مطلب، در ضمن چند جهت - که شاید خیلی ها از آن غافل باشند - مذکور می شود:

۱ - داستان مسجد جمکران که در بیداری واقع شده، در کتاب تاریخ قم که کتاب معتبری است، از صدوق، علیه الرّحمه، نقل شده است.

مرحوم آقای بروجردی که مرد دقیق و ملایی بود، می فرمود: «این داستان، در زمان صدوق، علیه الرّحمه، واقع شده و این که او نقل کرده است، دلالت بر کمال

۱. این کتاب با نام «سرّ دلبران» چاپ شده است.

صحّت آن دارد».

۲- داستان، مشتمل بر جریانی است که مربوط به یک نفر نیست، برای این که صبح که مردم بیدار می‌شوند، می‌بینند با زنجیر، علامت گذاشته شده است که مردم باور کنند. و این زنجیر، مدّتی در منزل سیّد محترمی، ظاهراً به نام سیّد ابوالحسن الرضا، بوده است و مردم به آن استشفاء می‌کرده‌اند و بعداً، بدون هیچ جهت طبیعی، مفقود می‌شود.

۳- جای دور از شهر و در وسط بیابان، جایی نیست که مورد جعل یک فرد جمکرانی بشود، آن هم دست تنها، در یک شب ماه رمضان.

۴- نوعاً، مردم عادی، به واسطه خواب، یک امامزاده را معین می‌کنند و مسجد، از تصوّر مردم عادی، دور است.

۵- اگر پیدایش این مسجد روی احساسات مذهبی و علاقه مفرط به حضرت صاحب الامر علیه السلام بود، می‌بایست سراسر، توسّل به آن بزرگوار باشد، چنان که در این عصر، مردم، بیش‌تر، زیارت حضرتش را در آن مسجد می‌خوانند و متوسّل به آن حضرت می‌شوند، در صورتی که در این دستور معنوی، اصلاً، اسمی از آن حضرت نیست، حتّی تا به حال هم بیش‌تر معروف به مسجد جمکران است، نه مسجد صاحب الزّمان.

۶- متن دستور، موافق با ادّله دیگر است؛ برای این که هم نماز تحیّات مسجد وارد شده است و هم نماز امام زمان علیه السلام



با صد بار «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و هم تهلیل و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام.

۷- این دو داستان که نقل شد، مشهود و یا مثل مشهود خودم بود^(۱) و داستان‌های دیگری هست که فعلاً تمام خصوصیات آن را در نظر ندارم. بعداً، ان شاء الله، تحقیق کرده، در این دفتر، بإذنه تعالی، ذکر می‌کنم.

۸- در آن موقع که زمین، این قدر بی‌ارزش بوده است، فقط یک مساحت کوچکی را مورد این دستور قرار داده‌اند، که ظاهراً حدود سه چشمه از مسجد فعلی است که در زمان ما خیلی بزرگ شده است؛ ظاهراً، آن چشمه‌ای که در آن، محراب هست، و دو چشمه طرفین باشد. نگارنده که خالی از وسوسه نیستم و خیلی به نقلیات مردم خوش بین نیستم، از این امارات، به صحت این مسجد مبارک قطع دارم. والحمد لله علی ذالک و علی غیره من النعم التي لا تحصى.^(۲)

پیشگویی امیر مؤمنان علیه السلام از مسجد جمکران

مطابق نقل خلاصة البلدان از کتاب مونس الحزین، امیر مؤمنان علیه السلام از مسجد مقدس جمکران سخن گفته است.

۱. اشاره به دو داستان از عنایات حضرت بقیة الله، ارواحنا فداء، در مسجد مقدس جمکران است، که مرحوم آیه الله حائری آن‌ها را در کتاب خود آورده است.

۲. کریمه اهل بیت، ص ۴۸۴؛ سرّ دلبران، ص ۲۴۸ - ۲۵۰.



محمد بن محمد بن هاشم حسینی رضوی قمی، به تقاضای مولی محمد صالح قمی، به سال ۱۱۷۹ هجری، در باره فضیلت شهر قم و تاریخچه تأسیس مسجد مقدس جمکران، کتاب ارزشمندی تألیف و آن را خلاصة البلدان نام نهاده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی، این کتاب را مشاهده کرده و گزارش آن را در الذریعه آورده است.^(۱)

مرحوم کچوئی، این کتاب را در اختیار داشته، فرازهایی از این کتاب را در کتاب أنوار المشعشعین آورده است.

وی، در این رابطه، حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام آورده، که فرازهایی از آن را در این جامی آوریم و علاقه‌مندان به تفصیل بیش‌تر را به کتاب انوار المشعشعین رهنمون می‌شویم. او می‌گوید:

در کتاب خلاصة البلدان از کتاب مونس الحزین با سند صحیح و معتبر، از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده که خطاب به حذیفه فرمود: «ای پسر یمانی! در اوّل ظهور، خروج نماید قائم آل محمد علیه السلام از شهری که آن را قم گویند^(۲) و مردم را دعوت به حق می‌کند، همه خلایق از شرق و

۱. الذریعة، ج ۷، ص ۲۱۶.

۲. تردیدی نیست که قیام نخستین حضرت بقیه الله، ارواحنا فداه، از مکه معظمه و کنار خانه خدا است. این حدیث و احادیث مشابه، به حرکتهای بعدی آن کعبه مقصود، نظر دارد.



غرب، به آن شهر روی آورند و اسلام، تازه شود...
ای پسر یمانی! این زمین، مقدّس است، از همهٔ لوث‌ها،
پاک است...

عمارت آن، هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد. رایت
وی بر این کوه سفید بزنند، به نزد دهی کهن، که در جنب
مسجد است، و قصری کهن - که قصر مجوس است - و آن
را «جمکران» خوانند. از زیر یک منارهٔ آن مسجد بیرون
آید، نزدیک آن جا که آتش‌خانهٔ گبران بوده...»^(۱)

از این حدیث شریف، استفاده می‌شود به طوری که مسجد سهله
در دوران ظهور حضرت بقیّة الله، ارواحنا فدا، پایگاه آن حضرت
خواهد بود، مسجد مقدّس جمکران نیز در عصر ظهور، جایگاه
خاصی دارد و پایگاه دیگری برای آن حضرت است.

مرحوم کچوئی، پس از نقل متن کامل حدیث، به شرح و تفسیر
آن پرداخته، در بارهٔ کوه سفید و قصر مجوس و دیگر تعبیرهایی که
در حدیث شریف آمده و ما به جهت اختصار نیاوردیم، به تفصیل،
سخن گفته است.^(۲)

خوانندگان گرامی، توجه دارند که احادیث ملاحم، چندان
نیازی به تحقیق در سند ندارند؛ زیرا، جز معصومان علیهم‌السلام که با

۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۴-۴۵۸.



سرچشمه و حی مربوط بودند، شخص دیگری نمی توانست خبری بگوید که صدها سال بعد تحقق پیدا کند.

روزی که امیر مؤمنان علیه السلام به حذیفه از مسجد جمکران خبر می داد، در سرزمین حجاز و عراق، کم تر کسی نام قم را شنیده بود، لذا می بینیم که در احادیث فراوانی، به هنگام بحث از قم، به «شهری در نزدیکی ری» تعبیر شده تا به این وسیله، موقعیت جغرافیایی شهر قم، برای اصحاب ائمه علیهم السلام روشن گردد.

از این رهگذر، احتمال نمی رود که احدی از مردم حجاز، نام جمکران را به عنوان یکی از دهات قم شنیده باشد.

نکات ریزی که در مورد قصر مجوس و آتش خانه گبران آمده، مطلبی نبود که در حجاز و عراق، کسی از آن آگاه باشد.

به هنگام صدور این حدیث از مولای متقیان علیه السلام، کسی نمی توانست پیش بینی کند که در کنار ده جمکران، در آینده، مسجدی ساخته خواهد شد و با حضرت بقیه الله (عج) - که آن روز متولد نشده بود - ارتباط خواهد داشت.

هنگامی که ابن فثال، این حدیث را در کتاب مونس الحزین درج می کرد، بدون تردید، این مسجد، مناره نداشت.

هنگامی که صاحب خلاصه البلدان، در قرن دوازدهم، این حدیث را از مونس الحزین نقل می کرد، باز هم مسجد مقدس جمکران، مناره ای نداشت؛ زیرا، برای نخستین بار، در سال ۱۳۱۸ هجری،

یک مناره در زاویه جنوب شرقی مسجد ساخته شد.^(۱)

هنگامی که مرحوم کچوئی، این حدیث را در کتاب أنوار المشعشعین می نوشت، مسجد جمکران، فقط یک مناره داشت و تا چند سال پیش نیز به همین منوال بود، ولی در این حدیث آمده است که «از زیر یک مناره آن مسجد، بیرون آید».^(۲)

این تعبیر، صریح است در این که به هنگام ظهور حضرت بقیة الله، ارواحنا فداء، مسجد مقدس جمکران، بیش از یک مناره خواهد داشت، در حالی که به هنگام چاپ اول کتاب (۱۳۲۷ هجری) نیز مسجد، فقط یک مناره داشت.

معجزات حضرت بقیة الله علیه السلام در مسجد مقدس جمکران

کرامات و معجزات و عنایاتی که از ائمة اطهار علیهم السلام صادر گشته و از سوی راویان مورد اعتماد روایت شده، و در کتاب های مورد استناد ثبت گردیده، منحصر به صدر اسلام و قرون اولیه اسلام نیست، بلکه هر روز در گوشه و کنار جهان، بویژه در حرم ائمة هدی علیه السلام معجزات و کرامات تازه ای تحقق می یابد که دلیل حقانیت پیشوایان شیعه، و مایه دل گرمی شیعیان است.

هر یک از شما، یک یا چند معجزه در حرم مطهر ثامن الحجج

۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۷۲.

۲. أنوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۴.



امام علی بن موسی الرضا علیه السلام دیده و یا شنیده‌اید.

اکنون که دوران فرمانروایی حضرت بقیّة الله، ارواحنا فداء، است، همه روزه، ده‌ها نفر در اقطار و اکناف جهان، با توسّل به ذیل عنایت آن حضرت علیه السلام، از امراض صعب‌العلاج و دیگر گرفتاری‌های خانمان‌سوز، به طور معجز‌آسا، رهایی می‌یابند و برای همیشه، خود را رهین عنایت آن حضرت می‌دانند.

در این جا، یکی از این کرامت‌ها را که در شب دوازدهم جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ هجری، در مسجد مقدّس جمکران، برای یک کودک سیزده ساله زاهدانی روی داده را، برای نورانیّت قلب خوانندگان گرامی می‌آوریم.

این کودک، سعید چندانی، دانش‌آموز کلاس پنجم ابتدایی است که در دبستان محمّد علی فائق، در زاهدان، مشغول تحصیل است. سعید، در یک خانواده مذهبی، در زاهدان متولّد شده و بر شیوه عقاید اهل تسنّن تربیت یافته است.

مادر سعید، اگر چه از لحاظ نسب، به خاندان عصمت و طهارت منسوب است، ولی او نیز سنی حنفی است.

سعید، یک سال و هشت ماه پیش از تاریخ یاد شده، در یک تعمیرگاه ماشین، پایش می‌لغزد و به چاهی که روغن و فاضلاب تعمیرگاه در آن می‌ریخته می‌افتد، و جراحات‌های مختلفی بر بدن‌اش وارد می‌شود. این جراحات‌ها، بهبود می‌یابد، ولی غده‌ای



در ناحیه شکم پدید می آید. نخست، خیال می کنند که فتق است، ولی با گذشت چند ماه، پزشکان معالج، اظهار می کنند که غده سرطانی است و باید او را برای معالجه به تهران ببرند.

او را به تهران می آورند و در «بیمارستان هزار تخت خوابی» بستری می کنند. پس از نمونه برداری و احراز غده بدخیم سرطانی، او را به «بیمارستان الوند» منتقل می کنند و غده ای به وزن یک کیلو و نیم از شکم او بیرون می آورند، ولی در مدت کوتاهی، جای غده، پر می شود. پزشکان، اظهار می کنند که با این رشد سریع غده، دیگر کاری از ما ساخته نیست.

مادر سعید، شبی در خواب می بیند که به او می گویند: «سعید را به مسجد جمکران ببرید».

طبعاً، یک زن سنی، نمی داند که مسجد جمکران کجاست، ولی هنگامی که خواب اش را برای دیگران نقل می کند، او را به مسجد جمکران قم راهنمایی می کنند.

وی، سعید را با دیگر فرزندش، محمد نعیم، به قم می آورد و بلافاصله به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند.

سعید، روز سه شنبه یازدهم جمادی الاولی ۱۴۱۴ هجری ساعت یک و نیم بعد از ظهر، وارد مسجد جمکران می شود. خدام مسجد، وضع او را که به این منوال می بینند، او را در اتاق شماره هشت زائر سرای مسجد، اسکان می دهند.

مادر سعید، اعمال مسجد را فرا می‌گیرد، با پسرش، محمد نعیم، اعمال مسجد را انجام می‌دهد، آن گاه عریضه‌ای تهیه می‌کند و آن را در چاه می‌اندازد، و با دلی سرشار از امید، به ذیل عنایت حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، متوسل می‌شود.

شب، فرا می‌رسد و عاشقان حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، طبق رسم سنواتی که شب‌های چهارشنبه، از راه‌های دور و نزدیک، به مسجد مقدس جمکران مشرف می‌شوند، دسته دسته می‌آیند و در مسجد، به عبادت و نیایش می‌پردازند.

مشاهده این شور و هیجان مردم، در دل مادر سعید، طوفانی ایجاد می‌کند. او نیز همراه ده‌ها هزار زائر به عبادت و دعا و تضرع می‌پردازد و شفای فرزندش را از حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، با اصرار و الحاح مسئلت می‌کند.

هنگامی که به اتاق مسکونی‌اش در زایر سرای مسجد می‌آید، دو نفر از خادمان، با اخلاص، به اطاق او می‌آیند و در آن جا عزاداری می‌کنند و برای شفای سعید، به طور دسته جمعی، دست به دعا بر می‌دارند.

سعید می‌گوید:

«درست، ساعت سه بعد از نیمه شب بود که در عالم رؤیا دیدم نوری از پشت دیوار ساطع شد و به طرف من به راه افتاد.



او، یک انسان بود، ولی من، از او، فقط نور خیره کننده‌ای می‌دیدم که آهسته آهسته به من نزدیک می‌شد.

من، ابتدا، مضطرب شدم، ولی سعی کردم که بر خودم مسلط شوم. هنگامی که نور به من رسید، به ناحیه سینه و شکم من اصابت کرد و برگشت.

من، از خواب بیدار شدم و چیزی متوجه نشدم و باز هم خوابیدم. صبح که از خواب برخاستم، سعی کردم که خودم را به عصایم نزدیک کنم و عصا را بردارم، ناگاه متوجه شدم که بدنم سبک شده و آن حالت درد شدید، به کلی، از من رفع شده است.

در آن وقت، متوجه شدم که شفا یافته‌ام و آن نور، وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است.»

این معجزه باهر و کرامت ظاهر، در شب چهارشنبه دوازدهم جمادی الأولى ۱۴۱۴ هجری برابر با پنجم آبان ۱۳۷۲ شمسی رخ داد.

سعید، با مادر و برادر خود، سه شب، در زائر سرای مسجد اقامت کردند. شب سوم که شب جمعه بود، عنایت دیگری شد که این بار، در بیداری انجام پذیرفت. اینک، متن آن واقعه را از زبان سعید بشنوید:

«شب جمعه، در اتاق شماره هشت نشسته بودم و مادرم مشغول تلاوت قرآن بود. احساس کردم که شخصی در

کنار من نشست و برای من، رهنمودها و دستورالعمل‌هایی را بیان فرمود.

چون سخنان‌اش تمام شد، برگشتم و کسی را ندیدم. از مادرم پرسیدم که: «مادر! با من بودی؟». گفت: «من، قرآن می‌خواندم، با تو نیستم». پرسیدم: «پس این کی بود که با من سخن می‌گفت؟». مادرم گفت: «کسی در این جا نیست».

در آن موقع، پتو را بر سرم کشیدم و هر چه به مغزم فشار آوردم که مطالب آن شخص را به خاطر بیاورم، چیزی به یادم نیامد».

روز جمعه، سعید و مادرش، به تهران باز می‌گردند و بیمارستان الوند مراجعه می‌کنند. پس از عکس‌برداری، معلوم می‌شود که سعید، صحیح و سالم است و از غده بدخیم سرطانی، هیچ خبری نیست.

بدین گونه، این کودک سعادت‌مند - که به حق، «سعید» نامگذاری شده - از معجزات باهر حضرت ولی عصر، ارواحنا فدا، بهبودی کامل خود را در می‌یابد.

دو هفته بعد (شب چهارشنبه بیست و پنجم جمادی‌الاولی برابر با ۷۲/۸/۱۹) سعید، با مادرش و برادرش محمد نعیم، به جمکران آمده بود تا پیشانی ادب بر آستان مسجد حضرت صاحب الزمان علیه السلام بسایند و از محضر مولا و مقتدایش تشکر کنند.



خوش بختانه، حقیر هم در مسجد بودم و از داستان شفا یافتن او آگاه بودم. با او به دفتر مسجد رفتم و در حضور ده‌ها نفر از دوستان، مطالب بالا را از زبان سعید بدون واسطه شنیدم.

مادرش، از خوش حالی، در پوست خود نمی‌گنجید و بر حضرت بقیة الله، ارواحنا فدا، پیوسته درود می‌فرستاد و سخنانی می‌گفت که از یک فرد سنی مذهب بسیار جالب بود. مثلاً می‌گفت: «من نمی‌دانم الآن امام زمان علیه السلام کجا است: آیا در دریاها، کشتی‌ها را نجات می‌دهد و یا در آسمان‌ها، هواپیماها را نجات می‌دهد؟».

سعید، در این سفر، با کوله‌باری از پرونده‌های پزشکی و عکس‌ها و آزمایش‌ها آمده بود، که آنان را به مشتاقان ارائه دهد. از اسناد پزشکی او، مسئولان مسجد، فیلم برداری کردند. از خود سعید و مادرش نیز فیلم برداری شد، و سخنانشان ضبط گردید. بی‌گمان، خانواده «چندانی» در میان خانواده‌های معتقد اهل سنت، مبلغ صمیمی و بی‌قرار حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواهند بود.

جمکران، میعادگاه عاشقان

در طول سال، شب‌های چهارشنبه، مسجد مقدس جمکران، پذیرای قریب یکصد هزار عاشق دل‌باخته است که از شهرهای دور و نزدیک، به شهر مقدس قم روی می‌آورند و در حرم مطهر

حضرت معصومه علیها السلام پیشانی ادب بر آستان می ساینند و آن گاه راهی مسجد مقدس جمکران می شوند و با امام رؤوف، به راز و نیاز می پردازند.

از چهره‌های برجسته‌ای که ارادت خاصی به مسجد مقدس جمکران داشتند و خوانندگان گرامی با شخصیت علمی و تقوایی آنان آشنایی دارند، آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری، حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، حاج سید محمد تقی خوانساری، حاج سید محمد حجت کوهکمری، حاج آقا حسین بروجردی، حاج سید حسین قاضی، حاج شیخ محمد تقی بافقی و حاج آقا مرتضی حائری را می توان نام برد.

برای مرحوم آیه الله حائری، هر وقت مشکلی پیش می آمد، مرحوم آیه الله بافقی را به مسجد جمکران می فرستاد و رفع مشکل می شد.

هر وقت شهریه حوزه تأمین نمی شد، مرحوم آیه الله حجت، به مسجد مقدس جمکران مشرف می شد و همان روز، شهریه تأمین می گردید.

برای مرحوم آیه الله بروجردی، هر وقت مشکلی پیش می آمد، گوسفندی می فرستاد تا در کنار مسجد جمکران قربانی کنند.

برای مرحوم آیه الله گلپایگانی، هر وقت مشکلی پیش می آمد، عریضه‌ای می نوشت و با گروهی از اصحاب و فرزندان خود، به



مسجد مقدّس جمکران مشرّف می شد و توسّل می کرد و رفع مشکل می شد.

مرحوم آیه الله مرعشی، چهل شب چهارشنبه، در مسجد جمکران بیتوته کرد.

آیه الله صافی، در مورد پدر بزرگوارشان، مرحوم آیه الله حاج ملاّ جواد صافی گلپایگانی، نقل فرمودند که ملتزم بود حتّی الامکان، پیاده به مسجد جمکران مشرّف شود.

آیه الله حاج سیّد محمّد تقی خوانساری نیز غالباً، پیاده مشرّف می شدند.

ختم زیارت عاشورا در مسجد جمکران

در عصر زعامت مرحوم آیه الله حاج سیّد محمّد حجّت، قحطی و گرانی سختی پدید آمد، به طوری که نان سنگک دانه ای به یک تومان رسید، در حالی که شهریه طلّاب در ماه، فقط ده تومان بود.

مرحوم آیه الله حجّت، چهل تن از طلّاب مهذب و متدین را دستور داد که به مسجد مقدّس جمکران مشرّف شوند و در پشت بام مسجد، به صورت دسته جمعی، زیارت عاشورا را با صد سلام و صد لعن و دعای علقمه بخوانند و به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام متوسّل شوند و رفع گرانی و نزول باران را از خداوند متعال بخواهند.



چهل تن طلبه مهذب و متدین، طبق فرمان مرجعیت اعلای تشیع، به میعادگاه عاشقان شرفیاب شدند. بعد از ادای نماز تحیت و نماز حضرت بقیة الله، ارواحنا فدا، و توسل به ذیل عنایت فرمانروای جهان هستی، به پشت بام مسجد رفتند، ختم زیارت عاشورا را، طبق دستور آن مرجع وارسته، انجام دادند و حوائج خود را با شفیع قرار دادن سه تن باب الحوائج، به درگاه حضرت احدیت، عرضه داشتند و مسجد را به قصد قم ترک کردند.

راه قدیمی مسجد جمکران، از طرف روستای جمکران بود. گروه چهل نفری طلاب، هنوز به ده جمکران نرسیده بودند که درهای رحمت گشوده شد و باران رحمت، سیل آسافرو ریخت و طلاب، ناچار شدند که لباس های خود را درآورند، حتی کفش های خود را به دست گرفتند، از میان سیلاب ها عبور کردند. این حادثه تاریخی را نخستین بار، از دانشمند معظم حجة الاسلام والمسلمین استاد محمد امین رضوی صاحب کتاب ارزشمند تجسم اعمال - که خود جزء چهل تن بود - شنیدم.

بسیاری از آن چهل تن، به رحمت ایزدی پیوسته اند، ولی الحمد لله، برخی از آنان در قید حیات هستند که خوانندگان گرامی، می توانند از آنان تحقیق کنند.

اخیراً، این داستان از زبان حضرت آية الله حاج سید مهدی اخوان مرعشی و حجة الاسلام والمسلمین آقای گل محمدی ابهری،



منتشر شده است. (۱)

بسیار مناسب است که مراجع بزرگوار عصر ما نیز در مشکلات مادی و معنوی، مردم را به مسجد مقدس جمکران و ختم زیارت عاشورا به صورت دسته جمعی در آن میعادگاه عاشقان، فراخوانند.

خصوصیت شب چهارشنبه

مکرراً، با این سؤال مواجه شده‌ایم که «آیا شب چهارشنبه، خصوصیتی دارد؟».

در پاسخ، باید عرض کنیم که شب چهارشنبه، خصوصیت دارد. لذا می‌بینیم که حضرت بقیّة الله، ارواحنا فداء، در همان فرمانی که برای تأسیس مسجد جمکران صادر کردند، فرمودند: «فردا شب که شب چهارشنبه است، آن بزرگوار به همین جایگاه بیاور و ذبح کن و روز چهارشنبه که هجدهم ماه رمضان است، گوشت آن را به بیماران صعب‌العلاج انفاق کن که خداوند، همه‌شان را شفا عنایت می‌کند». (۲)

دعای عَظْمُ الْبَلَاءِ

در این جایاد آوری این نکته لازم است که در مسجد مقدس جمکران، از دعاهای مربوط به حضرت بقیّة الله، ارواحنا فداء، مانند

۱. مسجد مقدس جمکران، ص ۴۰؛ زیارت عاشورا و آثار شگفت، ص ۵۵.

۲. جنة المأوی، ص ۴۵؛ بحار، ص ۵۳، ص ۲۳۲.



«دعای ندبه»، «دعای سلام الله الكامل»، «زیارت آل یاسین»،
 «دعای عهد»، ... بویژه از دعای «اللّٰهُمَّ عَظُمِ الْبَلَاءَ...» که بعد از نماز
 حضرت صاحب الزّمان علیه السلام به آن امر شده است، غفلت نشود.^(۱)

مسجد سهل

اشاره:

مسجد سهله، در اطراف کوفه، در دو کیلومتری شمال غربی مسجد اعظم کوفه، کهن ترین مکان منتسب به حضرت بقیة الله (عج) است.

در احادیث مأثور از امامان نور، مسجد سهله، به عنوان اقامت گاه شخصی حضرت ولی عصر علیه السلام در عصر ظهور معرفی شده است.

در این نوشتار، به استناد بیست حدیث از پیشوایان معصوم علیهم السلام جایگاه مسجد سهله از دید روایات بررسی شده و ویژگی های آن مکان مقدس شمارش گردیده، و به چهل مورد از نیک بختان تاریخ که در این پایگاه ملک پاسبان به حضرت دوست راه یافته اند، اشاره شده است.



جایگاه آن امام نور به هنگام ظهور

در احادیث فراوانی، به صراحت، اعلام شده که اقامتگاه شخصی حضرت بقیة الله، ارواحنافداه، در دوران ظهور، مسجد مقدّس سهله است. اینک شماری از این روایات آورده می شود.

۱ - محدّثان عالی مقام شیعه، با اسناد معتبر، در مجامع حدیثی خود، از راویان اخبار و ناقلان آثار، روایت کرده اند که روزی در محضر مقدّس رییس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام از مسجد سهله گفت و شنود شد. فرمودند:

«أما إنّه منزل صاحبنا إذا قام بأهله»؛^(۱)

آن جا اقامتگاه صاحب ما است، هنگامی که با خانواده اش قیام کند.

در برخی از منابع، به جای «قام»، «قَدِمَ» تعبیر شده است؛^(۲) یعنی، هنگامی که تشریف بیاورد.

و در نقل برخی از محدّثان، به جای «أما إنّه»، «مسجد السّهله»

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۲؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۳؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۹؛ مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱؛ حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۳۳۹؛ گزیده کفایة المهدی، ص ۲۷۹.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۱؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۳؛ المستجاد، ص ۲۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱.

آمده است؛^(۱) یعنی، به جای ضمیر، اسم صریح آمده است.
 ۲- بیش از دو قرن، پیش از میلاد مسعود کعبه موعود، وجود
 مقدس امیر مؤمنان علیه السلام، به هنگام ترسیم خط سیر حضرت ولی
 عصر علیه السلام در آستانه ظهور، می فرماید:

«كَأَنِّي بَعْدَ عِبْرِ مَنْ وَادِيَ السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِ
 السَّهْلَةِ، عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ^(۲) لَهُ شِمْرَاخٌ،^(۳) يَزْهُو، وَ
 يَدْعُو، وَيَقُولُ فِي دَعَائِهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا
 حَقًّا...»؛^(۴)

گویی او را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور
 کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانیش همی
 درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است، وزیر لب
 زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا
 حَقًّا...».

۱. مزار شیخ مفید، ص ۲۵؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ نیز ر.ک: الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱.

۲. مُحَجَّلٌ، به اسبی گفته می شود که قسمتی از پاهای آن، سفید و درخشان باشد. [لسان العرب، ج ۳، ص ۶۵].

۳. شِمْرَاخٌ، عبارت از سپیدی باریک هلال گونه ای است که از پیشانی اسب به سوی لب هایش کشیده شود. [فقه اللغة، ثعالبی، ص ۶۷].

۴. دلائل الإمامة، ص ۴۵۸؛ نیز ر.ک: العدد القویة، ص ۷۵؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۲۵۰.



۳- بیش از یک قرن پیش از ولادت خجسته حضرت حجّت علیه السلام،
امام صادق علیه السلام خطاب به یار با وفایش ابوبصیر فرمود:

یا ابا محمّد! کأَنّی أرى نزول القائم علیه السلام فی مسجد
السّهله بأهله و عیاله؛

ای ابا محمّد! گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را با اهل و عیالش
در مسجد سهله، با چشم خود می بینم.

ابوبصیر عرضه داشت: «آیا محلّ اقامت دائمی آن حضرت، در
مسجد سهله خواهد بود؟». حضرت فرمود: «آری». سپس فرمود:

«مسجد سهله، اقامتگاه حضرت ادریس علیه السلام بود.

مسجد سهله، اقامتگاه حضرت ابراهیم خلیل
الرحمان علیه السلام بود.

خداوند، پیامبری را مبعوث نکرده، جز این که در مسجد
سهله نماز گزارده است.

مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر علیه السلام است.

کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که
در خیمه رسول اکرم صلی الله علیه و آله اقامت کند.

مرد و زن با ایمانی یافت نمی شود، جز این که دلش به
سوی مسجد سهله پر می زند.

در مسجد سهله، تخته سنگی است که تمثال همه پیامبران
بر آن نقش بسته است.

احدی در مسجد سهله نماز نمی گزارد که با نیت راستین

خدا را بخواند، جز این که خداوند او را با حاجت بر آورده
شده از آن جا بر می گرداند.

احدی نیست که در مسجد سهله به خدا پناهنده شود، جز
این که خداوند او را از آن چه بیم دارد پناه دهد.

ابوبصیر عرض کرد: «فضیلت بسیار بزرگی است!».

امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا برایت بیفزایم؟». عرض کرد: «بلی».

فرمود:

مسجد سهله، از آن بقعه‌هایی است که خداوند دوست
دارد او را در آن جا بخوانند.

شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت مسجد سهله
نشتابند و در آن جا به عبادت حق تعالی نپردازند.

اگر من در آن سامان سکونت داشتم، هیچ نمازی را جز
در مسجد سهله نمی خواندم.

ای ابا محمد! اگر مسجد سهله هیچ فضیلتی جز فرود
آمدن فرشته‌ها و اقامت پیامبران را نداشت، همین
فضیلت بس بود، در حالی که این همه فضیلت دارد.

آن چه از فضایل مسجد سهله برای تو بازگو نکردم، بیش
از فضایلی است که برایت گفتم.^(۱)

۴ - مفضل در ضمن حدیث مفصّلی از محضر امام صادق علیه السلام (

۱. المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۳،

ص ۴۱۷؛ نیز رک: قصص الأنبياء، راوندی، ص ۸۰.



پرسید: «منزل حضرت مهدی علیه السلام و مرکز اجتماع شیعیان کجا خواهد بود؟». امام صادق علیه السلام در پاسخ او فرمود:

دار ملکه الکوفة، و مجلس حکمه جامعها، و بیت
ماله و مقسم غنائم المسلمين مسجد السهلة، و
موضع خلواته الذکوات البیض من الغرین؛^(۱)

مرکز حکومت او، کوفه، و مرکز قضاوتش، مسجد اعظم
کوفه، و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان،
مسجد سهله، و محل خلوت و مناجات هایش تپه های
سپید و نورانی نجف اشرف است.^(۲)

۵- ابوبکر حضرمی از محضر امام باقر علیه السلام پرسید: «بعد از خانه
خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله کدامین بقعه از همه بقعه ها با فضیلت تر
است؟». امام باقر علیه السلام فرمود:

ای ابابکر! کوفه است که پاک و پاکیزه است، و قبور
پیامبران مرسل و غیر مرسل در آن است، و قبور صالحان

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. ذکوات، جمع ذکات، به معنای سنگ ریزه های مشتعل و درخشان است. [مجمع
البحرین، ج ۱، ص ۱۵۹] به تپه های نجف اشرف، به جهت سنگ ریزه های شفاف و
درخشان اش که «دُرّ نجف» نامیده می شود، «ذکوات بیض» می گویند. امام صادق علیه السلام
به هنگام بیان انگشتی هایی که دوست دارد همه شیعیان داشته باشند، از دُرّ نجف
چنین یاد می کند: «وما یظهره الله بالذکوات البیض بالغرین»؛ و آن چه خداوند در
تپه های شفاف و درخشان نجف پدید می آورد. [تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷].

و صدّیقان در آن است، و مسجد سهیل^(۱) در آن است که:
خداوند، هیچ پیامبری مبعوث نکرده، جز این که در آن
نماز گزارده است.

و فیها یظهر عدل الله؛ عدالت خداوند در آن جا ظاهر
می شود.

و فیها یکون قائمه و القوام من بعده؛^(۲) خلیفه قائم به حق

۱. در حدیث شانزدهم بیان خواهد شد که منظور از مسجد سهیل، همان مسجد سهله
است.

۲. منظور از قائمان بعد از حضرت بقیّة الله علیه السلام جانشینان آن حضرت اند؛ زیرا، به طوری
که سیّد مرتضی علم الهدی به تفصیل بیان فرموده، با ارتحال حضرت بقیّة الله، ارواحنا
فداه، تکلیف برداشته نمی شود و چون باید هرگز روی زمین خالی از حجّت نباشد، باید
پیشوایانی به عنوان جانشینان آن حضرت در روی زمین باشند [رسائل الشریف
المرتضی، ج ۳، ص ۱۴۶].

شاید منظور از قائمان بعد از او، امامان معصوم علیهم السلام باشند که بر اساس عقیده قطعی ما،
رجعت خواهند کرد. [بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰].

شیخ حرّ عاملی، در این باره، شش وجه فرموده است. [الا یقاظ من ההجعة بالبرهان
على الرجعة، ص ۳۶۶].

از امام صادق علیه السلام روایت شده که بعد از قائم ما، یازده پیشوا خواهد بود [غیبت شیخ
طوسی، ص ۴۷۸].

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که در شب ارتحالش، نامه ای به امیرمؤمنان علیه السلام تحویل
دادند و وصیّت فرمودند که آن را امامان علیهم السلام دست به دست، به حضرت مهدی علیه السلام
برسانند، او نیز به هنگام وفات به فرزندش مرحمت کند [غیبت طوسی، ص ۱۵۱؛ نیز
ر.ک: جزیره خضراء، ص ۳۹-۴۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۵۸؛ مصباح المتهجد، ص
۴۰۶].



خداوند، و دیگر قائمان بعد از اونیز در آن جا خواهند بود.
آن جا اقامتگاه پیامبران، و اوصیای پیامبران و صالحان
است. (۱)

۶- ابان بن تغلب، در سفری با امام صادق علیه السلام هم سفر شد. در
اطراف کوفه، در سه نقطه، امام صادق علیه السلام از اسب پیاده شد، دو
رکعت نماز گزارد.

ابان، در مورد این سه نقطه، از آن حضرت پرسید. امام علیه السلام
توضیح داد، سومین مورد را «محل نزول قائم علیه السلام» معرفی فرمود. (۲)
در این حدیث اگرچه به نام مسجد سهله تصریح نشده، ولی از
بررسی مجموع روایات اطمینان حاصل می شود که آن نقطه، مسجد
سهله بوده است.

۷- محمد بن حسین بن عبدالله تمیمی، مشهور به «ابو سوره» از
بزرگان زیدیّه بود. روز عرفه ای، به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف
شد. شب عید را نیز در حائر حسینی بیتوته کرد. در پگاه عید

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۱؛ کامل الزیارات، ص ۲۶؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۳؛
مختصر البصائر، ص ۱۷۸؛ الرجعة، استرآبادی، ص ۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص
۲۵۵؛ حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸ و ج ۱۰۰، ص
۴۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۷۲؛ حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۳۴۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۰۱؛
روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۴.

اضحی، به هنگام خروج از حرم امام حسین علیه السلام به پیشگاه مقدّس حضرت بقیّة الله، ارواحنا فداه، شرفیاب شد. در محضر آن قبله موعود، به سوی مسجد سهله حرکت کرد. معجزه‌ای از آن حضرت مشاهده کرد. مستبصر شد و به آیین تشیع اثناعشری گروید.

ابو سوره می گوید: هنگامی که به مقابر مسجد سهله^(۱) رسیدیم، آن امام همام فرمود:

هُوَ ذَا مَنْزِلِي؛^(۲)

این جا خانه من است.

۱. در مورد مقابر مسجد سهله، در کتاب اجساد جاویدان، ص ۴۲، به تفصیل سخن گفته‌ایم. در تشرّف سی و هفتم نیز در این رابطه سخن خواهیم گفت. از بررسی منابع تاریخی معلوم می‌شود که پس از اسلام نیز افرادی در این مسجد دفن شده‌اند، که از آن جمله است:

الف) یحیی بن عبدالله بن محمّد بن عمر الأطراف بن امیرالمؤمنین علیه السلام که به دست هارون الرشید به شهادت رسید و در مسجد سهله مدفون شد. [الفائق، ج ۳، ص ۴۳۶].

ب) علی بن ابراهیم خیاط، صاحب چندین اصل، که به سال ۲۰۷ هـ. وفات کرد. ابراهیم بن محمد علوی بر پیکرش نماز خواند. [رجال شیخ طوسی، ص ۴۸۰؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۵۹].

ج) احمد بن محمد طایی، که پنج روز مانده از جمادی الآخره ۲۸۱ هـ. در کوفه درگذشت. [تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۶۸].

۲. الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۷۱؛ الثاقب فی المناقب، ص ۵۹۷؛ منتخب الأنوار المضيئة، ص ۱۶۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۱۲؛ مدینة المعاجز، ج ۸، ص ۱۵۱؛ گزیده کفایة المهتدی، ص ۲۳۰.



در این احادیث، از مسجد سهله به عنوان اقامتگاه حضرت بقیة الله، ارواحنا فداء، به هنگام ظهور سخن رفته است در احادیث فراوان دیگری، به ابعاد دیگری از ویژگی های مسجد سهله اشاره شده، که شماری از آنها را در این جامی آوریم:

۸- شیخ طوسی، با سلسله اسناد خود، در ضمن یک حدیث طولانی، از وجود مقدس امیر مؤمنان علیه السلام روایت می کند که به هنگام شمارش مساجد مبارکه کوفه فرمود:

و مسجد بنی ظفر مسجد مبارك. والله! إنَّ فيه لصخرة خضراء، و ما بعث الله من نبيٍّ إلاَّ فيها تمثال وجهه، و هو مسجد السَّهْلة؛^(۱)

مسجد بنی ظفر، که همان مسجد سهله است، مسجد مبارکی است. به خدا سوگند! در آن، تخته سنگ سبز رنگی است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، جز این که تمثال صورتش در آن هست.

۹- مرحوم کلینی، در همین رابطه، حدیثی با سلسله اسنادش از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت، در شمار مساجد مبارکه کوفه فرمود:

۱. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۶۸؛ نیز رک: الغارات، ج ۲، ص ۴۸۴؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۶.

و مسجد بنی ظفر و هو مسجد السَّهْلَة؛^(۱)

و مسجد بنی ظفر که همان مسجد سهله است.

۱۰- امام صادق علیه السلام خطاب به علاء بن رزین فرمود: «در نزدیکی شما، مسجدی هست که شما آن را «مسجد سهله» می نامید و ما آن را «مسجد شری»^(۲) می نامیم، آیا در آن مسجد نماز می خوانی؟»
علاء گفت: «آری! جانم به فدایت! من، در آن جا نماز می خوانم».

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّهُ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يَأْتَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كَرْبَهُ - أَوْ قَالَ:
قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ - وَ فِيهِ زِبْرَجْدَةٌ فِيهَا صُورَةُ كُلِّ نَبِيٍّ وَ
كُلِّ وَصِيٍّ؛^(۳)

آری، آن جا برو؛ زیرا، هرگز اندوهناکی به آن جا
نمی رود، جز این که خداوند، اندوهش را می زداید. [و یا

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۸۹؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۰؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۹؛ نیز رک: خصال، ج ۱، ص ۳۰۱؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۸.

۲. این واژه، در بحار الأنوار و متن چاپی قرب الإسناد «شری» ثبت شده است. در نسخه خطی آن [نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی، به شماره ۳۹۱۸] «بری»، در وسائل و حاشیه آن نسخه خطی «ثری» ثبت است.

۳. قرب الإسناد، ص ۱۵۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷.



فرمود: حاجتش را بر می آورد] و در آن جا زبرجدی هست که تمثال همه پیامبران و همه اوصیای پیامبران در آن است.

۱۱- امیر مؤمنان علیه السلام به مالک بن ضمره رواسنی - که از خواص اصحابش بود - ^(۱) فرمود: «آیا به مسجدی که در پشت خانه‌ات هست، می‌روی؟ و در آن نماز می‌گزاری؟». مالک گفت: «ای امیر مؤمنان! معمولاً، در این مسجد، خانم‌ها نماز می‌خوانند».

فرمود:

یا مالک! ذاک مسجد ما أتاہ مکروب قطّ، إلاّ فرّج الله عنه و أعطاه حاجته؛ ^(۲)

ای مالک! این، مسجدی است که هرگز شخص اندوهناکی به آن جا نمی‌رود، جز این که خداوند هم و غمش را بر طرف می‌کند، حاجتش را بر می‌آورد.

در این حدیث، اگرچه به نام «مسجد سهله» تصریح نشده، جز این که از بررسی احادیث، اطمینان حاصل می‌شود که در مورد مسجد سهله است و لذا ابن مهدی، آن را در باب احادیث مربوط

۱. مستدرکات علم الرجال، ج ۶، ص ۳۳۴.

۲. المزار الکبیر ص ۱۳۳؛ نیز رک: کامل الزیارات، ص ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰،

ص ۴۰۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۵.

به فضائل مسجد سهله نقل کرده است.^(۱)

۱۲- امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

[إِنَّهُ] ^(۲) مَا مِنْ مَكْرُوبٍ يَأْتِي مَسْجِدَ السَّهْلَةِ، فَيُصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْعِشَائَيْنِ وَ يَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى، إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كَرْبَهُ؛ ^(۳)

هیچ غم زده‌ای نیست که به مسجد سهله برود و در آن دو رکعت نماز میان مغرب و عشا بخواند و خدای را بخواند، جز این که خداوند غم‌هایش را زایل گرداند.

۱۳- از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که فرمود:

مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكْعَتَيْنِ، زَادَ اللَّهُ فِي عَمْرِهِ سَنَتَيْنِ؛ ^(۴)

هر کس در مسجد سهله دو رکعت نماز بگذارد، خداوند، دو سال بر عمر او می‌افزاید.

۱. همان.

۲. لفظ «إِنَّهُ» فقط در مزار شیخ مفید هست.

۳. مزار شیخ مفید، ص ۲۶؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۸؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰.

۴. مزار شیخ مفید، ص ۲۶؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶ [در مزار کبیر به جای «سنتين»، «سنين» چاپ شده که غلط چاپی است].



۱۴ - امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

إِذَا دَخَلْتَ الْكُوفَةَ، فَأَتِ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ، فَصَلِّ فِيهِ
وَأَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ لَدِينِكَ وَدُنْيَاكَ...؛^(۱)

هنگامی که وارد کوفه شدی، به مسجد سهله برو و در
آنجا نماز بگزار، آنگاه حاجت‌های مادی و معنوی
خود را از خداوند بطلب که:

مسجد سهله خانه ادریس نبی بود.

حضرت ادریس در آنجا لباس می‌دوخت و نماز
می‌خواند.

هر کس در مسجد سهله خدا را بخواند، برای هر حاجتی
که مورد علاقه‌اش باشد، خداوند، حاجت‌اش را بر
می‌آورد، و در روز قیامت، او را تا رتبه حضرت ادریس
بالا می‌برد، و او را از ناملايمات دنیا و نیرنگ‌های
دشمنان پناه می‌دهد.

۱۵ - مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت
کرده که فرمود:

بِالْكُوفَةِ مَسْجِدٌ يُقَالُ لَهُ «مَسْجِدُ السَّهْلَةِ». لَوْ أَنَّ عَمِّي
زَيْدًا أَتَاهُ، فَصَلَّى فِيهِ وَاسْتَجَارَ اللَّهَ، لَأَجَّارَهُ عَشْرِينَ

۱. قصص الأنبياء، قطب راوندی، ص ۸۰؛ قصص الأنبياء، جزائری، ص ۶۵؛
بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۳.

سنة. فيه مناخ الرّاكب و بيت إدريس النّبی ﷺ، و ما
أتاه مكروب قطّ فصلی فيه بین العشائین و دعا الله،
إلا فرّج الله كربته؛^(۱)

در کوفه، مسجدی است که «مسجد سهله» نامیده
می شود، اگر عمویم زید به آن جا می رفت و به خدا
پناهنده می شد، خداوند، بیست سال او را پناه می داد.
آن جا جایگاه سواره و خانه ادريس نبی ﷺ است.
هیچ غم زده ای نیست که به آن جا برود و میان مغرب و
عشا نمازی بگذارد و خدا را بخواند، جز این که خداوند
غم هایش را بر طرف می سازد.

در نقل شیخ طوسی آمده است که پرسیدند: «منظور از «سواره»
کیست؟». فرمود: «حضرت خضر ﷺ». ^(۲)

۱۶ - جعفر بن محمد بن قولویه (استاد شیخ مفید) با سلسله
اسنادش از امام جعفر صادق ﷺ روایت کرده که خطاب به ابو حمزه
ثمالی فرمود:

ای اباحمزه! «آیا عمویم زید را در شبی که خروج کرد، دیدار
کردی؟». عرض کرد: «بلی».

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱؛ وسائل الشیعة، ج ۵،

ص ۲۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۳۹.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۲.

فرمود: «آیا در مسجد سهیل نماز گزارد؟».

عرض کرد: «مسجد سهیل کجا است؟ آیا منظور شما مسجد سهله است؟». فرمود: «آری».

[عرضه داشت: «نه».]^(۱) فرمود:

أما إنه لو صلی فیہ رکعتین، ثم استجار الله، لأجاره
سنة؛

اگر در آن جا دو رکعت نماز می خواند، آن گاه به خدا
پناهنده می شد، بی گمان، خداوند، تا یک سال او را پناه
می داد.

ابو حمزہ ثمالی گفت: «پدر و مادرم به فدای شما! آیا مسجد
سهله این گونه است؟».

فرمود:

«آری»؛

مسجد سهله، خانه حضرت ابراهیم بود، هنگامی که به
سوی عمالقه رفت.

خانه حضرت ادریس آن جا بود و آن جا لباس
می دوخت.

پایگاه سواره (حضرت خضر) آن جا است.

آن جا، تخته سنگ سبز رنگی است که تمثال همه

۱. جمله «قال: لا» در اکثر منابع افتاده است، ولی در کامل و مستدرک موجود است.

پیامبران در آن است.
 در زیر آن سنگ، تربتی است که خداوند همهٔ پیامبران را
 از آن آفریده است.
 محل عروج آن جا است.^(۱)
 فاروق اعظم، آن جا است، که در نقطه‌ای از آن است.^(۲)
 آن جا، رهگذر مردمان است.
 آن جا، از سرزمین کوفه است.
 صور، در آن جا دمیده می‌شود.
 حشر و نشر، به سوی آن جا است.
 هفتاد هزار نفر از کنار آن محشور می‌شوند که بدون
 حساب وارد بهشت می‌گردند....^(۳)

۱. علامه مجلسی فرموده: «شاید منظور از جمله «معراج آن جا است.»، این باشد که رسول اکرم ﷺ هنگامی که در شب معراج نزول کرده، در مسجد کوفه نماز گزارده، به مسجد سهله تشریف فرما شده، از آن جا به آسمان‌ها عروج فرموده است، و شاید منظور این باشد که معراج معنوی برای مؤمنان، در آن جا حاصل می‌شود.» [بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷].

۲. و در مورد «فاروق اعظم» احتمال داده‌اند که منظور، وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام باشد. معنای حدیث، چنین خواهد بود که در نقطه‌ای از مسجد سهله، توسط حجت خدا، بین حق و باطل، فرق گذاشته می‌شود. او، برای این سخن استشهاد فرموده به حدیث پنجم که در فرازی از آن، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «عدالت خدا، در آن جا ظاهر می‌شود و قائم به عدل الهی در آن جا خواهد بود.» [همان].

۳. کامل الزیارات، ص ۲۵؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج



۱۷ - مرحوم کلینی، در همین باره از عبدالله بن ابان روایت می‌کند که گفت:

روزی، در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم. خطاب به حاضران فرمود: «آیا کسی از شما، از سرگذشت عمویم «زید بن علی» (علیه السلام) اطلاعی دارد؟».

یکی از حاضران گفت: آری؛ من، تا حدی از مطالب ایشان خبر دارم. شبی، در خانه معاویه بن اسحاق انصاری، در خدمت جناب زید بودیم که گفت: «مهیّا شوید به مسجد سهله برویم و در آن جا نماز بگزاریم».

امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا انجام داد؟». پاسخ داد: «نه. کاری پیش آمد و او را از رفتن به مسجد سهله باز داشت».

امام علیه السلام فرمود:

اما والله! لو أعاذ الله به حولاً لأعاده؛^(۱)

۳، ص ۴۱۵.

۱. در نقل قطب راوندی، به این تعبیر آمده: «اگر عمویم به هنگام خروج به مسجد سهله می‌رفت و در آن نماز می‌گزارد و به خدا پناه می‌برد، خداوند، بیست سال به او پناه می‌داد». [قصص الأنبياء، ص ۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۸۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۴] در نقل ابن مشهدی چنین آمده: «به خدا سوگند! اگر یک سال از خدا پناه می‌خواست، خداوند، سال‌ها به او پناه می‌داد». [المزار الكبير، ص ۱۳۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۷].

به خدا سوگند، اگر در آن جا برای یک سال از خدا پناه
می طلبید، خداوند به او پناه می داد.

سپس فرمود:

«آیا نمی دانید که آن جا، خانه ادریس نبی علیه السلام بود،
حضرت ادریس، آن جا خیاطی می کرد،
حضرت ابراهیم علیه السلام از آن جا به سوی عمالقه رفت،
داوود از آن جا به جنگ جالوت رفت،
در آن جا تخته سنگ سبز رنگی است که تمثال همه
پیامبران در آن است،
گل همه پیامبران، از زیر آن سنگ اخذ شده است،
آن جا، پایگاه سواره است؟».

پرسیدند: «سواره کیست؟».

فرمود:

«خضر علیه السلام است».(۱)

۱۸ - علامه مجلسی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

مسجد السَّهْلَة مناخ الرَّاکِبِ؛

مسجد سهله، پایگاه سواره است.

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۴؛ مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۵؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۶؛ نیز ر.ک: کتاب مَنْ لَا یَحْضَرُهُ الْفَقِیْه، ج ۱، ص



پرسیدند: «منظور از سواره کیست؟».

فرمود:

«حضرت خضر علیه السلام». (۱)

۱۹- ابن مشهدی، با سلسله اسنادش از علی بن ابراهیم (صاحب تفسیر قمی) روایت کرده که در ضمن یک حدیث طولانی از پدرش ابراهیم بن هاشم نقل کرده، که در مسجد سهله، به خدمت حضرت خضر علیه السلام شرف یاب شده. در زاویه شرقی مسجد، از آن حضرت پرسید: این جا چه نام دارد؟». حضرت خضر علیه السلام فرمود:

إِنَّهُ مَقَامُ الصَّالِحِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ؛ (۲)

این جا، مقام صالحان و پیامبران و رسولان است.

۲۰- ابن مشهدی، با چند طریق از «بشار مکاری» روایت می کند که روزی به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد، طبقی از خرما می طبرزد را در محضر امام علیه السلام مشاهده کرد. امام علیه السلام از آن خرما به بشار تعارف کرد. ایشان عذر آورد که در مسیر خود با حادثه دل خراشی مواجه شده است، لذا نمی تواند چیزی بخورد.

امام علیه السلام آن حادثه را جویا می شوند. بشار می گوید: «خانمی را در

۱. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۰۳؛ قصص الأنبياء، جزایری، ص ۲۹۹.

۲. المزار الکبیر، ص ۱۴۱؛ مزار شهید، ص ۲۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۴؛

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۴.

کوچه دیدم که زمین خورده بود. به یاد حضرت زهرا علیها السلام افتاده، گفته بود: «لعن الله ظالمیک یا فاطمة!».

گزارش، به شرطه رسیده بود. شرطه، او را دستگیر کرد. به سوی زندان برد. مرتب، با تازیانه بر سرش کوبید. او نیز هر چه فریاد می زد و یاری می طلبید، کسی جرئت نمی کرد که به یاری اش بشتابد.

امام علیه السلام دست از طعام کشید. اشک از دیدگان مبارکش سرازیر شد. آن قدر گریست که محاسن و سینه و دستمالش خیس شد. آن گاه به بشار فرمود: «بشار! برخیز به مسجد سهله برویم و خدای را بخوانیم و آزادی آن زن را از خداوند بخواهیم».

امام علیه السلام کسی را به شرطه خانه فرستاد و به او فرمود: «آن جا بماند تا هنگامی که از آن زن خبری دریافت کند».

بشار می گوید: «در خدمت امام علیه السلام به مسجد سهله رفتیم. هر کدام دو رکعت نماز گزاردیم. آن گاه امام علیه السلام دست ها را به سوی آسمان برافراشت و دعای: «أنت الله لا إله إلا أنت...» را تا آخر خواند. آن گاه به سجده رفت. من، جز صدای نفس هایش را نمی شنیدم.

پس از مدتی سر از سجده برداشت و فرمود:

«برخیز که زن آزاد شد».



بشار گوید: «در محضر امام علیه السلام حرکت کردیم. در کوچه‌های کوفه بودیم که فرستاده امام علیه السلام آمد و آزاد شدن آن خانم را به امام علیه السلام نوید داد...» (۱).

ویژگی‌های مسجد سهله

از بررسی مجموع روایاتی که درباره مسجد سهله رسیده، به این نتیجه می‌رسیم که برای مسجد سهله ویژگی‌های فراوان و امتیازات بی‌شمار است که به گوشه‌ای از آن‌ها در این جا اشاره می‌کنیم. برای رعایت اختصار، فقط به شماره حدیث و یا احادیثی که به آن ویژگی دلالت می‌کند، در داخل کروشه اشاره می‌کنیم.

- ۱- آن جا، از سرزمین کوفه است. [ح ۱۶]
- ۲- آن جا، اقامتگاه پیامبران و صالحان است. [ح ۵]
- ۳- آن جا، اقامتگاه جانشینان حضرت مهدی علیه السلام است. [ح ۵]
- ۴- آن جا، اقامتگاه حضرت ابراهیم علیه السلام بود. [ح ۳ و ۱۶] ج ۶۱
- ۵- آن جا، اقامتگاه حضرت ادریس علیه السلام بود. [ح ۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و

[۱۷]

- ۶- آن جا، اقامتگاه حضرت بقیة الله، ارواحنا فداء، است. [ح ۱،

۳، ۵، ۶ و ۷]

۱. المزار الکبیر، ص ۱۳۶؛ مزار شهید، ص ۲۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۹.



- ۷- آن جا، اقامتگاه دائمی آن حضرت است. [ح ۳]
 ۸- آن جا، پایگاه حضرت خضر علیه السلام است. [ح ۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸]

- ۹- آن جا، تربتی هست که همه پیامبران از آن آفریده شده‌اند. [ح ۱۶ و ۱۷]

- ۱۰- آن جا، رهگذر راهیان بهشت است. [ح ۱۶]
 ۱۱- آن جا، عبادت‌گاه حضرت ادریس بود. [ح ۱۴]
 ۱۲- آن جا، کارگاه خیاطی حضرت ادریس بود. [ح ۱۴ و ۱۷]
 ۱۳- آن جا، مبارک است. [ح ۸ و ۹]
 ۱۴- آن جا، محل تقسیم غنایم در عصر ظهور است. [ح ۴]
 ۱۵- آن جا، محل عروج است. [ح ۱۶]
 ۱۶- آن جا، محل نزول فرشته‌ها است. [ح ۳]
 ۱۷- آن جا، محل نیایش حضرت صاحب علیه السلام است. [ح ۱۹]
 ۱۸- آن جا، مرکز بیت المال حضرت است. [ح ۴]
 ۱۹- آن جا، مقام صالحان و پیامبران است. [ح ۱۹]
 ۲۰- امام صادق علیه السلام برای حوائج مهم به آن جا تشریف می‌برد.

[ح ۲۰]

- ۲۱- تمثال همه پیامبران در سنگ سبز رنگی در آن جا است. [ح ۸، ۱۰، ۱۶ و ۱۷]
 ۲۲- تمثال همه پیامبران و اوصیای آنان نیز در آن سنگ است.



[ح ۱۰]

- ۲۳- حشر و نشر همگان، به سوی مسجد سهله است. [ح ۱۶]
 ۲۴- حضرت ابراهیم علیه السلام از آن جا به سوی عمالقه رفت. [ح ۱۶ و

[ح ۱۷]

- ۲۵- خانواده حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ظهور، در آن جا فرود
 می آیند. [ح ۱ و ۳]

- ۲۶- خدا، دوست دارد که در آن جا نیایش شود. [ح ۳]
 ۲۷- داوود، از آن جا به جنگ جالوت رفت. [ح ۱۷]
 ۲۸- دل هر زن و مرد مؤمن به آن جا پر می کشد. [ح ۳]
 ۲۹- دو رکعت نماز در آن جا، انسان را در پناه خدا قرار می دهد.
 [ح ۱۶]

- ۳۰- دو رکعت نماز میان مغرب و عشا، در آن جا، موجب
 افزایش عمر است. [ح ۱۳]
 ۳۱- دو رکعت نماز میان مغرب و عشا، در آن جا، موجب رفع
 غم می شود. [ح ۱۲]

- ۳۲- صُور، در آن جا دمیده می شود. [ح ۱۶]
 ۳۳- عبادت در آن جا، همانند عبادت در خیمه رسول اکرم صلی الله علیه و آله
 است. [ح ۳]

۳۴- عدالت الهی، در آن جا ظاهر می شود. [ح ۵]

۳۵- فاروق اعظم، آن جا است. [ح ۱۶]

- ۳۶- فرشتگان، هر شب و روز، در آن جا فرود می آیند. [ح ۳]
- ۳۷- فضایل ناگفته آن جا، بیش تر از آن چه بیان شد، است. [ح ۳]
- ۳۸- گل همه پیامبران، از آن جا برداشته شده است. [ح ۱۷]
- ۳۹- مسجد بنی ظفر، همان مسجد سهله است. [ح ۹]
- ۴۰- مسجد سهیل، همان مسجد سهله است. [ح ۵ و ۱۶]
- ۴۱- مسجد شری، ثری، بری نیز همان مسجد سهله است. [ح ۱۰]
- ۴۲- نیایش در مسجد سهله، موجب قضای حوائج و تقرّب به خدا است. [ح ۱۴]
- ۴۳- نیایش در آن جا، موجب مصونیت از ناملایمات است. [ح ۱۴]
- ۴۴- نیایش در آن جا، موجب مصونیت از نیرنگ دشمنان است. [ح ۱۴]
- ۴۵- هفتاد هزار نفر از آن جا، بدون حساب، وارد بهشت می شوند. [ح ۱۶]
- ۴۶- هیچ اندوهگینی وارد آن مسجد نشود، جز این که غم و اندوهش زدوده شود. [ح ۱۰ و ۱۱]
- ۴۷- هیچ پیامبر مبعوث نشد، جز این که در آن جا نماز گزارد. [ح ۳ و ۵]
- ۴۸- هیچ کس در آن جا به خدا پناهنده نشود، جز این که خدا او



را پناه دهد. [ح ۳، ۱۵ و ۱۷]

۴۹ - هیچ کس در آن جا نماز نگذارد، جز این که حاجت روا بر

می گردد. [ح ۳ و ۱۲]

۵۰ - هیچ کس در آن جا وارد نشود، جز این که حاجت اش

برآورده شود. [ح ۱۰ و ۱۱]

باریافتگان مسجد سهله

در طول یک هزار و یکصد و چهار سالی که از آغاز غیبت کبرای حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، می گذرد، هزاران نفر از شیعیان شیفته و منتظران دل سوخته، به قصد دیدار یار، از اقطار و اکناف جهان، به سوی مسجد مقدّس سهله می شتابند، شب‌هایی را در آن جا بیتوته می کنند، با کعبه مقصود و قبله موعود مناجات می کنند. به دیدار جان جانان موفق می شوند، ولی به دلایلی دم فرو بسته، راز دل را به احدی اظهار نمی کنند.

در این میان، شمار اندکی از این نیک بختان یافت می شوند که علی رغم تحفّظ و خویشتن داری که در کتمان توفیقات خود معمول داشته اند، راز شان بر ملا شده، به گوش دیگر دل سوخته ها نیز رسیده است.

تعداد بسیار نادری از این عزیزان، داستان تشرّف شان، به آثار مکتوب راه یافته، در لابه لای کتب درج شده، به دست ما رسیده



است.

با توجه به مشکلات فراوانی که در نقل این رویدادها هست، فقط اسامی شماری از این افراد سعادت‌مند که در مسجد سهله به حضور یار بار یافته و یا مورد توجه محبوب قرار گرفته‌اند، ثبت می‌شود، تا مورد بررسی و مراجعه علاقه‌مندان قرار گیرد. آن عده از شیفتگان پژوهنده و خوانندگان ارجمند که تمایل به مطالعه متن کامل این رخدادها باشند، می‌توانند به منابع یاد شده مراجعه فرمایند.

۱- محمد بن ابی رواد رواسی، با محمد بن جعفر دهان، در یکی از ایام رجب، به قصد دیدار حضرت صاحب الامر علیه السلام به مسجد سهله مشرف شدند. به هنگام بازگشت، در مسجد صعصعه، به محضر آن قطب دایره امکان شرف یاب شدند، دعای معروف: «اللهم یاذا المنن السابغة» را از آن حضرت استماع کردند.^(۱)

۲- افتخار قرون و اعصار، آیه الله سید مهدی بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲ هـ.) بنا به تقاضای میرزای قمی (صاحب قوانین) (متوفای ۱۲۳۱ هـ.) تشرف خود را در مسجد سهله به پیش‌گاه جان‌جانان و استماع مناجات گوش‌نواز آن امام دل‌نواز را بیان کرد، اما از اظهار

۱. اقبال الأعمال، ص ۶۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۷؛ کلمة الإمام المهدی، ص

۳۰۱؛ صحیفة المهدی، ص ۵۰.



گفت و شنود خود با آن حضرت امتناع کرد. (۱)

۳- سید بحر العلوم، یک بار دیگر در مسجد سهله، به محضر آن حضرت شرفیاب شد و در نماز جماعتی که به امامت آن بزرگوار برگزار شده بود، شرکت کرد. (۲)

۴- سید جعفر قزوینی، در خدمت پدر بزرگوارش سید باقر قزوینی - که صاحب کرامات فراوان بود - (۳) در مسجد سهله، به محضر خورشید فروزان امامت شرفیاب شده است. (۴)

۵- سید مهدی عباباف نجفی که هر شب چهارشنبه به مسجد سهله مشرف می شد، در نیمه شبی، به خدمت خورشید عالم تاب شرفیاب شد و مشاهده کرد که در آن شب تار، در و دیوار مسجد، چون روز، روشن بود. (۵)

۶- حاج سید احمد اصفهانی (مشهور به خوشنویس) که در زمان میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت کرده بود، روز جمعه‌ای،

۱. نجم ثاقب، ص ۶۱۲؛ جنة المأوی، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۴؛ فوائد رضویة، ص ۶۷۸؛ المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲. دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۶؛ نجم ثاقب، ص ۶۱۸؛ جنة المأوی، ص ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴۰.

۳. برخی از کرامات‌اش را محدث نوری در دارالسلام، ج ۲، ص ۱۹۶، آورده است.

۴. جنة المأوی، ص ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴۵؛ دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱؛ المصطفی والعتره، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

۵. العبقري الحسان، ج ۱، ص ۱۰۳.



در مسجد سهله، به پیشگاه پیشوای انس و جان شرفیاب شد و فرمان یافت که همه روزه، صبحگاهان، به نیابت از سوی حضرت صاحب الزمان علیه السلام زیارت عاشورا بخواند. (۱)

۷- شیخ محمود عراقی (متوفای ۱۳۰۶ هـ.) از تبار جناب میثم تمار و از شاگردان شیخ انصاری، از مولی عبدالحمید قزوینی، بدون واسطه نقل می‌کند که چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در چهلمین شب، جمال باهرالنور آن حضرت را مشاهده کرد، و صحن مسجد را بدون شمع و چراغ، از نور آن خورشید جهان افروز، روشن و منور دید. (۲)

۸- وی، از سید باقر اصفهانی - که او را به عنوان سید ثقه جلیل و فاضل عادل نبیل ستوده است - بدون واسطه نقل کرده که در شب چهارشنبه‌ای، در مسجد سهله، به محضر مولا شرفیاب شد و از خوان گرم‌اش برخوردار گشت. (۳)

۹- سید عبدالله قزوینی در سال ۱۳۲۷ هـ. در مسجد سهله، به دیدار آن حضرت توفیق یافت و مقام حضرت مهدی علیه السلام را روشن‌تر از روز دید. (۴)

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. دارالسلام، عراقی، ص ۳۰۴.

۳. همان، ص ۳۳۱.

۴. العقبی الحسان، ج ۱، ص ۱۰۴.

۱۰- حاج علی نجفی با یک گروه یازده نفری، هر شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در یک شب چهارشنبه که مسئول شام فراموش کرده بود غذا بیاورد، بعد از اَعمال مسجد، به مسجد کوفه رفتند و در حجره‌ای بیتوته کردند و از شدت گرسنگی، خواب‌شان نبرد که ناگهان، خورشید جهان افروز، به داخل حجره تشریف آورده، چای و برنج داغ به آنان مرحمت فرموده است.^(۱)

۱۱- شیخ محمود عراقی، داستان تشرّف شخص فلاح یزدی سهلاوی را در مسجد سهله، از حاج ملا باقر بهبهانی، و ادای قرض‌هایش را به فرمان حضرت، به دست سید اسدالله رشتی، نقل کرده است.^(۲)

۱۲- میرزا هادی بجستانی، از دوست‌اش سید حسن - که او را به تقوا و دیانت ستوده است - نقل می‌کند که چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد و در شب چهارم، مورد عنایت قرار گرفت.^(۳)

۱۳- شیخ محمد تقی حائری مازندرانی، شب چهارشنبه‌ای، در مسجد سهله، به محضر آن حضرت شرفیاب شد و دعای حضرتش

۱. همان، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. دارالسلام، عراقی، ص ۳۱۳.

۳. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.



را در مورد شیعیان، به لفظ «شیعتی» استماع کرد.^(۱)

۱۴- محدّث نوری، از شیخ باقر کاظمی - که او را به داشتن ملکه اجتهاد مطلق ستوده است - نقل می‌کند که در شب چهارشنبه‌ای، در وسط مقام آن حضرت در مسجد سهله، نور بسیار قوی همانند شعله‌های آتش مشاهده کرده است.^(۲)

۱۵- وی، داستان یک سبزی فروش نجفی را نقل کرده که در شب‌های چهارشنبه، به مسجد سهله می‌رفته و در یک شب ظلمانی، در مقام حضرت، به محضر آن خورشید جهان افروز شرفیاب شده است. وجود حضرت، مقام را بدون شمع و چراغ، چون روز، روشن کرده بود.^(۳)

۱۶- سیّد جلیل القدری از علمای زاهدان، پس از چهل شب مداومت بر تشرف به مسجد سهله، شب چهارشنبه‌ای، در مسجد سهله، خدمت مولا رسیده و مورد عنایت قرار گرفته است.^(۴)

۱۷- محدّث نوری، از یک مرد صالح سلمانی نقل می‌کند که چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شده، در شب چهارم، به دیدار محبوب شرفیاب شده، حضرتش او را به ملازمت

۱. همان، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱.

۳. نجم ثاقب، ص ۴۹۹؛ جنة المأوی، ص ۱۳۵؛ ب.

۴. العبقري الحسان، ج ۲، ص ۲۰۰.



پیرش، توصیه فرموده است. (۱)

۱۸ - حضرت آیه الله حاج میرزا مهدی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۵

هـ.) مکرر در مکرر، در مسجد سهله، برای ملاقات حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، و رهایی از منجلاب افکار یونانی و التقاطی، استغاثه کرد. سرانجام، روزی به هنگام بازگشت از مسجد سهله، در مقام هود و صالح، به محضر آن حضرت شرفیاب شد و این جمله نورانی را بر سینه آن حضرت مشاهده کرد:

طلب المعارف من غیر طریقنا أهل البيت مساوق
لإنکارنا؛ (۲)

طلب کردن معارف دینی، به جز از طریق ما اهل بیت، با
انکار ما مساوی است. (۳)

۱۹ - محدث نوری، از طرق متعدد، از حاج عبدالله واعظ نقل

کرده که مکرر، در مسجد سهله، در مقام حضرت، نور درخشانی

۱. جنة المأوی، ص ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴۵؛ دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱؛

المصطفی والعتره، ج ۱۷، ص ۲۲۲؛ المختار من کلمات الإمام المهدی، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲. أبواب الهدی، مقدمه، ص ۴۶.

۳. آثار شگفت این تشرف و دریافت این پیام و انقلاب روحی و تغییر خط مشی آن عالم فرزانه را در کتاب ارزشمند مکتب تفکیک از استاد محمدرضا حکیمی ملاحظه فرمایید.

چون آتش مشتعل مشاهده کرده است.^(۱)

۲۰- مرحوم آیه الله مرعشی نجفی (متوفای ۷ صفر ۱۴۱۱ هـ).

داستان تشرف سید جلیل القدری را در مسجد سهله به پیشگاه مقدس مولا، با دست خط خود نوشته، به مرحوم عمادزاده

مرحمت کرده، ایشان نیز آن را عیناً در کتاب خود آورده است.^(۲)

پس از درگذشت آن مرجع عالی قدر، این داستان، به نام خود آن

مرحوم ثبت شده است.^(۳)

۲۱- علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان (متوفای ۱۸ محرم

۱۴۰۲ هـ.) از استادش مرحوم آقا سید علی قاضی نقل می کرده که

برخی از افراد زمان ما، مسلماً، به محضر مبارک آن حضرت

رسیده اند. یکی از آنان، حاج شیخ محمد تقی آملی بود که در مسجد

سهله، در مقام آن حضرت - که به مقام صاحب الزمان معروف

است - مشغول دعا و ذکر بود که ناگهان آن حضرت را در میان نوری

بسیار قوی می بیند که می خواهد به او نزدیک شود، ابهت و عظمت

آن نور، طوری او را می گیرد که نزدیک بوده قبض روح شود،

نفس هایش به شماره می افتد، حضرت را به اسمای جلالیه خدا

۱. نجم ثاقب، ص ۶۲۴؛ دارالسلام، ج ۴، ص ۴۲۱؛ جنة المأوی، ص ۵۹؛ بحار الأنوار،

ج ۵۳، ص ۲۴۳.

۲. منتقم حقیقی، ص ۴۲۸.

۳. شهاب شریعت، ص ۲۹۲؛ قبسات، ص ۱۱۰.



قسم می دهد که نزدیک تر نشود.^(۱)

۲۲ - سید جلیل القدری به عشق دیدار مولا، از مشهد مقدس به عتبات عالیات می رود. حدود یک سال، در کربلا اقامت می کند. چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله می رود. در شب چهارم، در حجره حاج شیخ محمد جواد سهلاوی به آرزوی خود می رسد و جان جانان را دیدار می کند.

مرحوم حاج شیخ محمود عتیق (مشهور به حاج ملا آقا جان) نیز در آن محفل نورانی، حضور داشته است، ولی به جهت عصبانی شدن و تندی کردن به یک طلبه، که خیال می کرده، حضور او، مانع فیض است، از این سعادت محروم می شود.^(۲)

۲۳ - حاج شیخ محمود گُمَلَه‌ای^(۳) در ایام اقامتش در نجف اشرف، چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در این مدت، تلاش زیاد کرده که معصیت نکند و ضمناً از غذاهای حیوانی نیز اجتناب کرد. در شب چهارشنبه ۳۴ یا ۳۵ به محضر مقدس مولا می رسد. مولا، سفره‌ای پهن، و از او نیز برای صرف غذا دعوت می کند. او، عذر می خواهد و می گوید: «من، در شرایطی هستم که

۱. مه‌رتابان، ص ۱۴۷؛ دیدار یار، ج ۳، ص ۳۴۲؛ شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. پرواز روح، ص ۶۲؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. گُمَلَه، نام محلی در نواحی لنگرود، در استان گیلان است.



غذای حیوانی نمی خورم». مولا می فرماید: «آن چه شنیدی، معنایش این است که مثل حیوان نخور، نه آن که غذای حیوانی نخور»^(۱).

۲۴ - حاج صادق کربلایی، چند شب چهارشنبه، برای حاجتی، با پای پیاده، از کربلا به مسجد سهله مشرف می شود. در یکی از شب ها، در مسیر مسجد سهله، به محضر مولا شرفیاب می شود. در بامداد همان روز، حاجت اش نیز روا گشته است.^(۲)

۲۵ - عالم دل سوخته ای، چهل شب چهارشنبه، به قصد دیدار یار، به مسجد سهله مشرف می شود، ولی به مقصود نمی رسد. سرانجام، او را به مغازه پیرمرد قفل سازی در بازار آهنگران رهنمون می شوند. رخت سفر بسته به آن شهر سفر می کند. مغازه پیرمرد را پیدا می کند. رفتار صادقانه و منصفانه ای از او مشاهده می کند. از دو لب جان جانان، این جمله را استماع می کند که فرمود: «این گونه باشید، ما به سراغ شما می آییم»^(۳).

۲۶ - از مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد علی اردوبادی (متوفای ۱۵ صفر ۱۳۸۰ هـ) نقل شده که یک تاجر تبریزی به نام حاج محمد جعفر اصفهانی، دچار تنگ دستی می شود. به عتبات می رود و در

۱. سیمای آفتاب، ص ۳۲۷؛ ره توشه مهدی یاوران، ص ۱۶۰.

۲. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۲۶۹.

۳. سرمایه سخن، ج ۱، ص ۶۱۱؛ ره توشه مهدی یاوران، ص ۱۶۴.



نجف اشرف رحل اقامت می افکند. چهل شب چهارشنبه، به عشق دیدار مولا به مسجد سهله می رود، پس از چهارشنبه چهلیم، به سوی سامرا حرکت می کند. دچار گرسنگی می شود. در مسیر سامرا، به محضر مقدس مولا شرفیاب می شود. در وسط بیابان، نان گرم و تازه از دست مولا تناول می کند، آن گاه پیامی دریافت می کند که در سامرا به خدمت میرزای شیرازی برساند و مأمور می شود که به این تعبیر بگوید: «کسی که در شب نیمه شعبان، به تو انگشتی داد، این پیام را به شما ابلاغ فرمود».

پس از ابلاغ پیام، به شدت مورد عنایت مرحوم میرزا قرار می گیرد.^(۱)

۲۷- مرحوم آیه الله حاج سید محمد علی موحد ابطحی (متوفای ۱۳ رجب ۱۴۲۳ هـ.) بدون واسطه، از مرحوم آیه الله حاج سید ابوالقاسم خویی، قدس سره، نقل کردند که به مدت چهل شب چهارشنبه، از نجف اشرف به مسجد سهله مشرف شده است. در شب چهلیم، مورد عنایت قرار گرفته است.

۲۸- آیه الله حاج شیخ محمد غروی، در ایام اقامتش در نجف اشرف، در مسجد سهله، در مقام حضرت الیاس، به مدت دوازده

۱. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۷۷، توجّهات ولی عصر به علما و مراجع، ص



روز، مشغول تهجد و تضرع و استغاثه می شود. شبی، مورد عنایت قرار می گیرد. در اطاق در بسته، احساس می کند که آفتاب بالای سرش قرار گرفته است! به شدت عرق می کند. قطرات اشکش با عرق سر و صورت، آمیخته، به سوی سینه اش سرازیر می شود. مدتی در این حال بوده تا به تدریج به حال طبیعی بر می گردد.

۲۹- در همان ایام، مکاشفه ای در مسجد سهله برای ایشان رخ می دهد. شخصی، در کسوت قندهاری برای او مجسم می شود. به سویش می آید. با ایشان معانقه می کند. در آن حال می بیند که روی سینه آن شخص با خط بسیار زیبایی از نور نوشته شده: «مأمور صاحب الزمان».^(۱)

۳۰- حجة الاسلام شریفی، مقیم کویته پاکستان را در محفلی دیدم. از مسجد سهله سخن رفت. فرمودند، در ایام اقامتم در نجف اشرف، به مسجد سهله مشرف می شدم. در آن جا، سیدی را از اهل بحرین دیدم که به محضر مولا شرفیاب شده بود. از داستانش جويا شدم. فرمود:

یک سال تمام، در بحرین، به قصد دیدار مولا، هر شب، دعای توسل خواندم. سپس به زیارت عتبات عالیات

۱. آیه الله غروی، از حسنات دهر و شخصیت های برجسته عصر است. او، در نقل مطالب، بسیار احتیاط می کند. نظر به این که این دو مورد، متضمن رؤیت نبود، در اثر تقاضای نگارنده نقل فرمودند.



مشرف شدم. به هنگام ورود به مسجد سهله، در قسمت شمالی آن، به آرزوی خود رسیدم.

۳۱- یکی از مراجع بزرگواری که در تاریخ دوم شوال ۱۴۲۲ هـ. وفات کرد، چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در شب چهارم، به دیدار حجت خدا نایل شد و از زبان دُرربارش این فرمان را استماع کرد که فرمود: «اكتب؛ بنویس».

متوجه می شود که الآن، وظیفه اش، نوشتن است. درس و بحث را تعطیل می کند، به تألیف و تحقیق روی می آورد و آثار ارزشمند فراوانی را از خود به یادگار می نهد.^(۱)

۳۲- آیه الله حاج سید محمد مفتی الشیعه فرمود، در ایام اقامت ما در نجف اشرف، یکی از وعظ تهران به نام حاج سید عبدالله کزوبی، با پسرش سید احمد، به عتبات مشرف شدند. چون با پسر عموی ما، آقای مرتضوی همسفر بود، در نجف، به منزل ما وارد شدند. تصادفاً، در آن جا به شدت مریض شدند. شب چهارشنبه ای، در معیت ایشان، به مسجد سهله رفتیم. اظهار کردند که محل خلوتی می خواهند. به مقام امام زین العابدین علیه السلام رهنمون شدند. مدتی در آن جا به تضرع و استغاثه پرداختند. مورد عنایت قرار گرفتند و کاملاً خوب شدند.

پس از مراجعت به ایران، به من نامه نوشتند که ما، در آن شب، الحمدلله، به حاجت خود رسیدیم.

۳۳- ایشان، اضافه کردند که ما، در ایّام اقامت خود در نجف اشرف، هر وقت با مشکلی مواجه می شدیم، به مسجد سهله پناه می بردیم و هرگز دست خالی بر نمی گشتیم.

۳۴- آیه الله حاج شیخ رضا توحیدی، از فقهای برجسته و علمای شایسته مقیم تبریز^(۱) فرمودند، در مدرسه ما، شخص فاضلی به نام شیخ محمد یا شیخ محمدرضا بود. او، اهل خوراسکان بود. همواره، مشغول بود و تا از مطالعه فارغ می شد، به نماز می پرداخت. او، هر شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف می شد. هنگامی که بر می گشت، حال بسیار خوشی داشت. روزی از او پرسیدم: «چه شده؟». گفت: «یدرك ولا یوصف».

۳۵- ایشان، از یکی از سادات معروف تبریز نام بردند که به هنگام تشرّف به عتبات، به من گفت: «مرا همراه خود به مسجد سهله ببر و مقداری از فضائل و اعمال آن را برایم بازگو کن».

در معیت ایشان، به مسجد سهله رفتیم. من، به جهت درس و بحث، ناگزیر بودم به نجف برگردم. او، شب را در مسجد بیتوته

۱. شرح حال ایشان، به طور فشرده، در کتاب نامداران تاریخ، ج ۲، ص ۳۰۷، آمده است.



کرد. وقتی به نجف آمد. مشخص بود که مورد عنایت واقع شده است. استقرار نداشت. میخواست پرواز کند. به پشت بام میرفت و با مولایش راز دل می گفت.

۳۶- آیه الله غروی، از مرحوم حاج شیخ محمدجواد سهلاوی که در مجاورت مسجد سهله اقامت داشت، نقل کردند که گفت:

روزی، چیزی برای خوردن نداشتیم. به حضرت عرض کردم که «من، هیچ ولی برای بچه ها چه کنم؟». به دلام گذشت که به مقام ابراهیم علیه السلام بروم. چون به آن جا رسیدم، دیدم ظرف بزرگی پر از غذا آن جا است و هنوز بخار از آن متصاعد است. متوجه شدم که از عنایت مولا است.

آیه الله غروی فرمود، در ایّام اقامت دوازده روزه ام در مسجد سهله، روزی، مرحوم سهلاوی، در مقام امام زین العابدین علیه السلام به من گفت:

یک وقت، این جا را حفر کردند، به تخته سنگ سبز رنگ بسیار بزرگی رسیدند. روی آن سنگ، تصویرهایی نقش بسته بود. جنازه هایی مشاهده شد که قامتی بسیار رسا داشتند و مشخص بود که به تاریخ قبل از اسلام مربوط بودند.^(۱)

۱. ما، شرح این ماجرا را در اجساد جاویدان، ص ۴۲، به نقل از یکی از فضلاء نجف

۳۷- شیخ محمد کوفی شوشتری، مقیم شریعه کوفه، از خوش‌بخت‌ترین انسان‌های عصر در رابطه با حضرت بقیه‌الله، ارواحنا فدا، بود. او، مکرّر، به محضر جان‌جانان شرفیاب شد. تشرّفاتش مورد قبول بزرگان نجف اشرف بود.

یکی از تشرّفاتش به این صورت بود که روزی، بعد از نماز، مشغول تسبیح بوده. صدایی می‌شنود که:

«ای شیخ محمد! اگر می‌خواهی حضرت حجّت را ببینی،
به سوی مسجد سهله بشتاب».^(۱)

به سرعت، به سوی مسجد سهله حرکت می‌کند. در مسجد را بسته می‌بیند و مولا را مشاهده می‌کند که از طرف مسجد زید، به سوی سهله در حرکت است.

در گوشه‌ای می‌ایستد و تماشا می‌کند که آیا مولا در می‌زند یا در مسجد خود به خود باز می‌شود.

هنگامی که مولا به در مسجد می‌رسد، در، به روی او باز می‌شود.^(۲)

اشرف آورده‌ایم.

۱. آیه‌الله توحیدی فرمودند: متن ندا به این تعبیر بود: «إذا ترید تشوف الحجّة، تعال بالسّهلة».

۲. العبقري الحسان، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳۸- آیه الله توحیدی - که از نزدیک ترین خواصّ شیخ محمّد کوفی بود - فرمود، روزی دیدم که مرحوم کوفی، خیلی متأثر است. از سببش جو یا شدم. گفت: «یک فرد افغانی، آقا را دید، ولی من ندیدم».

۳۹- شیخ محمّد کوفی، داستان لطیفی دارد که در مسجد کوفه برایش اتفاق افتاده است. در آن داستان، یکی از خادمان حضرت، برای آن حضرت، آب می آورد. حضرت مقداری میل می فرماید و بقیّه را به ایشان تعارف می کند. ایشان می گوید: «من تشنه نیستم». بعد از لحظاتی، از دیدگانش غایب می شود.^(۱)

هنگامی که آن خادم، آب را می برد، آقای کوفی مشاهده می کند که از انگشتانش شهد جاری است.

آیه الله توحیدی فرمود، روزی، در خدمت مرحوم کوفی، در مسجد سهله بودیم. کوزه و کاسه ای از آب پر کردیم، در کنار خود گذاشتیم.

مرحوم کوفی، داستان تشرّفش را برای من شرح می داد. چون قسمت اخیر را می گفت، کاسه را برداشت و به من نشان داد و گفت: «همین طور که کاسه را آن خادم می برد، از دستش شهد جاری بود».

آیه الله توحیدی فرمود، هنگامی که مرحوم کوفی، آن صحنه را



ترسیم می کرد، من دیدم که از انگشتان مرحوم کوفی نیز شهد سرازیر است!

۴۰ - مرحوم حاج شیخ محمد کوفی، روزی، از مسجد کوفه به سوی مسجد سهله در حرکت بود. یک مرتبه متوجه می شود که خورشید جهان تاب نیز در کنار او در حرکت است. (۱)
حضرت بقیه الله، ارواحنا فداه، به او امر می فرماید که به خدمت مرحوم آیه الله اصفهانی برود و از سوی حضرت به او، این پیغام را دهد:

ارخص نفسك، واجعل مجلسك في الدهليز، واقض حوائج الناس! نحن ننصرک؛ (۲)

خودت را برای مردم ارزان کن، محل نشستن خود را در دهلیز خانه قرار بده، نیازهای مردم را برآور! ما، یاریت می کنیم.

بی گمان، این پیغام، به صورت شفاهی بوده، ولی آیه الله اصفهانی، از مرحوم کوفی خواسته بودند که آن را بنویسد و به صورت کتبی به او تقدیم کند. پس آن چه در برخی از منابع، به

۱. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲. کلمة الإمام المهدی، ج ۱، ص ۵۶۴؛ آثار الحجّة، ج ۱، ص ۱۲۴؛ گنجینه دانشمندان،

ج ۱، ص ۲۲۲؛ عنایات حضرت مهدی موعود به علما و مراجع تقلید، ص ۱۱۰.



عنوان «توقیع» نقل شده، سهو القلم است.

مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری (متوفای ۲۴ جمادی الثانیه ۱۴۰۶ هـ.) از یکی از مراجع بزرگ تقلید نقل می کند که از مرحوم آیه الله اصفهانی پرسیده بود: «آیا شما مطمئن هستید که وجود مقدس حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، در مورد این دست و دل بازی شما در صرف سهم مقدس امام علیه السلام رضایت دارند؟». مرحوم آیه الله اصفهانی، به این پیغام استناد کرده بود.^(۱) روی این بیان، همه مراجع تقلید، صدور این پیام را به افتخار مرحوم آیه الله اصفهانی، تلقی به قبول کرده بودند.^(۲) آیه الله توحیدی فرمودند، برای یکی دیگر از مراجع بزرگوار پیغام آورده بود که:

«به منبرت پرداز! عنایات ما به تو می رسد».

و به یکی از فقهای برجسته، چنین پیغام آورده بود:

«نماز حضرت ولی عصر علیه السلام را ادامه بده!».^(۳)

۱. سر دلبران، ص ۲۷۳.

۲. با توجه به این که این پیغام، چند روزی پس از شهادت سید محمد حسن، فرزند

دل بند آیه الله اصفهانی، صادر شده، تاریخ صدور آن ۱۳۴۹ هـ. خواهد بود.

۳. کیفیت نماز امام عصر علیه السلام در مفاتیح آمده است.

در مورد یکی از علما که نامش را فاش نکرده بود، از محضر حضرت شنیده بود که:

«فلانی، بسیار خوب است، جز این که گاهی به ذهنش می‌رسد که من نیز کسی هستم. [یعنی حالت عجب بر او عارض می‌شود].»

آیه‌الله توحیدی فرمود، مرحوم کوفی، به هنگام تشرّف به مسجد سهله، به اذن دخول و دیگر دعاهاى رائج خیلی پا بند نبود، بلکه در هر مقامی هر دعایی بر زبانش جاری می‌شد، همان را می‌خواند و می‌گفت: «همه این‌ها درست است، ولی خلوص چیز دیگری است.»

نگارنده گوید، روزی از محضر مرحوم آیه‌الله آقای میرزا کاظم تبریزی (متوفای ۱۸ رجب ۱۴۱۶ هـ.) در مورد مرحوم کوفی پرسیدم، فرمود: «ما، روزی، از نجف اشرف عازم مسجد سهله بودیم. ماشین ایستاده بود. منتظر بودیم که پر شود. مرحوم کوفی را با یکی دیگر از علما دیدم که با پای پیاده عازم مسجد سهله بود. یکی از رفقا، به ایشان پیشنهاد کرد که سوار ماشین شود. فرمود: «ما قدم زنان می‌رویم». وقتی به مسجد سهله رسیدیم، دیدیم آنان پیش از ما رسیده‌اند و قسمت اعظم اعمال مسجد را نیز انجام داده‌اند!»

مرحوم آیه‌الله تبریزی، با آن سخت باوری، مطمئن بود که ایشان

با طیّ الأرض رفته بودند. (۱)

چند نکته درباره مسجد سهله

۱- امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم علیه السلام وارد کوفه شود، فرمان می دهد که چهار مسجد آن را خراب کنند تا به پایه های نخستین برسد». (۲)

منظور از مساجد چهارگانه، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد زید و مسجد صعصعه است. (۳)

۲- امام صادق علیه السلام در مورد پایه های اوّلیه مسجد سهله می فرماید:

حدّ مسجد السّهلة الرّوحا؛ (۴)
حدّ مسجد سهله، «روحاً» است.

مرحوم کلینی، این حدیث را به این تعبیر نقل کرده:

۱. سینای معرفت، ص ۱۲۹.
۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.
۳. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۶.
۴. کامل الزیارات، ص ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶.



روی أَنَّ مسجد السهلة حدّه إلى الروحا؛^(۱)

روایت شده که حدّ مسجد سهله تا روحا است.

علامه مجلسی فرموده: «اکنون «رَوْحَا» جای شناخته شده‌ای نیست، ولی مفهوم حدیث آن است که حدود مسجد سهله بیش از محدوده فعلی است».^(۲)

یاقوت می‌نویسد: «رَوْحَا، یکی از روستاهای رحبه است».^(۳)
و در جای دیگر می‌نویسد: «رَحْبَه، یکی از محلات کوفه است».^(۴)

روی این بیان، مسجد سهله، در عصر ظهور، بسیار وسیع‌تر از وضع فعلی آن خواهد بود.

۳- اعمال مسجد سهله، بسیار فراوان است. مقداری از آن‌ها از امام صادق علیه السلام و مقداری دیگر از حضرت خضر علیه السلام روایت شده است.^(۵)

۴- مهم‌ترین عمل مسجد سهله، دو رکعت نماز تحیت مسجد

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۷.

۲. مرآت العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۱.

۳. معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۶.

۴. همان، ص ۲۳.

۵. المزار الکبیر، ص ۱۳۸ - ۱۴۰.



است که امر شده میان نماز مغرب و عشاء خوانده شود.^(۱) شیخ طوسی، به استحباب آن فتوا داده است.^(۲)

۵- در مورد شب چهارشنبه، سندی از معصوم علیه السلام به دست ما نرسیده است،^(۳) جز این که سید ابن طاووس فرموده:

اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشاء قرار بده، در شب چهارشنبه، و آن، افضل از دیگر وقت‌ها است.^(۴)

سید ابن طاووس، برای فرمایش خود، سندی نقل نکرده، ولی هرگز احتمال این معنا نمی‌رود که بدون سند آن را گفته باشد. لذا احتمال این معنا هست که سندی در دست او بوده که به دست ما نرسیده است.

۶- محدّث نوری فرموده: «امّا مستند چهل شب، همان عموماً است».^(۵)

منظور از عموماً، روایاتی هستند که حکایت از قداست عدد

۱. روایت دوازدهم.

۲. مصباح المتعبد، ص ۷۴۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵.

۴. مصباح الزائر، ص ۱۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۵.

۵. نجم ثاقب، ص ۸۴۵.



چهل می کنند. (۱)

۱. چهل نمونه از این احادیث را در مقدمه کتاب «چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا» آوردیم و چهل منبع برای حدیث «مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا...» ذکر کردیم. [ص ۵-۱۶].

مسجد کوفه

اشاره:

مسجد اعظم کوفه، یکی از کهن ترین اماکن زیارتی منتسب به حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه)، مرکز قضاوت، محل نصب منبر، محل تأسیس کلاس های آموزش قرآن و محل اقامه نماز جمعه و جماعت آن حضرت در عهد ظهور است.

مسجد کوفه در اصل بسیار گسترده بود. مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هنگام ظهور آن را منهدم می کند و به پایه های نخستین بر می گرداند و سه مسجد دیگر در کنار آن بنیاد می نهد.

سیمای مسجد کوفه از منظر، آیات، روایات، حوادث تاریخی و تشریف نیک بختان به محضر آن کعبه مقصود، در این نوشتار در حد توان ترسیم گشته است.

مرکز دادرسی آن امام نور در هنگامه ظهور

روزگاری مسجد اعظم کوفه مرکز داورى و دادرسی مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام بود به هنگام ظهور نیز مرکز داورى و دادرسی فرزند برومندش حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

۱. ششمین امام نور در این رابطه می فرماید:

دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا؛^(۱)

مرکز حکومت او، کوفه، و مرکز قضاوت و دادرسی او مسجد اعظم کوفه است.

پایگاه تبلیغاتی امام زمان (ارواحنا فداه)

روزگاری شیفتگان خاندان عصمت و طهارت در مسجد اعظم کوفه، پیرامون منبر امیر بیان، مولای متقیان علیه السلام گرد می آمدند و از بیانات درّ بارش کسب نور می کردند.^(۲) در هنگامه ظهور نیز در پیرامون منبر آخرین امام نور گرد می آیند و از سخنان گهر بارش فیض می برند.

۲. امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. سید رضی (متوفای ۴۰۶ ه. ق) گزیده‌ای از خطبه‌های امیر مومنان علیه السلام بر فراز منبر مسجد کوفه را در کتاب بی نظیر «نهج البلاغه» گرد آورده است.

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ
أَصْحَابُهُ، ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ،
وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ، وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى
خَلْقِهِ؛ (۱)

گویی به سوی قائم علیه السلام می‌نگرم که بر فراز منبر مسجد
کوفه قرار گرفته، تعداد ۳۱۳ تن یارانش در اطراف او
حلقه زده‌اند. که پرچم داران و فرمان‌روایان خداوند
بر فراز گیتی در میان بندگان خدایند.

۳. امام باقر علیه السلام در همین رابطه می‌فرماید:

يَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ)
الْكُوفَةَ وَ بِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ، فَيَصْطَفُوا لَهُ
وَ يَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَنبَرَ، فَيَخْطُبُ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ
مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ؛ (۲)

مهدی علیه السلام وارد کوفه می‌شود سه گروه درگیر در یک صف
برای او گرد آیند، او بر فراز منبر می‌رود، خطبه می‌خواند
و مردم آن قدر اشک شوق می‌ریزند که متوجه سخنان او
نمی‌شوند.

۴. ابان بن تغلب گوید: در محضر امام صادق علیه السلام در ناحیه کوفه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶؛ تاریخ الکوفه، ص ۱۰۰.

۲. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۳.



بودم. در سه نقطه پیاده شدند و در هر نقطه دو رکعت نماز گزاردند، در توضیح آن سه نقطه فرمودند: یکی از آنها محل قبر امیر مؤمنان علیه السلام و دیگری محل نهادن سر مقدس امام حسین علیه السلام بود، اما سومی:

و الثَّالِثُ مَوْضِعُ مَنْبَرِ الْقَائِمِ علیه السلام؛ (۱)

سومی محل منبر حضرت قائم علیه السلام بود.

ستاد اقامه جمعه و جماعت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی

فرجه الشریف)

روزگاری مسجد کوفه محل برگزاری جمعه و جماعت میر هدایت، شاه ولایت، حضرت علی علیه السلام بود، روزگاری بس دراز نیز محل اقامه جمعه و جماعت آخرین سفیر الهی خواهد بود. ۵. امیر مؤمنان علیه السلام در یک خطبه طولانی، ویژگیهای مسجد کوفه را اینگونه بیان می فرمایند:

«ای اهل کوفه، خداوند به شما نعمت هایی عطا فرموده که به هیچ کس عطا نکرده است. از برتری محل برگزاری نماز شما این است که اینجا خانه آدم، خانه نوح، خانه ادریس، عبادتگاه حضرت ابراهیم خلیل و عبادتگاه برادرم حضرت خضر علیه السلام بود و امروزه محل عبادت و



مناجات من است.»

سپس در ادامه فرمود:

وَلَيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلَّى الْمَهْدِيِّ عليه السلام مِنْ
وُلْدِي وَمُصَلَّى كُلِّ مُؤْمِنٍ. وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ
مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ، أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ؛^(۱)

برای مسجد کوفه زمانی فرا می‌رسد که محل برگزاری
نماز حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از
تبار من و محل عبادت هر مؤمن می‌شود. هیچ مؤمنی در
روی زمین نمی‌ماند، جز این که به این مسجد بیاید، یا
قلبش برای این مسجد پَر بزند.

۶. امیرمؤمنان عليه السلام گشت و گزاری در سرزمین فعلی نجف
کردند، از توسعه روز افزون کوفه صحبت کردند و فرمودند:

در سرزمین حیره^(۲) مسجدی با پانصد در ساخته می‌شود
که نماینده حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
در آن نماز می‌گذارد، زیرا مسجد کوفه برای آنها
گنجایش نخواهد داشت.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۹؛ روضة الواعظین،

ج ۲، ص ۳۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷.

۲. شهری بود در سرزمین فعلی نجف، به فاصله سه میل از کوفه (معجم البلدان، ج ۲،

ص ۳۲۸).

و در آن دوازده امام عادل، امامت می‌کند.

راوی پرسید: آیا مسجد کوفه گنجایش آن همه جمعیت را خواهد داشت؟
فرمود:

تُبْنِي لَهُ أَرْبَعُ مَسَاجِدَ، مَسْجِدُ الْكُوفَةِ أَصْغَرُهَا وَ هَذَا وَ
مَسْجِدَانِ فِي طَرَفِي الْكُوفَةِ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ؛^(۱)

برای آن حضرت چهار مسجد ساخته می‌شود که مسجد کوفه کوچک‌ترین آنها خواهد بود، و این مسجد (مسجد حیره با پانصد در) و دو مسجد در دو طرف کوفه، از این سمت. (با دست مبارک اشاره فرمودند به سوی بصره و نجف).

۷. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا
لَهُ أَلْفُ بَابٍ، وَ اتَّصَلَتْ بِيُوتِ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِي
كَرْبَلَا؛^(۲)

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴؛ تاریخ الکوفه، ص ۹۹.

۲. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۷۶.

هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، در پشت کوفه
مسجدی تأسیس می‌کند که هزار در دارد، و خانه‌های
کوفه به دور و کر بلا متصل می‌شود.

توسعه مسجد اعظم کوفه

نخستین بنیانگذار مسجد کوفه حضرت آدم علیه السلام می‌باشد و در
گذشته خیلی وسیع‌تر از ساختمان فعلی آن بوده است.
۸. امیر مؤمنان علیه السلام در مقابل درب مسجد می‌ایستاد، تیری در چله
کمان نهاده، پرتاب می‌کرد، تیر در میان خرما فروش‌ها می‌افتاد،
می‌فرمود: تا آنجا جزو مسجد بوده است و می‌فرمود:

قَدْ نَقَصَ مِنْ اَسَاسِ الْمَسْجِدِ مِثْلُ مَا نَقَصَ فِي
تَرْبِيعِهِ؛^(۱)

از اساس مسجد به مقداری که از مربع شدن آن کاسته، کم
شده است.^(۲)

۹. حذیفه بن یمان گوید:

به مقدار دوازده هزار ذراع از مساحت آن کم شده

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۸.

۲. منظور این است که مسجد کوفه به صورت مربع بوده، به قدری از آن کم شده که اکنون
به صورت مستطیل در آمده است.

است. (۱)

۱۰. مفضل گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، هنگامی که در آخر بازار سراج‌ها، به طاق زیاتین رسیدیم، از اسب پیاده شد و به من فرمود:

إِنزِلْ، فَإِنَّ هَذَا الْمَوْضِعَ كَانَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ الْأَوَّلِ الَّذِي
خَطَّهُ آدَمُ عليه السلام وَ أَنَا أَكْرَهُ أَنْ أَدْخُلَهُ رَاكِباً؛ (۲)

پیاده شو، زیرا اینجا جزو مسجد کوفه نخستین است که حضرت آدم علیه السلام آن را طرح ریزی کرده بود، من دوست ندارم که سواره وارد شوم.

پرسیدم: چه کسی آن را تغییر داد؟

فرمود: نخستین دگرگونی آن در هنگامه طوفان رخ داد، سپس کسان کسری، (۳) بعداً نعمان (۴) و بعدها زیاد (ابن ابیه) آن را تغییر دادند.

۱. المزار الکبیر، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۶.

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۳۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۵؛ الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۸؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۴؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۵؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۰؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۱؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۱۳۰.

۳. کسری به سلاطین ایران گفته می‌شد.

۴. منظور از نعمان، «نعمان بن منذر» است. (مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۲۹۶).

۱۱. سابق بربری گوید: دیدم که امیر مؤمنان علیه السلام مسجد کوفه را
و جب به وجب تا طاق زیات ها بنیاد نهاد. ^(۱) و این دقیقا منطبق
می شود با آخر بازار سراج ها که در حدیث پیشین از امام صادق علیه السلام
نقل کردیم.

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِن الْقَائِمَ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ) إِذَا أَقَامَ رَدَّ
الْبَيْتَ الْحَرَامَ إِلَى أَسَاسِهِ، وَ رَدَّ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
إِلَى أَسَاسِهِ، وَ رَدَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ إِلَى أَسَاسِهِ؛ ^(۲)

۱۳. امام باقر علیه السلام در فرازی از یک حدیث طولانی می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ) دَخَلَ
الْكُوفَةَ وَ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ حَتَّى يَبْلُغَ
أَسَاسَهَا؛ ^(۳)

هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند،
وارد کوفه می شود و فرمان می دهد که چهار مسجد را
ویران کنند تا به پایه های نخستین برگردد.

۱. بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۳۵۲.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۵۲.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۵؛ منتخب الانوار المزیته، ص ۱۹۴؛ اثبات الهداة، ج ۳،
ص ۵۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ ج ۸۳، ص ۳۵۳؛ ج ۱۰۴، ص ۳۳۲.



۱۴. امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه خطاب به مسجد کوفه فرمود:

وای بر کسی که تو را ویران کند، وای بر کسی که مقدمات ویرانی تو را فراهم سازد، وای بر کسی که تو را با آجر بسازد و قبله حضرت نوح را تغییر دهد.

و در پایان فرمود:

طُوبَى لِمَنْ شَهِدَ هَدْمَكَ مَعَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي، أُولَئِكَ خِيَارُ الْأُمَّةِ مَعَ أَبْرَارِ الْعِثْرَةِ؛^(۱)

خوشا به حال کسی که ویران کردن تو را در حضور قائم اهل بیت من درک کند. آنان برگزیدگان امت در محضر نیکان عترت هستند.

در این حدیث شریف، از دگرگون شدن قبله حضرت نوح علیه السلام گفت و گو شده است، در این رابطه علامه مجلسی رحمته الله تحقیق بسیار ارزشمندی دارند، علاقه مندان به دائرة المعارف بزرگ بحار مراجعه فرمایند.^(۲)

۱۵. امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث دیگری در این رابطه می فرماید:

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۳، اثبات الهداة، ج ۳ ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۱-۴۳۴.



أَمَّا إِنْ قَائِمْنَا إِذَا قَامَ كَسْرُهُ وَ سَوَى قِبَلَتَهُ؛^(۱)

چون قائم ما (عجل الله تعالى فرجه الشريف) قیام کند،
مسجد کوفه را در هم می‌کوبد و قبله آن را اصلاح
می‌فرماید.

کلاس‌های قرآن در مسجد کوفه

در احادیث فراوانی از تأسیس پایگاه‌های آموزش قرآن در
مسجد کوفه بحث شده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:
۱۶. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ ضَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام الْفَسَاطِيطَ فِي
مَسْجِدِ كُوفَانَ، ثُمَّ يُخْرِجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالَ الْمُسْتَأَنَفَ، أَمْرٌ
جَدِيدٌ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ؛^(۲)

چگونه خواهید بود، هنگامی که اصحاب قائم علیه السلام در
مسجد کوفه خیمه زده، (قرآن را) به شیوه جدید عرضه
می‌دارند، شیوه‌ای تازه که (آموزش و یا پذیرش آن) بر
عرب دشوار است.

منظور از شیوه جدید آموزش قرآن به ترتیب نزول آیات است،
چنان که در احادیث دیگر به آن اشاره شده:

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴؛ ج ۹۲، ص ۵۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۱۷. امیر مؤمنان علیه السلام در این رابطه می فرماید:

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قَدْ ضَرَبُوا
الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛^(۱)

گویی شیعیان خود را می بینیم که در مسجد کوفه خیمه
زده، به مردم قرآن را آن گونه که نازل شده آموزش
می دهند.

۱۸. و در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود:

كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِيطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ
النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛^(۲)

گویی ایرانیان را با چشم خود می بینم که در مسجد کوفه
خیمه زده قرآن را آن گونه که نازل شده، به مردمان
آموزش می دهند. [یعنی به ترتیب نزول آیات].

از نشانه های ظهور در مسجد کوفه

در منابع فراوانی فرو ریختن دیوار مسجد اعظم کوفه را در
شمار نشانه های ظهور آخرین امام نور بر شمرده اند،^(۳) که در برخی

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۸، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲. همان.

۳. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۵، بحار الانوار، ج ۵۲،
ص ۲۲۰.

از احادیث به صورت شفاف بیان شده است:

۱۹. امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

اِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مِمَّا يَلَى دَارَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَسْعُودٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالَ مُلْكِ الْقَوْمِ وَ عِنْدَ زَوَالِهِ
خُرُوجُ الْقَائِمِ (عجل الله تعالى فرجه الشريف)؛^(۱)

هنگامی که دیوار مسجد کوفه از سمت خانه عبدالله بن
مسعود فرو بریزد، سیطره قوم از بین می رود و هنگامه
ظهور قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرامی رسد.

علامه مجلسی از صاحب «العدد القویّه» نقل کرده که دیوار
مسجد کوفه فرو ریخت و این نشانه به وقوع پیوست،^(۲) صاحب
تاریخ کوفه نیز می گوید: قسمتی از دیوار مسجد کوفه از سمت خانه
مختار فرو ریخت و یوسف بن عمر آن را ساخت.^(۳)
یکی دیگر از نشانه های ظهور کشتار دسته جمعی در نزد مسجد

۱. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۵؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶۰؛ الخرائج و الجرائح،
ج ۳، ص ۱۱۶۳؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ عقد الدرر، ص ۵۱، البرهان
- متقی هندی - ص ۱۱۵.

نیز ر. ک: غیبت نعمانی، ص ۲۷۷، غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۶؛ بشاره الاسلام،
ص ۱۱۶، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۲. العدد القویّه، ص ۷۷، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۳. تاریخ الکوفه، ص ۱۷۸.



کوفه است:

۲۰. امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

إِنْ لُوْلِدَ فُلَانٌ عِنْدَ مَسْجِدِ كُمْ - يَعْنِي مَسْجِدَ الْكُوفَةِ -
لَوْقَعَةً فِي يَوْمٍ عَرُوبَةٍ، يُقْتَلُ فِيهَا أَرْبَعَةُ آلَافٍ مِنْ بَابِ
الْفِيلِ إِلَى أَصْحَابِ الصَّابُونِ فَإِيَّاكُمْ وَ هَذَا الطَّرِيقُ
فَاجْتَنِبُوهُ؛^(۱)

برای فرزندان فلان، در روز جمعه‌ای در نزد مسجد شما
(مسجد کوفه) حادثه‌ای هست که در آن، میان باب فیل
تا اصحاب صابون، چهار هزار نفر کشته می‌شود، از این
مسیر به شدت دوری بجوئید.

مسجد کوفه در عصر رجعت

در احادیث فراوانی از رجعت پیشوایان و فرمانروایی آنان بعد
از حکومت جهانی حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گفت‌وگو شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲۱. امام صادق علیه السلام در یک حدیث طولانی از رجعت

امیرمؤمنان علیه السلام و فرمانروایی آن حضرت به تفصیل سخن گفته، در
پایان می‌فرماید:

۱. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۷، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۱، الصراط المستقیم،

و عِنْدَ ذَلِكَ تَظْهَرُ الْجَنَّتَانِ الْمُدْهَامَتَانِ عِنْدَ مَسْجِدِ
الْكُوفَةِ وَ مَا حَوْلَهُ بِمَا شَاءَ اللَّهُ؛^(۱)

در آن زمان آن دو باغستان سبز و خرم در نزد مسجد کوفه
و در پیرامون آن - آن گونه که خداوند بخواهد - پدیدار
می گردد.

۲۲. امام صادق علیه السلام در فراز دیگری از حدیث یاد شده از نابودی
شیطان و یارانش به دست امیر مؤمنان علیه السلام در واپسین رجعت آن
حضرت سخن گفته است.^(۲)

۲۳. در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام از کشته شدن ابلیس
توسط حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد
کوفه سخن گفته و می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُ فِيهِ قَائِمُنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ
قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ جَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْثُوَ
بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، فَيَقُلُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ.
فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ. فَذَلِكَ الْيَوْمُ هُوَ الْوَقْتُ
الْمَعْلُومُ؛^(۳)

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳؛ تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۴۸۵.

۲. الايقاظ من الهجعه، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲؛ مختصر بصائر
الدرجات، ص ۲۷.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ دلائل الامامه، ص ۴۵۳؛ حلیه الابرار، ج ۲،



خداوند او را تا روز خروج قائم ما علیه السلام مهلت داده است. هنگامی که قائم ما را خداوند ظاهر می کند، در مسجد کوفه خواهد بود، پس ابلیس به حضورش می آید و در مقابلش زانو می زند و می گوید: ای وای بر او از چنین روزی. پس او را با دست قدرت می گیرد و گردنش را می زند. آن روز همان وقت معلوم است.

سیمای مسجد کوفه در آیینه آیات و روایات

آیات فراوانی از قرآن کریم به مسجد کوفه مربوط می شود که به شماری از آنها اشاره می شود:

الف. ﴿وَاصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِنَا﴾^(۱)

خداوند به حضرت نوح علیه السلام وحی فرمود: کشتی را به یاری ما (در حضور ما) و به فرمان ما بساز.

۲۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت نوح علیه السلام نجار بود او نخستین کسی است که کشتی ساخت، او نهصد و پنجاه سال قوم خود را ارشاد و هدایت کرد، آنها همه اش او را مسخره کردند، پس از خدا خواست که احدی از آنها را روی زمین باقی نگذارد. خدا

ص ۶۸۱؛ تأویل الایات الظاهره، ج ۲، ص ۵۰۹؛ تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۴۸۶؛

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶؛ ج ۶۳، ص ۲۵۴.

۱. سوره هود (۱۱)، آیه ۳۷.

به او وحی کرد که کشتی را بسازد.

فَعَمِلَ نُوحٌ سَفِينَتَهُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِسَيِّدِهِ، فَاتَى
بِالْخَشَبِ مِنْ بَعْدِ حَتَّى فَرَعَ مِنْهَا؛^(۱)

حضرت نوح کشتی را با دست خود در مسجد کوفه
ساخت و تخته‌ها را از راه‌های دور آورد تا کار ساختن
کشتی به اتمام رسید.

ب. ﴿ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ ﴾: ^(۲)

تا هنگامی که فرمان ما فرارسید و از تنور آب جوشید.

۲۵. امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن شمارش ویژگی‌های مسجد کوفه

فرمود:

فِيهِ نَجَرَ نُوحٌ سَفِينَتَهُ، وَ فِيهِ فَارَ التَّنُّورُ، وَ بِهِ كَانَ بَيْتُ

نُوحٍ وَ مَسْجِدُهُ، وَ فِي زَاوِيَتِهِ الْيُمْنَى فَارَ التَّنُّورُ؛^(۳)

حضرت نوح کشتی‌اش را در آن جا ساخت، از تنور نیز
همان جا آب جوشید. خانه نوح و محل عبادت او نیز آن
جا بود. در زاویه راست آن آب از تنور جوشید.

۲۶. امام باقر علیه السلام نیز در این رابطه فرمود:

۱. کافی. ج ۸، ص ۲۳۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۶؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۱۳۰.

تفسیر کنز الدقایق، ج ۶، ص ۱۵۷.

۲. سوره هود (۱۱)، آیه ۴۰.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۸.



مَسْجِدُ كَوْفَانَ فِيهِ فَارَ التَّنُورِ، نُجِرَتِ السَّفِينَةُ، وَ هُوَ
سُرَّةُ بَابِلَ وَ مَجْمَعُ الْأَنْبِيَاءِ؛^(۱)

در مسجد کوفه از تنور آب جوشید کشتی آنجا ساخته
شد، آنجا ناف بابل و محل اجتماع پیامبران است.^(۲)

۲۷. امام باقر علیه السلام در حدیث دیگر با تفصیل بیشتری فرمود:

مَسْجِدُ كَوْفَانَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، صَلَّى فِيهِ الْفُ
نَبِيُّ وَ سَبْعُونَ نَبِيًّا، وَ مَيِّمَتُهُ رَحْمَةٌ وَ مَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ،
فِيهِ عَصَا مُوسَى وَ شَجَرَةُ يَاقُوتَينَ وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ، وَ
مِنْهُ فَارَ التَّنُورِ وَ نُجِرَتِ السَّفِينَةُ وَ هِيَ صُرَّةُ^(۳) بَابِلَ وَ
مَجْمَعُ الْأَنْبِيَاءِ؛^(۴)

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۸؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۴۷.

۲. علامه مجلسی فرموده: منظور «محل اجتماع پیامبران» محل اجتماع پیامبران به هنگام رجعت در هنگام ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. (مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۰).

۳. در حدیث پیشین سرّه با سین به معنای ناف و در این حدیث صُرّه با صاد به معنای کیسه، مکان شریف و مرتفع می باشد. اگر به معنای کیسه باشد به این مناسبت است که اشیای قیمتی را در کیسه قرار می دهند (مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۴۹۰).

۴. کافی، ج ۳، ص ۴۹۳، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲، المزار الکبیر، ص ۱۲۵، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۸؛ ج ۱۰۰ ص ۳۸۷؛ مستدرکات وسائل، ج ۳، ص ۴۰۲.

مسجد کوفه باغی از باغهای بهشت است، هزار و هفتاد پیامبر در آن نماز گزارده، سمت راست آن رحمت و سمت چپ آن نیرنگ^(۱) می باشد. عصای حضرت موسی، درخت کدوی (حضرت یونس) و انگشتری حضرت سلیمان در آن است. تنور از آن جا جوشید، کشتی در آن جا ساخته شد. آن جا قلعه شرف بابل و خیمه اجتماع پیامبران است.

۲۸. بر اساس روایات، این تنور همان تنور حضرت آدم علیه السلام بود که بعدها به حضرت نوح علیه السلام منتقل شد و محل فعلی آن در سمت راست کسی است که از باب کنده وارد مسجد می شود.^(۲)

ج. ﴿وَقِيلَ يَا اَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ﴾: ^(۳)

سرانجام گفته شد: ای زمین آب خود را فرو بر.

۲۹. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

هنگامی که کشتی نوح به وسط مسجد کوفه رسید خدا به زمین فرمان داد که آب خودش را فرو ببرد.

۱. ابن ابی الحدید می گوید: تعبیر نیرنگ اشاره به شهادت خویش در این مسجد می باشد. (شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۳۳).

۲. مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۲۹۸.

۳. سوره هود (۱۱)، آیه ۴۴.



فَبَلَّغَتْ مَاءَهَا مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، كَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْهُ؛^(۱)

پس زمین آب خودش را از مسجد کوفه فرو برد، چنان که در آغاز نیز از همان جا شروع شده بود.

د. ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾: ^(۲)

ما عیسی بن مریم و مادرش را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیت و آب جاری بود، جای دادیم.

۳۰. امیر مؤمنان علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

الرَّبْوَةُ: الْكُوفَةُ، وَالْقَرَارُ: الْمَسْجِدُ، وَالْمَعِينُ: الْفُرَاتُ؛^(۳)

منظور از «رَبْوَه» (مکان مرتفع) کوفه، مقصود از «الْقَرَارُ» (محل امن و آسایش) «مسجد کوفه»، و هدف از «معین» (آب روان و خوش گوار) همان «فرات» می باشد.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۳؛ کامل الزیارات، ص ۳۸؛ تفسیر برهان ج ۵، ص ۱۳۴؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۴۹؛ تفسیر کنز الدقایق، ج ۶، ص ۱۷۴؛ بحار الانوار،

ج ۱۱، ص ۲۶۸؛ ج ۸۲، ص ۶۶؛ ج ۱۰۰، ص ۲۵۸.

۲. سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۵۰.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۳۴؛ معانی الاخبار، ص ۳۷۳؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۷۲؛ تفسیر البرهان، ج ۷، ص ۲۴؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۰۱؛ تفسیر کنز

الدقایق، ج ۹، ص ۱۹۱؛ بحار الانوار ج ۱۴، ص ۲۳۹؛ ج ۶۰، ص ۲۰۲.

مسجد کوفه از منظر پیشوایان

در مورد ویژگی‌های مسجد کوفه از دیدگاه آیات قرآن به همین مقدار بسنده کرده، فضایل برجسته آن را از منظر احادیث وارده از پیشوایان معصوم به صورت فشرده در این جامی آوریم و یاد آور می‌شویم که نقل همه احادیث وارده در این صفحات نمی‌گنجد.

۳۱. پیشوای پروا پیشگان، امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ
مَسْجِدُ الرَّسُولِ وَمَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَمَسْجِدُ
الْكُوفَةِ؛ (۱)

چهار قصر از قصرهای بهشتی در دنیا است: (۱) مسجد الحرام، (۲) مسجد النبی، (۳) مسجد اقصی، (۴) مسجد کوفه.

۳۲. در حدیث دیگری به هنگام شمارش قصرهای چهارگانه فرمود:

و مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ هُوَ قُبَّةُ الْإِسْلَامِ؛ (۲)
و مسجد کوفه که آن «قُبَّةُ الْإِسْلَامِ» است.

۱. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار،

ج ۹۹، ص ۲۴۰.

۲. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۹.



تعبیر «قُبَّةُ الاسلام» را رسول اکرم ﷺ در مورد حرم مطهر سالار شهیدان،^(۱) و جناب سلمان در مورد کوفه^(۲) به کار برده بودند.
 ۳۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

مسافر در چهار جا می تواند نمازش را کامل بخواند:
 (۱) مسجد الحرام، (۲) مسجد النبی، (۳) مسجد کوفه، (۴)
 حرم امام حسین (صلوات الله علیه).^(۳)

۳۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

اعتکاف روانیست به جز در مسجدی که امام عادل در آن
 جا نماز جماعت اقامه کرده باشد. در مسجد کوفه، در
 مسجد بصره، در مسجد النبی و مسجد الحرام اعتکاف
 مانع ندارد.^(۴)

۱. کامل الزیارات. ص ۲۶۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۹.

۲. رجال کشی، ص ۲۰، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۶.

۳. کافی، ج ۴، ص ۵۸۶؛ الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۳؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۳۱؛ استبصار،

ج ۲، ص ۳۳۵؛ کامل الزیارات، ص ۲۴۹؛ مصباح المتعجد، ص ۶۷۴؛ فقه الرضا، ص

۱۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۸؛ مستدرک وسائل، ج ۶، ص ۵۴۵؛ بحار الانوار،

ج ۸۹، ص ۷۷؛ ج ۱۰۱، ص ۸۳.

۴. ۵۲. کافی، ج ۴، ص ۱۷۶؛ تهذیب، ج ۴، ص ۲۹۰؛ استبصار، ج ۲، ص ۱۲۶؛

المقنع، ص ۲۰۹؛ المقنعه، ص ۳۶۳؛ فقه الرضا، ص ۱۹۰؛ مصباح المتعجد، ص ۶۳۵؛

المختلف، ص ۲۵۱؛ اقبال الاعمال، ص ۱۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۰؛

مستدرک وسائل، ج ۷، ص ۵۶۲؛ بحار، ج ۹۶، ص ۳۲۴؛ ج ۹۷، ص ۱۲۹؛ ج ۹۸،

ص ۱۵۰.

۳۵. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ:
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَسْجِدِ
الْكُوفَةِ؛ (۱)

بار و بنه سفر بسته نمی شود، جز به سه مسجد: (۱) مسجد
الحرام، (۲) مسجد النبی، (۳) مسجد کوفه.

۳۶. فخر الساجدین، زین العابدین، امام سجاد علیه السلام از مدینه
منوره، صرفاً به قصد نماز گزاردن به مسجد کوفه آمد، چهار رکعت
نماز گزارد، آنگاه بر مرکب خود سوار شده، راهی مدینه گردید. (۲)

۳۷. امام باقر علیه السلام فرمود:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، لَأَعَدُّوا لَهُ الزَّادَ
وَالرَّوْحِلَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ؛ (۳)

اگر مردم فضائل مسجد کوفه را می دانستند از راه های

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ خصال، ج ۱، ص ۱۴۳؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷.
۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴؛ کامل الزیارات، ص ۲۷؛ مزار شیخ مفید، ص ۱۹؛
وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۵؛ مستدرکات وسائل، ج
۳، ص ۲۳.
۳. کامل الزیارات، ص ۲۸؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۰؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۲؛ تهذیب
الاحکام، ج ۶، ص ۳۲؛ وسائل، ج ۵، ص ۲۵۶؛ جامع الاخبار، ص ۶۹؛ بحار الانوار،
ج ۸۳، ص ۳۷۶.



دور زاد و راحله فراهم کرده به سوی آن می شتافتند.

۳۸. امیر مؤمنان علیه السلام در این رابطه فرمود:

و انّ مسجدکم هذا لأحد المساجد الأربعة التي
اختارها الله لأهلها؛^(۱)

این مسجد شما (مسجد کوفه) یکی از چهار مسجدی
است که خداوند آنها را برای اهلشان برگزیده است.

و در آخرین فراز از همین حدیث فرمود:

آن را هرگز فرو نگذارید، با نمازگزاران در آن به خداوند
تقرب بجوید، برای بر آورده شدن نیازهای خود به آنجا
روی بیاورید. اگر مردمان می دانستند که چه برکتی در آن
هست از همه اقطار زمین به سوی آن می شتافتند، اگر چه
با سینه خیز رفتن بر روی برف ها باشد.^(۲)

۳۹. یکی از اصحاب به محضر امیر مؤمنان علیه السلام آمده عرضه

داشت: من زاد و توشه برگرفتم، مرکبی تهیه کردم، کارهایم را
ردیف نمودم، عازم بیت المقدس هستم.

امیر مؤمنان فرمود:

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۹؛ روضة الواعظین، ج ۲،

ص ۳۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷.

۲. همان.

توشه‌ات را بگیر، مرکبت را بفروش، از این مسجد هرگز جدا مشو، که این مسجد یکی از چهار مساجد برگزیده است.

و در فرازی از آن حدیث فرمود:

و يُحْشَرُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعُونَ أَلْفًا لَا عَلَيْهِمْ حِسَابٌ
و لَا عَذَابٌ؛^(۱)

در روز رستاخیز هفتاد هزار نفر از این مسجد برانگیخته می‌شوند که بر آنها حساب و عقابی نیست.

۴۰. امیر مؤمنان علیه السلام در فراز دیگری از این حدیث می‌فرماید:

و فِيهِ ثَلَاثُ أَعْيُنٍ يَزْهَرْنَ... عَيْنٌ مِنْ لَبَنِ، وَ عَيْنٌ مِنْ
دُهْنٍ، وَ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ؛^(۲)

در مسجد کوفه سه چشمه برق می‌زنند... چشمه‌ای از شیر، چشمه‌ای از روغن، و چشمه‌ای از آب.

علامه مجلسی در توضیح این حدیث می‌فرماید: این چشمه‌ها از دیده ما پنهان است تا در زمان حضرت قائم علیه السلام پدیدار شوند.^(۳) آن گاه امیر مؤمنان علیه السلام دست بر سینه نهاده فرمود:

۱. الفارات، ج ۲، ص ۴۱۵.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۳۳؛ الفارات، ج ۲، ص ۴۱۵؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۷.

۳. مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۴۸۷.



مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلِهِ فِي حَاجَةٍ مِنْ الْحَوَائِجِ إِلَّا
أَجَابَهُ اللَّهُ وَفَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ؛ (۱)

هیچ غم زده‌ای در این مسجد حاجتی از حوائج خود را از
خدا مسألت نمی‌کند، جز این که خداوند او را حاجت روا
می‌کند و اندوهش را می‌زداید.

۴۱. امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

هر کس حاجتی دارد آهنگ مسجد کوفه کند، وضوی
پاکیزه سازد، دو رکعت نماز، در هر رکعت سوره‌های:
حمد، فلق، ناس، توحید، حجر، نصر، اعلی و قدر
بخواند، تا از نماز فارغ شود، حاجتش به یاری پروردگار
بر آورده شود. (۲)

۴۲. امام صادق علیه السلام در فرازی از حدیثی فرمود:

نِعَمَ الْمَسْجِدُ الْكُوفَةُ، صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ أَلْفُ
وَصِيٍّ؛ (۳)

مسجد کوفه چه مسجد زیبایی است هزار پیامبر و هزار

۱. کامل الزیارات، ص ۳۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۴؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳۴؛ بحار الانوار،
ج ۹۱، ص ۳۴۶؛ ج ۱۰۰، ص ۳۹۲.

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ جامع الاخبار، ص ۷۰؛ ثواب الاعمال، ص ۳۰؛ الفقیه، ج ۱،
ص ۱۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۷.

وصی پیامبر در آن نماز گزارده‌اند.

۴۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

در شب معراج جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد:
این‌جا نمازگاه پدرت آدم و عبادتگاه پیامبران است، در
اینجا فرود آی و نماز بگذار. پس آن حضرت فرود آمد و
نماز گذارد، آن‌گاه به سوی آسمان معراج نمود. (۱)

۴۴. امام صادق علیه السلام به صراحت فرمودند: مسجد کوفه از مسجد
بیت المقدس (مسجد اقصی) برتر است. (۲)

۴۵. و در همین رابطه فرمود:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مِنْ فَضْلِهِ مَا اعْلَمُوا، لَا زِدَحَمُوا عَلَيْهِ؛ (۳)
اگر مردم از فضیلت مسجد کوفه می‌دانستند آن‌چه را که
من می‌دانم، در آن‌جا ازدحام می‌کردند.

۴۶. جبریل امین در شب معراج به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرضه
داشت:

مَسْجِدٌ مَبَارَكٌ كَثِيرُ الْخَيْرِ، عَظِيمُ الْبَرَكَاتِ، اخْتَارَهُ اللَّهُ

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۸۷.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۵.

۳. المزار الکبیر، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۵.

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَشْفَعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^(۱)

مسجد مبارک، پر فضیلت و پر برکتی است خداوند آن را
برای اهلش برگزیده است، این مسجد در روز قیامت
برای آنها شفاعت می‌کند.

۴۷. رسول اکرم ﷺ در همین رابطه فرمود:

مسجد کوفه در مورد هر کس که در آن دو رکعت نماز
بگذارد در روز قیامت شفاعت می‌کند.^(۲)

۴۸. امام صادق علیه السلام از هارون بن خارجه پرسید: با مسجد کوفه
چقدر فاصله داری؟ آیا به یک میل (دو کیلومتر) می‌رسد؟ گفت:
نه.

فرمود: آیا همه نمازهای را در آن جا می‌خوانی؟ گفت: نه.

فرمود: اگر من در آنجا حضور داشتم هیچ نمازی را در هیچ
وعده‌ای جز در آنجا نمی‌خواندم.

آنگاه در ضمن شمارش فضیلت‌های مسجد کوفه فرمود:

مَا بَقِيَ مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا عَبْدٌ صَالِحٌ

۱. المزار الکبیر، ص ۱۲۶؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۴.

۲. مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۴؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۰؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۶.

الَا وَ قَدْ صَلَّيْ فِيْهِ؛^(۱)

هیچ فرشته مقرب هیچ پیامبر مرسل و هیچ بنده شایسته‌ای نیست جز این که در آن مسجد نماز گزارده است.

۴۹. امام صادق علیه السلام در ضمن شمارش فضیلت‌های برجسته

مسجد کوفه فرمود:

اِنَّ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيْهِ لَتَعْدِلُ اَلْفَ صَلَاةٍ، وَ اِنَّ النَّافِلَةَ فِيْهِ لَتَعْدِلُ خَمْسَ مِائَةِ صَلَاةٍ وَ اِنَّ الْجُلُوسَ فِيْهِ بِغَيْرِ تَلَاوَةٍ وَ لَا ذِكْرٍ لِّعِبَادَةٍ؛^(۲)

نماز واجب در مسجد کوفه معادل یک هزار و نماز مستحبی معادل ۵۰۰ نماز می‌باشد و نشستن در آنجا بدون ذکر و تلاوت قرآن پاداش عبادت دارد.

۵۰. و در حدیث دیگری فرمود:

۱. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ امالی شیخ صدوق، ص ۳۱۵؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۱۳؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۳۹۹.

۲. کافی، ج ۳، ص ۴۹۱؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۰؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۱۳؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۱؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۳؛ تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۰؛ امالی صدوق، ص ۳۱۵؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۲۸؛ جامع الخبر، ص ۸۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۱.

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِالْفِ صَلَاةٍ؛^(۱)

یک نماز در مسجد کوفه معادل یک هزار نماز است.

۵۱. امیر مؤمنان علیه السلام در همین رابطه فرمود:

الصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ فِيهِ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ وَ النَّافِلَةُ فِيهِ عُمْرَةٌ

مَبْرُورَةٌ؛^(۲)

نماز واجب در مسجد کوفه معادل یک حج مقبول و نماز

مستحبی در آن معادل یک عمره مقبوله است.

۵۲. امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

يَا أَبَا حَمْزَةَ، الْفَرِيضَةُ فِيهَا تَعْدِلُ حَجَّةٌ وَ النَّافِلَةُ تَعْدِلُ

عُمْرَةٌ؛^(۳)

ای ابا حمزه، نماز واجب در آن معادل یک حج و نماز

مستحبی معادل یک عمره می باشد.

۵۳. امیر مؤمنان علیه السلام در همین رابطه فرمود:

النَّافِلَةُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ

الْفَرِيضَةُ تَعْدِلُ حَجَّةً مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ

۱. الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۷؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۲؛ ثواب الاعمال، ص ۳۰؛ کامل

الزیارات، ص ۲۹؛ مصباح کفعمی، ص ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۲.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۰.

۳. الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۸؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۹.

الفُ نبی و الفُ وصی؛^(۱)

نماز مستحبی در این مسجد معادل یک عمره در محضر پیامبر و نماز واجب در آن معادل یک حج در حضور پیامبر ﷺ می باشد، یک هزار پیامبر و یک هزار وصی پیامبر در آن نماز گزارده اند.

۵۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ اميرالمؤمنين
عَلَيْهِ السَّلَامُ، الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ؛^(۲)

کوفه حرم خدا حرم پیامبر و حرم امیرمؤمنان علیه السلام است، نماز در مسجد آن معادل هزار نماز است.

۵۵. و در حدیث دیگری فرمود:

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ
مِنَ الْمَسَاجِدِ؛^(۳)

یک نماز در مسجد کوفه، معادل یک هزار نماز در دیگر

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۱؛ کامل الزیارات، ص ۲۸؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۰؛ جامع الاخبار، ص ۶۹؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۶؛ بحار الانور، ج ۸۳، ص ۳۷۶.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۹.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۸.



مساجد است.

۵۶. امام باقر علیه السلام از یک نفر از اهالی کوفه پرسید: آیا تو همه نمازهایت را در مسجد کوفه می خوانی؟ گفت: نه. فرمود: تو شخص محرومی هستی، که از چنین خیری در مانده ای. (۱)

۵۷. و به ابو عبیده توصیه فرمود: هرگز نماز در مسجد کوفه را فرو مگذار. (۲)

۵۸. امام رضا علیه السلام در این رابطه فرمود:

الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَرْدًا، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً فِي غَيْرِهِ جَمَاعَةً؛ (۳)

نماز فرادی در مسجد کوفه، از ۷۰ نمازی که در دیگر مساجد با جماعت خوانده شود بهتر است.

نکاتی چند پیرامون مسجد کوفه

اگر بخواهیم همه احادیث وارده از پیشوایان معصوم را پیرامون مسجد اعظم کوفه در این مقال بیاوریم، مطلب به درازا می کشد. از این رهگذر به احادیث یاد شده بسنده می کنیم و در بخش پایانی این

۱. کامل الزیارات، ص ۳۰، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۹.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۰.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۱؛ ثواب الاعمال، ص ۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۲.

نوشتار به چند نکته در رابطه با مسجد کوفه اشاره می‌کنیم:

الف - حجر الاسود بر دیوار مسجد اعظم کوفه

۵۹. مولای متقیان، امیر مؤمنان علیه السلام در فرازی از یک خطبه طولانی در مسجد اعظم کوفه می‌فرماید:

و لا تَذْهَبُ الْاَيَّامُ وَ اللَّيَالِي، حَتَّى يُنْصَبَ الْحَجَرُ
الْأَسْوَدُ فِيهِ؛^(۱)

طولی نمی‌کشد که حجر الاسود در این مسجد نصب می‌شود.

۶۰. در احادیث ملاحم نیز آمده است:

تُغَيَّرُ الْحَبْشَةُ الْبَيْتَ فَيَكْسِرُونَهُ، وَ يُؤْخَذُ الْحَجَرُ،
فَيُنْصَبُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؛^(۲)

اهالی حبشه خانه خدا را دگرگون ساخته، در هم می‌شکنند، حجر الاسود را می‌گیرند و در مسجد کوفه آن را نصب می‌کنند.

این حادثه در قرن چهارم هجری واقع شد، قرامطه کعبه را

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

تخریب کردند، حجر الاسود را بردند و در مسجد کوفه نصب کردند.^(۱)

مشروح این فاجعه را در کتاب «تاریخ وهابیان» مشروحاً آورده‌ایم.

ب - تشریف فرمایی پیشوایان معصوم به مسجد کوفه

۶۱. بر اساس احادیث فراوان رسول اکرم ﷺ در شب معراج در مسجد کوفه فرود آمده و نماز گزارده است.^(۲)

۶۲. امام سجاد علیه السلام صرفاً برای نماز گزاردن در مسجد کوفه رنج سفر بر خود هموار نموده و از مدینه منوره به مسجد آمده است.^(۳)

۶۳. امام کاظم علیه السلام احمد تبّان را از طریق اعجاز به مسجد کوفه آورده تا اعمال مسجد را در محضر آن حضرت انجام دهد.^(۴)

۶۴. امام جواد علیه السلام علی بن خالد زیدی را با اعجاز امامت به مسجد کوفه برده تا اعمال مسجد را در حضور آن سرور انجام داده

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۸.

۲. تاریخ وهابیان، نگارنده سطور، ص ۲۰-۲۸.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۱؛ ج ۶، ص ۳۲؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۱؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۷؛ مصباح الزائر، ص ۹۹.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۴؛ کامل الزیارات، ص ۲۷؛ مزار شیخ مفید، ص ۱۹.

است. (۱)

ج - معجزات شگفت امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه

۶۵. معجزه باهره‌ای از رسول اکرم صلی الله علیه و آله «در مسجد کوفه» به وقوع پیوسته. (۲)

۶۶. معجزات شگفت فراوانی از مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه پدیدار گشته، که فقط به منابع آنها در پاورقی اشاره می‌کنیم. (۳)

۶۷. داوریه‌های شگفت امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه بیش از شمار است؛ به برخی از منابع آنها در پاورقی اشاره می‌کنیم. (۴)

د - محراب‌های مسجد کوفه

در سمت قبله کوفه، دو محراب به عنوان محراب امیرمؤمنان علیه السلام

۱. دلائل الامامه، ص ۳۴۳.

۲. اعلام الوری، ج ۲، ص ۹۶؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۴۲؛ دلائل الامامه، ص ۴۰۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۵۹؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۷۶.

۳. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۲۳؛ کشف الیقین، ص ۳۲۰؛ فضائل ابن شاذان، ص ۱۲۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۰۰.

۴. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۰۶؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۰؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴۱، ۲۵۵، ۲۶۰ و ۲۹۰؛ الاغانی، ج ۷، ص ۲۵۷؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۶۹.

موجود است، علامه مجلسی و محدث نوری نکات فراوانی را برای تعیین محراب شهادت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده‌اند و سرانجام به این نتیجه رسیده‌اند که احتمالاً یکی از آنها محراب ضربت خوردن مولی و دیگری محراب عبادت آن حضرت باشد. ^(۱) و لذا بهتر است از هر دو محراب تبرک شود.

محراب‌های موجود در صحن مسجد یادگار علامه سید بحر العلوم است، که آنها را به جای استوانه‌های مسجد که غالباً بر چیده شده بود، تأسیس کرد. ^(۲)

هـ - مقام‌های مسجد کوفه

در مسجد اعظم کوفه مقام جبرئیل، مقام نوح، مقام ابراهیم، مقام امیرالمؤمنین، مقام امام سجاد و مقام امام صادق علیه السلام هست، که هر کدام نماز و دعای مخصوص دارد. ^(۳)

در منابع فراوانی در مورد تعیین هر یک از مقام‌های یاد شده، دکه القضاء، بیت الطشت و دیگر اماکن متبرکه مسجد کوفه بحث شده،

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۰۴؛ الاختصاص، ص ۳۰۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۸؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۵۹؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۶۹؛

تفسیر فرات، ج ۲، ص ۲۲۹؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۷۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۱؛ جنات ثمانیه، ص ۳۳۸.

۳. تاریخ الکوفه، ص ۵۴.

علاقه‌مندان به منابع یاد شده در پاورقی مراجعه فرمایند. (۱)

نکات پراکنده

۶۸. با اسناد گوناگون روایت شده که هر شب شصت هزار فرشته بر مسجد کوفه فرود آمده، در نزد ستون هفتم نماز می‌گزارند. دیگر تا روز رستاخیز به آنها نوبت نمی‌رسد که برگردند و در آن جا نماز بگذارند. (۲)

منظور از ستون هفتم مقام امیرالمؤمنین علیه السلام است. (۳)

۶۹. ابو حمزه ثمالی گوید: اصبع بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: اینجا مقام امیرالمؤمنین علیه السلام است. (۴)

۷۰. در شب معراج جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت: اینجا مسجد کوفه است، من بیست بار ویرانی و بیست بار آبادانی

۱. المزار الکبیر، ص ۱۵۴-۱۷۷؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۳؛ مزار شهید، ص ۲۴۹-۲۶۴؛ مصباح الزائر، ص ۷۴-۹۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۸۵-۴۲۶.

۲. تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۱؛ ج ۶، ص ۳۳؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۳؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۳؛ جامع الاخبار، ص ۸۲؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۴؛ رجال نجاشی، ص ۳۵؛ رجال کشی، ص ۵۱۶؛ رجال علامه حلی، ص ۳۹، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۷؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۹.

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۱.

۴. تهذیب، ج ۶، ص ۳۳؛ بحار، ج ۸۳، ص ۳۷۷.



آن را دیده‌ام که میان دو ویرانی و دو آبادانی پانصد سال فاصله بود. (۱)

۷۱. یکی از درهای مسجد کوفه «باب السّده» نام داشت که گذرگاه امیر مؤمنان علیه السلام بود. (۲)

۷۲. یکی دیگر از درهای مسجد کوفه «باب الفیل» است که در اصل «باب الثعبان» نام داشت و معجزه باهره‌ای از امیر مؤمنان علیه السلام در آن جا رخ داد. (۳) نظر به این که باب ثعبان یاد آور معجزه امیر مؤمنان علیه السلام بود، بنی‌امیه نام آن را به باب الفیل تغییر دادند. (۴)

۷۳. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

به مسجد کوفه از در بزرگ (باب الفیل) وارد شوید که آن باغی از باغ‌های بهشت است. (۵)

۷۴. سنگی در مسجد کوفه پدیدار شد که به قلم تکوین بر آن نام مقدس «محمد» (صلی الله علیه وآله وسلم) نقش بسته بود. (۶)

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۹۳.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. تاریخ الکوفه، ص ۵۳.

۴. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۸۹؛ الثاقب فی المناقب، ص ۲۴۸؛ مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۱۴۱.

۵. تاریخ الکوفه، ص ۵۴.

۶. مزار شهید، ص ۲۴۹.

۷۵. امام رضا علیه السلام فرمود:

مسجد کوفه خانه حضرت نوح بود اگر کسی یک صدبار وارد شود، یک صدبار خداوند برای او آمرزش می نویسد زیرا دعای طلب آمرزش حضرت نوح در آنجاست.^(۱)

منظور از این دعا دعای «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا» می باشد.^(۲)

ره یافتگان

در طول قرون و اعصار صدها نفر در مسجد اعظم کوفه توفیق تشرّف به پیشگاه مقدس حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیدا کرده اند به ده نمونه از این سعادت‌مندان به طور فشرده اشاره می کنیم، طالبان تفصیل بیشتر را به منابع یاد شده در پاورقی ارجاع می دهیم.

به امید روزی که خورشید جهان افروز امامت، از افق غیبت طالع گشته، جهان آفرینش را با نور خود منور ساخته، سعادت تشرّف به پیشگاه آن قبله موعود و کعبه مقصود را به همه شیفتگان دلسوخته ارزانی بدارد.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۲. سوره نوح (۷۱)، آیه ۲۸، یعنی: خدایا، مرا، پدر و مادرم را و هر کسی را که با ایمان وارد خانه من شوند، ببخش و بپا مرز.

۱. ملا احمد مقدّس اردبیلی

یکی از زیباترین تشرّفاتِی که در طول قرون و اعصار در مسجد اعظم کوفه رخ داده، تشرّف نادره دوران، محقّق بی نظیر زمان، مولی احمد، معروف به: «مقدّس اردبیلی» (متوفای ۹۹۳ هـ.) مدفون در ایوان مقدّس حرم مطهر مولای متّقیان امیر مؤمنان علیه السلام می باشد.

داستان این تشرّف با اسناد مختلف از سرآمد شاگردان محقق اردبیلی، سید سند، جبر معتمد «میر علاّم» روایت شده است. حجت تاریخ علامه تهرانی می نویسد: به هنگام ارتحال مقدّس اردبیلی از او پرسیدند که بعد از شما به چه کسی مراجعه کنیم؟ ایشان فرمود: «در احکام شرعی به میر علاّم و در مسائل عقیدتی به میر فضل الله مراجعه نمایید.» (۱)

و اینک داستان تشرّف مقدّس اردبیلی به نقل میر علاّم: علامه مجلسی از گروهی از اساتید خود، از سید فاضل «میر علاّم» شاگرد برجسته مقدّس اردبیلی روایت می کند که گفت: شبی در صحن مقدّس مولای متّقیان امیر مؤمنان علیه السلام بودم، مقدار زیادی از شب گذشته بود، من در صحن مطهر قدم می زدم، ناگاه دیدم که شخصی به سوی حرم مطهر در حرکت است، نزدیک

۱. فرحه الغری، ص ۱۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۲.



رفتم، دیدم استاد بزرگوارم عالم پرهیزگار، فاضل عالی مقدار، مولی احمد اردبیلی است.

من خود را مخفی کردم، تا استاد به درب حرم رسید، درب حرم بسته بود، به مجرد این که استاد به درب حرم رسید، درب به رویش باز شد.

او وارد حرم شد و من می شنیدم که با کسی در داخل حرم گفت و گو می کند. پس از دقایقی از حرم بیرون آمد، درب حرم بسته شد، ایشان حرکت کرد و من نیز به دنبالش روان گشتم.

مقدس اردبیلی از نجف اشرف خارج شد و راه مسجد کوفه را در پیش گرفت. من نیز چون سایه به دنبالش در حرکت بودم، به گونه ای که متوجه من نمی شد. تا داخل مسجد اعظم کوفه شد و در محرابی که محل شهادت امیر مؤمنان علیه السلام بود، قرار گرفت.

مدّت طولانی در آن جا توقف نمود، آنگاه از مسجد بیرون رفت و راه نجف را در پیش گرفت.

تا نزدیکی مسجد «حنانه»^(۱) پشت سرش در حرکت بودم، آن

۱. مسجد حنانه، در بیرون نجف اشرف، در شمال آن، در طرف چپ کسی که از نجف به سوی کوفه حرکت می کند، قرار دارد. این مسجد یکی از سه نقطه ای است که امام صادق علیه السلام در آنجا نماز گزارده، به هنگام حمل اسرای کربلا، راس مطهر امام حسین علیه السلام را در آنجا بر زمین نهاده اند و به هنگام عبور دادن تابوت حضرت علی علیه السلام برای دفن در سرزمین غری، دیوار آن از شدت غم و اندوه خم شده است [امالی شیخ طوسی، ج ۲،

جا مرا سرفه‌ای در گرفت، که نتوانستم خودداری کنم، پس به سوی من نگاهی کرد و در آن تاریک شب مرا شناخت و فرمود: «تو میر علام هستی؟». گفتم: آری. پرسید: تو این جا چه کار می‌کنی؟! گفتم: از لحظه‌ای که شما قدم در صحن مطهر نهادی، تا الان پشت سر شما بودم، شما را قسم می‌دهم به صاحب آن قبر مطهر علی علیه السلام آنچه امشب برای تو پیش آمد، از آغاز تا فرجام برای من بازگویی.

فرمود: می‌گویم، به شرط این که تا من زنده هستم به احدی بازگو نکنی و من تعهد کردم، هنگامی که از عهد و میثاق من مطمئن شد فرمود: در مورد برخی از مسایل می‌اندیشیدم، برخی از آنها بر من مشکل شد، به دلم گذشت که به محضر مولای متقیان علیه السلام برسم و مشکل خود را از محضر آن حضرت بپرسم.

چون به درب حرم رسیدم، به طوری که مشاهده کردی، درب حرم به رویم گشوده شد، وارد حرم شدم، از خداوند منان مسألت نمودم که امیر مؤمنان مشکل مرا بازگشاید. ناگهان صدایی از قبر مطهر به گوشم رسید که:

ص ۶۸۲؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۶۰؛ ج ۴۲، ص ۲۳۶؛ ج ۱۰۰، ص ۴۵۵] بر اساس نقل صاحب نزهة القلوب این دیوار به صورت متمایل تا قرن هشتم باقی بود. [ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۰۰] مسجد حنانه اعمالی دارد که در کتب مزار آمده است [مزار شهید، ص ۶۹؛ جنات ثمانیه، ص ۳۴۳].

«إِنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ وَنَسْلَ عَنِ الْقَائِمِ (عليه السلام)
فَإِنَّهُ إِمَامُ زَمَانِكَ»:

«به مسجد کوفه برو، و مسائلت را از حضرت قائم علیه السلام
پرس، که امام زمانت او می باشد».

پس به مسجد کوفه آمد و در محراب مسجد پرسش های خود را
از آن حضرت پرسیدم و پاسخ های لازم را دریافت کردم، و اینک به
منزل خود باز می گردم.^(۱)

این داستان را با اندک تغییری در تعبیر، معاصر علامه مجلسی،
محدث والامقام، مرحوم سید نعمة الله جزایری (متوفای ۱۱۱۲ هـ.)
توسط استادش «سید هاشم احسائی»^(۲) از استاد وی «میر علام»
شاگرد برجسته مقدس اردبیلی نقل کرده است.^(۳)

این داستان در منابع فراوانی به نقل از علامه مجلسی^(۴) و در

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

۲. روضات الجنات، چاپ آخوندی، ج ۱، ص ۱۹۵، پاورقی محقق بی نظیر، علامه سید
محمد علی روضاتی.

۳. الانوار النعمانیة، ج ۲، ص ۳۰۳.

۴. دارالسلام عراقی، ص ۲۸۲؛ الکنی واللقاب، ج ۳، ص ۲۰۱؛ سفینة البحار، ج ۲،
ص ۳۳۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۵۱؛ لؤلؤة البحرين، ص ۱۴۹؛ انیس المسافر، ج ۱،
ص ۲۶؛ مهدی موعود (ارومیه ای)، ج ۱، ص ۷۷۲؛ مهدی موعود (دوانی)، ص ۹۳۴؛
مشاهیر اسلام، ج ۴، ص ۲۴۲؛ جنة المأوی، ص ۱۹۹؛ داستانهایی از امام زمان،
ص ۲۹۹؛ الامام المهدی من المهد الى الظهور، ص ۳۱۷.

منابع دیگر به نقل از مرحوم جزایری آمده است.^(۱)
 در نسخه چاپی انوار نعمانیه، برای «میرعلام» نسخه بدلی به
 عنوان «میر فیض الله» آمده، از این رهگذر در برخی منابع به جای
 میرعلام، میر فیض الله^(۲) و در برخی به عنوان نسخه بدل^(۳) و در
 برخی دیگر «میر غلام» آمده،^(۴) ولی صحیح آن «میرعلام»
 می باشد.^(۵)

۲. سید مهدی بحر العلوم

شخصیت والای سید بحر العلوم بر احدی پوشیده نیست،
 مرحوم کاشف الغطاء، شیخ جعفر کبیر، با آن جلالت قدر و

۱. نجم ثاقب، ص ۵۸۸؛ منتهی المقال، ج ۱، ص ۳۱۲؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۷۰؛
 العبرى الحسان، ج ۲، ص ۶۴؛ عنایات حضرت مهدی موعود به علما و مراجع، ص
 ۵۸؛ تشرف به محضر مهدی موعود، ص ۳۱.

۲. روضات الجنات، ج ۱، ص ۸۰؛ چهره‌هایی که در جستجوی قائم پیروز شدند،
 ص ۲۹.

۳. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۵۴۷.

۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۵۱؛ قصص العلماء، ص ۳۴۴.

۵. زیرا: اولاً علامه مجلسی آن را از منابع مختلف «میرعلام» نقل کرده، ثانیاً در متن
 انوار نعمانیه «میرعلام» ذکر شده، ثالثاً صاحب روضات تصریح کرده که ضبط آن
 «میرعلام» بوده، رابعاً به طوری که از صاحب الذریعه نقل کردیم، مقدس اردبیلی
 شاگردی به نام «میرعلام» و شاگرد دیگری به نام «میر فیض الله» داشته، دیگر معنی
 ندارد که میرعلام را به میر فیض الله حمل کنیم.



مرجعیت عامه‌ای که داشت، خاک نعلین سید را از روی تبرک با تحت الحنک عمامه‌اش پاک می‌کرد،^(۱) به قدری کرامات و خارق عادات از وی صادر شد که صاحب جواهر از او به عنوان «صاحب کرامات باهره و معجزات قاهره» تعبیر می‌کرد.^(۲)

محدث قمی،^(۳) محدث نوری،^(۴) مرحوم خیابانی^(۵) و بسیاری از محدثان و مورخان تصریح کرده‌اند که تشرّف او به پیشگاه حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تواتر رسیده است.^(۶)

افتخار قرون و اعصار، علامة بحر العلوم را تشرّفات فراوانی است که یکی از آنها در مسجد کوفه رخ داده است.

سید جواد عاملی، صاحب مفتاح الکرامه (متوفای ۱۲۲۶ ه. ق) استاد صاحب جواهر و شاگرد برجسته بحر العلوم می‌گوید:

شبی از شبها، استادم سید بحر العلوم را دیدم که از دروازه شهر نجف بیرون رفت، من نیز به دنبال او حرکت کردم تا وارد مسجد

۱. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲. هدیه الاحباب، ص ۱۱۸.

۳. فوائد رضویه، ص ۶۷۶.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۳.

۵. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۳۴.

۶. سفينة البحار، ج ۸، ص ۶۵۷؛ هدیه الاحباب، ص ۱۱۷.



کوفه شد، من نیز پشت سر ایشان وارد شدم.
استاد را مشاهده کردم که به مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام رفت
و در آن جا با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به گفت و
گو پرداخت.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پاسخ یکی از
پرسش های بحر العلوم فرمود:

« شما در احکام شرعی به ادله ظاهریه مأمور هستید و مکلف به
همان چیزی هستید که از آن ادله استفاده نموده اید، شما مأمور به
احکام واقعیّه نیستید»^(۱).

ملاً زین العابدین سلماسی از اصحاب خاص سید بحر العلوم
می گوید:

من حضور داشتم در محفل سید بحر العلوم که شخصی از امکان
رؤیت سیمای مبارک امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در
غیبت کبری پرسید، سید از پاسخ آن شخص ساکت شد، سر را به
زیر انداخت و آهسته گفت:

«چه بگویم در پاسخ او؟ در حالی که آن حضرت مرا در بغل
کشید و به سینه خود چسبانید...».

۱. قصص العلماء، ص ۱۷۳؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۶۸؛ امام زمان (عجل الله تعالی
فرجه الشریف) و سید بحر العلوم، ص ۱۶۱.

آنگاه در پاسخ سائل فرمود: «از اهل بیت عصمت علیهم السلام رسیده است تکذیب کسی که مدّعی رؤیت حضرت حجت علیه السلام باشد». (۱)
در این بیان به طوری که ملاحظه می فرمایید از محلّ این تشرّف نامی به میان نیامده است.

مرحوم سید، تشرّف دیگری دارد که آن را بنا به تقاضای میرزای قمی (صاحب قوانین) بیان کرده (۲) و آنجا در مورد بغل گشودن و به سینه چسبانیدن بحث نشده است، ولی تصریح شده که در مسجد سهله این تشرّف حاصل شده است. (۳)

در برخی از نوشته های معاصران، این دو تشرّف با یکدیگر تلفیق شده و چنین آمده است:

«شبی به مسجد کوفه رفتم، حضرت ولی عصر مشغول عبادت بود، فرمودند: جلو تر بیا... آغوش مهر گشودند و مرا در بغل گرفته، به سینه مبارکشان چسبانیدند». (۴)

۱. نجم ثاقب، ص ۶۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۶؛ جنّه المأوی، ص ۵۱.

۲. فصلنامه انتظار، ش ۶، ص ۳۴۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۴؛ فوائد رضویه، ص ۶۷۸؛ المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۴. ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۲۹۰؛ دیدار یار، ج ۲، ص ۱۹۷؛ امام زمان و سید بحر العلوم، ص ۶۳ و ۱۵۸.

۳. شیخ حسین آل رحیم

محدث نوری از افراد مورد وثوقی چون «شیخ باقر کاظمی» و «شیخ طه نجف» نقل کرده که در نجف اشرف روحانی زاهد و مقدّسی به نام «شیخ حسین» از تیره «آل رحیم» بوده که در نهایت فقر زندگی می‌کرده و از کودکی به سرفه و مرض سینه مبتلا بوده، و به هنگام سرفه کردن از سینه‌اش خون می‌آمده، از زنی از اهل نجف خواستگاری کرد و دست رد بر سینه‌اش زدند.

شیخ حسین چهل شب چهارشنبه به مسجد کوفه رفته، شبها را در آنجا بیتوته کرده، همه‌اش به دعا و مناجات و توسّل سپری نموده و نتیجه‌ای حاصل نشده، تا در چهلمین شب چهارشنبه به محضر مولی راه یافته، پس از گفت و گوی فراوان حاجت‌های خود را بازگو کرده، مولی فرمود:

«اما سینه‌ات پس عافیت یافت، اما آن زن به زودی نصیب تو می‌شود، ولی فقر تا پایان زندگی با تو قرین است.»

آنگاه در محضر مولی به حرم حضرت مسلم مشرف شده، آثار عظمت فراوان از مولی مشاهده کرده، در همان لحظه سینه‌اش خوب شده و در کمتر از یک هفته مقدمات ازدواج با خانم مورد نظرش فراهم گردیده است.

این داستان با تفصیل بسیار گسترده در منابع فراوان آمده

است،^(۱) جز این که نام او در «جَنَّة المَأْوَى» محمد به جای حسین ذکر شده است.

۴. سید محمد قطیفی

عالم عامل، سید محمد قطیفی می گوید: شب جمعه ای با یکی از روحانیون به مسجد کوفه رفتیم، مرد صالحی نیز آنجا مشغول عبادت بود.

چون شب فرا رسید درب مسجد را بستیم و برای مصون ماندن از دزد، مقداری سنگ و کلوخ پشت در ریختیم و با اطمینان خاطر مشغول اعمال مسجد شدیم.

پس از انجام اعمال مسجد، من و دوستم در «دکة القضا»،^(۲) رو به قبله نشسته بودیم و آن مرد صالح در دهلیز مسجد، نزدیک باب الفیل با صدای حُزن آوری مشغول دعای کمیل بود.

شب صاف و مهتابی بود، به سوی آسمان می نگریستم، ناگاه بوی بسیار خوشی، که از مشک و عنبر خوش بوتر بود، در

۱. نجم ثاقب، ص ۶۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۴۰؛ جَنَّة المَأْوَى، ص ۵۶؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۷۸؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۱۲۰؛ دیداریار، ج ۲، ص ۱۸۳؛ چهره هایی که در جستجوی قائم علیه السلام پیروز شدند، ص ۷؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. دَکَّة القضا، محل داوری امیرمؤمنان علیه السلام در دوران خلافت ظاهری آن حضرت بود.



فضای مسجد پیچید؛ آن‌گاه نوری چون شعله آتش در میان شعاع نور ماه پدیدار گشت و در همان لحظه صدای آن مرد صالح قطع شد. به ناگاه شخص جلیلی را دیدم که از سوی درب بسته وارد مسجد شد؛ لباس حجازی به تن داشت و سجاده‌ای همانند حجازی‌ها بر دوش مبارکش بود.

او در کمال متانت گام بر می‌داشت و به سوی دربی که به صحن قبر حضرت مسلم باز می‌شود، گام می‌سپرد.

دل‌های ما از جا کنده شد، دیدگان ما به سوی آن نور خیره‌کننده دوخته شد. هنگامی که از نزدیک ما گذشت، به ما سلام کرد، دوست من از جواب فرو ماند و من به سختی توانستم جواب سلامش را ادا نمایم.

چون وارد صحن حضرت مسلم شد، ما به حال طبیعی برگشتیم و گفتیم: ایشان کی بود و از کجا وارد شد؟!

به سوی آن مرد صالح که مشغول دعا بود رفتیم، دیدیم جامه‌اش را پاره کرده، همانند داغ جوان دیده اشک حسرت می‌ریزد. از او پرسیدیم داستان چیست؟ گفت:

من چهل شب جمعه به نیت دیدار با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به این مسجد آمده‌ام. تنها نتیجه‌ای که حاصل شد، این بود که در اثنای اشتغال من به دعای کمیل، آن حضرت لحظه‌ای بالای سرم توقف نمود، چون به سویش نگریستم فرمود: «چه

می‌کنی؟» من نتوانستم پاسخی دهم؛ به گونه‌ای که مشاهده کردید، تشریف بردند.

پس، سه نفری به سوی صحن حضرت مسلم شتافتیم، با کمال تعجب درب را همان طور که بسته بودیم؛ بسته یافتیم.^(۱)

۵. شیخ علی اکبر روضه خوان

مرحوم نهاوندی توسط میرزا هادی از شیخ علی اکبر روضه خوان تبریزی نقل می‌کند که گفت: شبی در مسجد کوفه در مقام امام صادق علیه السلام از شدت گریه خسته شدم، پوستی بر صورت خود انداخته، به دیوار مسجد تکیه دادم. ناگاه در آن شب تار مترحه نوری شدم که در چند قدمی من فضای مسجد را روشن کرده است. چون دقت کردم دیدم شخص جلیل القدری آنجا ایستاده و نور از او به اطراف پخش می‌شود؛ گویی چراغ پر نوری زیر عبا دارد. هر چه نگاه کردم، فقط نور دیدم؛ گویی سرپوشی از نور بر فراز سرش نهاده و جامه‌ای از نور بر تن پوشیده است. محو تماشای جمال بی‌مثالش شدم؛ ولی هر چه دقت کردم چیزی جز یک شبیح ندیدم.

۱. دارالسلام، ج ۲، ص ۱۴۰؛ نجم ثاقب، ص ۶۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۶۳؛ جنة المأوی، ص ۸۱؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۲۶۸؛ دیدار یار، ج ۲، ص ۲۹۳.

پس از مدتی حرکت کرد و از کنار من عبور کرد و به سوی پشت سر من رفت. چون برگشتم، احدی را ندیدم. به سمت صحن حضرت مسلم دویدم. اثری از ایشان ندیدم. به سمت حرم هانی رفتم باز اثری ندیدم، به صحن مسجد برگشتم و نشانی از او نیافتم. از شدت حسرت و افسوس، ناله جان‌کاهی از اعماق دل کشیدم. مادرم از حجره بیرون آمد و پرسید: چه شده؟ داستان را برای او نقل کردم.^(۱)

۶. سیدمرتضی نجفی

یکی از صلحای نجف اشرف به نام «سیدمرتضی نجفی» که محضر شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) را درک کرده، سالها ملازم سید محمدباقر قزوینی بوده،^(۲) و در نزد علما به تقوا و پرهیزکاری مشهور بود، گفت:

در مسجد کوفه با جمعی از اهل دل بودیم، وقت مغرب فرا رسید. در صدد برآمدیم با یکی از علمای برجسته‌ای که در آن جا حضور داشت، نماز مغرب و عشاء را به جماعت برگزار کنیم. در آن ایام در وسط مسجد کوفه در محلی که به «تنّور» معروف

۱. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. دارالسلام، ج ۲، ص ۲۰۰.

بود، مقدار اندکی آب بود که از مجرای قنات مخروطی می آمد و راه تنگی داشت که گنجایش بیش از یک نفر را نداشت.

برای تجدید وضو به محل تنور رفتم، شخص جلیل القدری را در آن جا دیدم که جامه عربی بر تن داشت و با متانت تمام در کنار آب نشسته مشغول وضو گرفتن بود.

من عجله داشتم که به نماز جماعت برسم و او هم چنان با متانت وضو می ساخت، لذا به ایشان گفتم: آیا شما نمی خواهید در نماز جماعت شرکت کنید؟ فرمود: «نه، زیرا آن شیخ دُخنی است».^(۱) منظور ایشان را از این جمله متوجه نشدم، منتظر ماندم تا وضویش تمام شد، آن گاه من وضو گرفتم و با آن عالم معروف نماز خواندم.

بعد از پراکنده شدن مردم، جریان را به آن شیخ گفتم. حالش متغیر شد، رنگ از چهره اش پرید و در فکر عمیقی فرو رفت. آن گاه به من گفت: تو حضرت حجت علیه السلام را دیده ای ولی نشناخته ای. زیرا آن حضرت از چیزی خبر داده که جز خدا، احدی از آن آگاه نبود.

من امسال در «رحبه»^(۲) ارزن کاشته ام؛ چون به نماز ایستادم به

۱. دُخْن به دانه ارزن می گویند [لسان العرب، ج ۴، ص ۳۱۰].

۲. رحبه، نام محلی در یک منزلی کوفه است [معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۳].

فکر آن زراعت افتادم که جایش امن نیست. این اندیشه به کلی فکر مرا به خود مشغول ساخت و از حالت نماز بیرون برد. و لذا آن حضرت از اعماق دل من خبر داده است.^(۱)

۷. حاج علی نجفی و همراهان

مرحوم نهاوندی با سلسله اسنادش از شخصی به نام «حاج علی نجفی» روایت می‌کند و مورد اعتماد و استناد بودنش را از جمعی از علما روایت می‌کند که او با یک گروه یازده نفری هر شب چهارشنبه به مسجد سهله مشرف می‌شده و هرگز تعطیل نمی‌کرده‌اند.

هر هفته یکی از افراد وسایل چایی و شام مهیا می‌کرده است. یک شب چهارشنبه بعد از اعمال مسجد، راهی مسجد کوفه می‌شوند؛ چون آهنگ صرف شام می‌کنند معلوم می‌شود کسی که آن شب نوبت او بوده، همه وسایل را فراهم کرده، جز این که موقع حرکت فراموش کرده و در مغازه‌اش مانده است.

در حالی که از شدت گرسنگی خواب‌شان نمی‌برد، در حجره زده می‌شود؛ سید جلیل‌القدری وارد شده، احادیث بسیار ناب و جالبی برای آنها بازگو می‌کند، سپس می‌فرماید:

۱. الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۶۳؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۵۷؛ نجم ثاقب، ص ۶۲۹؛

جَنَّةُ الْمَأْوَى، ص ۷۵، العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۰۷؛ دیدار یار، ج ۲، ص ۲۴۶.

«اگر خواسته باشید اسباب چایی حاضر است».

یکی از افراد برخاسته از خورجین، سماور بسیار عالی با همه لوازم بیرون می آورند، مقدمات چایی را فراهم می کنند و آن بزرگوار به بیان احادیث ادامه می دهد، سپس می فرماید:

«اگر خواسته باشید شام حاضر است».

باز یکی از افراد برخاسته، از طرف دیگر خورجین یک طاس کباب بیرون می آورد که پر از برنج و خورشید بسیار عالی که بخار از آن متصاعد بوده است؛ گویی همین الآن از روی آتش برداشته اند. هنگامی که میل می کنند و همه سیر می شوند، مقداری اضافه می ماند، دستور می دهد که آن را به خادم مسجد بدهند. بامدادان به یاد آن بزرگوار می افتند، هر چه جست و جو می کنند، ولی اثری از ایشان نمی یابند و درهای مسجد را همچنان بسته می بینند.^(۱)

۸. شیخ محمد طاهر نجفی

صالح متقی، شیخ محمد طاهر نجفی، خادم مسجد کوفه می گوید:

علمای نجف اشرف که به مسجد کوفه می آمدند، در حدّ توان به

۱. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۰۷.

آنها خدمت می کردم، آنها نیز گاهی چیزی به من می آموختند.
ذکری از آنها آموخته بودم که دوازده سال در شب های جمعه به
آن مداومت داشتم.

شبى طبق معمول مشغول ذکر بودم، از حضرت رسول ﷺ آغاز
کرده، به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده
بودم که ناگاه شخص بزرگواری وارد شد و فرمود:

«چه شده؟ چه خبر است که همواره زمزمه ای بر لب داری؟ هر
دعایی، حجابی دارد بگذار حجاب آن برداشته شود تا همه اش
یکجا به اجابت برسد».

آنگاه از حجره بیرون رفت و به سوی صحن حضرت مسلم
حرکت نمود به دنبالش راه افتادم ولی هر چه جست و جو کردم
اثری نیافتم.^(۱)

شیخ محمد طاهر نجفی سالها خادم مسجد کوفه بود و با
خانواده اش در مسجد کوفه زندگی می کرد. و بسیاری از علمای
نجف او را به تقوا و پرهیزکاری می شناختند.

او را تشرف دیگری است که فشرده اش به قرار زیر است:
هفت - هشت سال پیش به جهت پدید آمدن درگیری در میان دو
قبیله در نجف اشرف، منطقه ناامن شد و رفت و آمد به مسجد کوفه

۱. نجم ثاقب. ص ۵۷۸؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۲۲۳.

قطع گردید.

من عائله مند بودم و تعدادی یتیم در تحت کفالت من بود. درآمد من تنها هدایایی بود که زایران و روحانیان به من بذل می کردند که با این اتفاق، زندگی شدیداً بر من سخت شد.

شب جمعه ای چیزی در بساط نبود و گریه بچه ها در اثر گرسنگی، آرامش دل را از من ربوده بود.

من در میان «سفینه» (محل معروف به تنور) و «دکه القضاء» (محل داوری امیر مؤمنان) نشسته بودم و حال عبادت و مناجات نداشتم.

یک مرتبه بر زبانم جاری شد که ای پروردگار مهربان، اگر سرور و مولایم را به من نشان دهی، دیگر چیزی از تو مطالبه نمی کنم و از فقر و نداری خود شکایت نمی کنم.

یک مرتبه خود را در حال ایستاده دیدم و مشاهده کردم که در یک دستم سجاده ای و دست دیگرم در دست جوان بزرگواری است که آثار عظمت و جلال از او نمایان است.

نخست تصور کردم که باید یکی از سلاطین جهان باشد؛ ولی متوجه شدم که عمامه بر سر دارد و لباس نفیس تیره رنگی بر تن مبارکش است. و شخص دیگری در خدمتش بود که جامه ای سفید بر تن داشت.

در محضر مبارکش به سوی دگه ای که در نزدیک محراب بود، به



راه افتادیم، چون به دگه رسیدیم، مرا به اسم خطاب کرده، فرمود:
«ای طاهر! سجاده را پهن کن».

چون سجاده را پهن کردم، دیدم؛ بسیار سفید و درخشان است و چیزی با خط درخشنده‌ای بر آن نوشته شده که من جنس آن را تشخیص ندادم. من سجاده را با رعایت زاویه انحراف قبله مسجد پهن کردم. ایشان فرمود:

«سجاده را چه طور پهن کردی؟».

از هیبت‌اش طوری دست و پایم را گم کردم که گفتم: «آن را به طول و عرض پهن کردم».

فرمود: این عبارت را از کجا یاد گرفته‌ای؟ عرض کردم: از فرازی از دعای حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نافداه) فرمود: «خوب است مقداری فهم داری».

بر فراز سجاده مشغول عبادت شد، همواره نور از او ساطع بود و لحظه به لحظه بیشتر می‌شد؛ به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانستم به چهره‌اش نگاه کنم. یک مرتبه به دلم گذشت که این بزرگوار نباید از افراد عادی باشد. چون از نماز فارغ شد، دیدم که بر فراز یک کرسی بلندی نشسته که سایبان هم دارد، ولی نور جمالش بسیار خیره کننده بود.

در آن لحظه تبسمی نموده، فرمود:

«ای طاهر به نظر شما من کدام یک از سلاطین دنیا هستم؟».

عرضه داشتم: شما سلطان سلاطین و سید عالم هستی، می باشید. شما از سلاطین دنیا نیستید. فرمود:

«ای طاهر به خواسته خود رسیدی، دیگر چه می خواهی؟ آیا ما شما را همواره تحت نظر نداریم؟ مگر اعمال شما همه روزه بر ما عرضه نمی شود؟».

آنگاه وعده گشایش زندگی دادند، سپس فرمودند: «طاهر به خواسته ات رسیدی، دیگر چه می خواهی؟».

آن چنان از هیبت و جلالتش خود را باختم که قدرت سخن گفتن نداشتم. در یک لحظه خود را در صحن مسجد تک و تنها دیدم، چون به سوی مشرق نگریستم، دیدم که فجر طالع شده است.

شیخ محمد طاهر می گوید: سالها بعد که چشمانم را از دست دادم و بسیاری از راه های کسب و کار به روی ام بسته شد، ولی هرگز به سختی نیفتادم و طبق وعده آن حضرت گشایش روشنی در زندگی ام پدید آمد.^(۱)

۹. شیخ محمد تقی آملی

علامه طباطبائی (صاحب تفسیر المیزان) از استادش مرحوم

۱. نجم ثاقب، ص ۵۷۵؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱،

ص ۲۴۵؛ دیداری یار، ج ۳، ص ۱۰۵.

سید علی قاضی نقل می‌کند که می‌گفت:
 بعضی از افراد زمان ما مسلماً محضر مبارک آن حضرت را درک
 کرده‌اند و به خدمتش شرفیاب شده‌اند.
 یکی از آنها شیخ محمد تقی آملی (صاحب مصباح الهدی)
 متوفای ۱۳۹۱ هـ. بود که در مسجد سهله، در مقام صاحب
 الزمان علیه السلام، در حالی که مشغول ذکر و مناجات بود، آن حضرت را
 در میان نوری بسیاری قوی مشاهده کرد.^(۱) دو هفته بعد، در مسجد
 کوفه، کعبه مقصود و قبله موعود بر او تجلی کرده، با او به گفت و گو
 پرداخته، به او شرف جاودانه اعطاء فرمودند.^(۲)

۱۰. شیخ محمد کوفی

مرحوم حاج شیخ محمد کوفی که تشرفات فراوان دارد و حامل
 پیام حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) به مرحوم آیت الله
 اصفهانی بود، می‌فرماید:

در حدود سال ۱۳۳۵ هـ. در شب هجدهم ماه مبارک رمضان به
 مسجد کوفه مشرف شدم و تصمیم گرفتم که شبهای شهادت
 امیر مؤمنان را در آنجا بیتوته کنم و در حادثه بزرگ تاریخ بشریت،

۱. مجله انتظار، ش ۶، ص ۳۴۴.

۲. مه‌رتابان، ص ۱۴۷؛ دیدار یار، ج ۳، ص ۳۴۳؛ شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱،
 ص ۲۱۹؛ توجهات ولی عصر به علما و مراجع، ص ۱۵۲.

شهادت جانگداز مولای متقیان تفکر نمایم.

نماز مغرب و عشا را در مقام مشهور به مقام امیرالمؤمنین علیه السلام خواندم و برخاستم تا به گوشه‌ای از اطراف مسجد رفته افطار کنم. افطارم در آن شب نان و خیار بود. به طرف شرق مسجد به راه افتادم، از طاق اول گذشتم، چون به طاق دوم رسیدم، دیدم بساطی پهن شده، شخصی عبا به خود پیچیده و بر روی آن بساط استراحت نموده است.

در کنار او شخص معتمی در لباس اهل علم نشسته بود، به او سلام کردم، جواب سلامم را داد و فرمود: «بنشین».

نشستم، از تک تک حال علما و فضلا پرسید، پاسخ دادم و گفتم: الحمد لله حالشان خوب است و به خیر و عافیت هستند.

شخصی که در حال استراحت بود، جمله‌ای به او فرمود که من متوجه نشدم و او دیگر سؤالی از من نکرد. پرسیدم این آقا که استراحت فرموده کیست؟ گفت:

«ایشان سید عالم است».

این تعبیر برای من مبالغه‌آمیز جلوه کرد، زیرا می‌دانستم که عنوان «سید عالم» تنها شایسته حضرت حجت علیه السلام می‌باشد، و لذا گفتم: «پس این سید عالم است»، گفت: «نه، ایشان سید عالم است». من ساکت شدم و دیگر چیزی نگفتم و هم‌چنان از سخن او در شگفت بودم.



اوایل شب بود، همه جا در تاریکی فرو رفته بود، ولی نوری بر دیوارهای مسجد ساطع بود، گویی چراغ‌های فراوانی در مسجد روشن بود.

نظر به این که همه حواس من متوجه سخن آن شخص بود، دیگر در مورد مبدء نور چیزی نیندیشیدم.

در این هنگام آن آقای که مشغول استراحت بود، آب مطالبه کرد شخصی در جلو چشم من ظاهر شد که کاسه‌ای در دست داشت. ظرف آب را به ایشان تقدیم نمود که مقداری تناول کرد و سپس بقیه‌اش را به من داد. من گفتم: تشنه نیستم.

آن شخص کاسه‌ای را گرفت، چند قدم برداشت و جلو چشم من ناپدید شد.

من هم برای ادای فریضة مغرب و عشا و تفکر در مصیبت عظمای امیر مؤمنان برخاستم.

آن شخص از من پرسید: کجا؟ هدف خود را گفتم، مرا تشویق نمود و در حق من دعای خیر نمود.

به مقام آمدم، چند رکعت نماز خواندم، کسالت بر من عارض شد، مقداری خوابیدم، وقتی بیدار شدم، دیدم هوا روشن است. خود را بسیار ملامت کردم که در چنین شبی که باید همه‌اش در مصیبت امیرالمؤمنین علیه السلام اندوهگین باشم، چرا خوابیدم و از عبادت محروم شدم؟

در آن اثنا متوجه شدم که نماز جماعت برپاست؛ دو صف تشکیل شده و یک نفر بر آن‌ها امامت نموده است.

یکی از آن جمع مرا به اقامه جماعت سفارش کرد و گفت: این جوان را با خود ببرید. ایشان فرمود:

«او دو امتحان در پیش دارد، یکی در سال چهل و دیگری در سال هفتاد».^(۱)

در این هنگام من برای وضو ساختن از مسجد بیرون رفتم، چون به مسجد بازگشتم، دیدم هوا کاملاً تاریک است و اثری از آن گروه نیست. تازه من به خود آمدم و متوجه شدم که:

۱. آن سید بزرگواری که استراحت نموده بود، همان سید عالم و حجت منتظر، امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده است.

۲. نوری که بر دیوارها ساطع بود، نور امامت و ولایت بود.

۳. نماز جماعت به امامت آن حضرت برگزار بود.

۴. آن گروه خواص اصحاب آن حضرت بوده‌اند.

۵. روشنی هوا نیز به جهت نور جمال باهر النور آن حضرت بوده است.

۶. کسی که برای آن حضرت آب آورده بود، از طریق اعجاز بوده

۱. یعنی: سال ۱۳۴۰ هـ. و ۱۳۷۰ هـ.

است.^(۱) این داستان دنباله بسیار لطیفی دارد که در ضمن مطالب مربوط به «مسجد سهله» توسط آیه الله توحیدی، از شخص مرحوم کوفی نقل گردید.

۱. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ملاقات با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ص ۲۸۳.

کوفه

روز ۱۲ رجب ۳۶ هـ. امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) وارد کوفه شده، آنجا را به عنوان پایتخت دولت علوی برگزید، و به زودی فرزند برومندش حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) به فرمان حق ۱۱۰ هـ. شده، با اصحاب و فرشتگان و مؤمنان از مکه مکرمه حرکت نموده، کوفه را به عنوان پایتخت حکومت جهانی خود انتخاب می‌کند، همه مؤمنان از اقطار و اکناف جهان در آن جا گرد می‌آیند و آنجا به مدت ۳۰۹ سال پایتخت دولت مهدوی (عج)، سپس پایتخت دولت خاندان عصمت و طهارت در دوران رجعت می‌شود. روایات فراوانی در قداست و فضیلت کوفه وارده شده، که با برخی از آنها در این نوشتار آشنا می‌شویم.

پایتخت دولت کریمه

دنیايي که در آن زندگي می‌کنیم غم‌افزا و دردآلود است، سراسر



درد و اندوه است و آینده‌ای که در برابر دیدگانمان ترسیم می‌شود، تاریک، ابهام‌آمیز و یأس‌آور است.

انسان‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند و التهاب سوزان این «فردای بهتر» را با خود به گور می‌برند، لکن روزی دیگر، انسانی دیگر از راه می‌رسد و این امید بی‌پایان را از نو آغاز می‌کند.

این انتظار و امید به نوار خاصی از زمان و مقطع خاصی از دوران محدود نمی‌باشد، بلکه همه انسان‌ها، در همه اعصار و امصار، در تب و تاب این انتظار سوخته و می‌سوزند، تا روزی آن دست نیرومند الهی از آستین غیبت بیرون آید و آرزوی دیرینه جامعه بشری را برآورده و رؤیاهای طلایی افلاطون را جامعه عمل پوشانده، جامعه‌ای برتر از «مدینه فاضله» در پهن دشت جهان هستی، بر اساس عدالت و آزادی بنیاد نهد.

اگر نقاش‌های چیره دست روزگار دور هم نشینند و تابلویی به پهنای فلک ترسیم نمایند، هرگز نتوانند که فرازهای برجسته جهان پرفروغ عصر ظهور را منعکس نمایند، که سیمای دل‌ربای آن جمال الهی در آئینه بشری منعکس نشود.

مانیز در این سطور در پی آن نیستیم که دورنمای حکومت واحد جهانی آن امام نور را در این نوشتار منعکس نماییم، بلکه می‌خواهیم با اقتباس از سخنان نغز و پرمغز پیشوایان معصوم علیهم‌السلام گامی هر چند کوتاه، در ارایه سیمای تابناک «پایتخت دولت کریمه»

برداشته، در محضر خوانندگان دل آگاه، در کوچه و بازار شهر باستانی «کوفه» به گشت و گذار پردازیم.

فرمان ظهور

در شب ۲۳ ماه رمضان، که مصادف با شب آدینه است، پیک وحی، حضرت جبرئیل امین، بین زمین و آسمان، فرمان ظهور آن واپسین امام نور را با نام و نام پدرش (امام حسن عسکری) به جهانیان اعلام می‌دارد.

این آوای روح‌بخش در سرتاسر گیتی از شرق و غرب عالم به گوش همه انسان‌ها می‌رسد.

هیچ خفته‌ای نمی‌ماند جز این که بیدار می‌شود، هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند، جز این که بر می‌خیزد و هیچ ایستاده‌ای نمی‌ماند جز این که به حرکت درمی‌آید.^(۱)

جالب است که این بانگ آسمانی را هر کسی به زبان مادری خود می‌شنود.^(۲) نخستین نغمه‌ای که گوش جان را نوازش می‌دهد، این نغمه است که توسط یوسف زهرا در سرتاسر جهان شنیده می‌شود:

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰.



﴿ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾^(۱)

بقیه الله برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.

آنگاه آن آخرین بازمانده از حجّت‌های پروردگار، در حالی که بر خانه خدا تکیه نموده، خطاب به همه انسانها می‌فرماید:

إِنَّا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ^(۲)

اینک بقیه الله، خلیفه الله و حجت خدا بر شما منم.

آنگاه ۳۱۳ تن اصحاب خاص حضرت بقیه الله (عج) که فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می‌باشند، در خدمت آن حضرت گرد می‌آیند. در دست هر یک از آنها شمشیری است که نام، نام پدر، سیرت، حسب و نسب صاحبش بر آن نبشته شده است.^(۳)

نخست جبرئیل امین دست آن حضرت را به عنوان «بیعت» می‌فشارد، آنگاه اصحاب خاص، که ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر هستند، با آن حضرت بیعت می‌کنند.^(۴)

یک بار دیگر بانگ جبرئیل در فضا طنین انداز می‌شود که: «الْبَيْعَةُ

۱. سورة هود، آیه ۸۶.

۲. اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۲۹۲.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۱۳.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۴.

«الله» (۱)

سه روز در مکه اقامت می‌کند، از مردم بیعت می‌گیرد، روز چهارم به استار کعبه آویخته، از خداوند منان طلب یاری نموده، به سوی مدینه منوره حرکت می‌کند. (۲)

با ده هزار لشکر مجهز و منظم وارد مدینه شده، اصلاحات خود را آغاز نموده، مردم ستم دیده و رنج کشیده جهان که در زیر فشار جنگ، ستم، تحقیر و تبعیض به ستوه آمده‌اند، با دمیدن فجر امید و دیدن روزنه‌های، سیل آسا به سوی آن مصلح غیبی می‌شتابند و دست بیعت به دست با کفایت یداللهی‌اش می‌دهند.

اگر چه آن مصلح آسمانی از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده نمی‌کند، ولی با رعبی که خداوند از او بر دل جهانیان می‌اندازد، بر همه قدرتهای اهریمنی جهان فایق آمده، فتنه‌ها و شورش‌ها را از ریشه و بن برانداخته، پرچم همیشه پیروز را بر افراشته، به سوی مرکز حکومت حق، قبه الاسلام کوفه حرکت می‌کند.

ابزار و اداوت جنگی آن امام نور در هنگامه ظهور سه سپاه نیرومند است:

۱- فرشته‌هایی که روز بدر به یاری پیامبر ﷺ شتافتند. (۳)

۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۶۹.

۲. دلائل الامامه، ص ۴۵۵.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۹۶.



۲- انصار با ایمان و یاران با اخلاصی که با عزمی آهنین و اراده‌ای فولادین از آن حضرت حمایت می‌کنند.^(۱)

۳- رعبی که خداوند از آن حضرت بر دل دشمنان می‌اندازد، این رعب مسافت یک ماه را از جلو، راست و چپ فرا می‌گیرد.^(۲)

پیشینه پایتختی کوفه

قبة الاسلام کوفه به تاریخ ۱۲ رجب ۳۶ هـ. با ورود مولای متقیان امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) به عنوان پایتخت حکومت علوی در آمد.^(۳)

پس از شهادت آن حضرت، در حدود شش ماه،^(۴) پایتخت حکومت امام حسن مجتبی علیه السلام بود و اینک در انتظار ظهور آن امام نور است، تا یک بار دیگر تداوم بخش حکومت عدل علوی، بر سریر عدالت تکیه داده، جهان را پر از عدل و داد کند، طومار عمر ستمگران را در نوردد، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی بنیان نهد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۴۶۱.

۳. وقعة صفین، ص ۳.

۴. از ۲۱ رمضان ۴۰ هـ. تا ۲۵ ربیع الاول ۴۱ هـ.

پایتخت دولت کریمه

از پیشوای به حق ناطق، امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند: محلّ اقامت حضرت مهدی (عج) و محلّ اجتماع مؤمنان در هنگامه ظهور کجا خواهد بود؟ فرمود:

دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ، وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا، وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ سَهْلَةٍ، وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الذِّكْوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغُرَيِّينَ؛^(۱)

مرکز حکومت‌اش «کوفه»، مرکز قضاوت و دادرسی‌اش مسجد اعظم کوفه، ستاد بیت‌المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان مسجد سهله، محل مناجات و خلوتش تپه‌های سپید غریین (نجف اشرف) می‌باشد.

امام صادق علیه السلام پس از تشریح هنگامه ظهور و بیعت مردمان از اقطار و اکناف جهان، می‌فرماید:

ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُ عَلَى نَجْفِهَا، ثُمَّ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ مِنْهَا إِلَى الْأَمْصَارِ لِدَفْعِ عُمَالِ الدِّجَالِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتِ جَوْرًا وَ ظُلْماً؛^(۲)

آنگاه به سوی کوفه می‌رود و در نجف کوفه سکنی می‌گزیند، سپس سپاهیان‌ش را از آنجا به اقطار و اکناف

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱؛ حلیة الابرار، ج ۵، ص ۳۸۴.

۲. گزیده کفایة المهدی، ص ۲۸۷.



جهان گسیل می دارد تا به دفع عمّال دجّال بپردازند. پس
زمین را پر از عدل و داد نماید، آن گونه که پر از ظلم و ستم
شده باشد.

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عليه السلام عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ
مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جَبْرَائِيلُ عَنْ
يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ
هُوَ يُقَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ؛^(۱)

گویی قائم علیه السلام را به چشم خود می بینم که با پنج هزار
فرشته، از مکه به سوی نجف کوفه رفته، جبرئیل در
طرف راست و میکائیل در طرف چپ و مؤمنان در پیش
روی آن حضرت قرار دارند، از آن جا سپاهیان را به
سوی کشورها گسیل می دارد.

و در حدیث دیگری فرمود:

يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَ فِيهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ،
فَتَصْفُوهُ وَ يَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِنْبَرَ فَيَخْطُبُ، فَلَا
يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ؛^(۲)

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ غیبت طوسی، ص ۴۶۹؛

روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۹۱؛ کشف الغمه، ج

در حالی که سه پرچم در کوفه به شدت درگیر است، او وارد کوفه می‌شود، پس کوفه برای او مسخر می‌شود، او وارد کوفه شده بر فراز منبرش قرار گرفته، به ایراد خطبه می‌پردازد، مردم آن قدر اشک شوق می‌ریزند که متوجه سخنان او نمی‌شوند.

امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی می‌فرماید:

ثُمَّ يَقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا؛^(۱)

آنگاه به سوی کوفه روی می‌آورد و اقامتگاهش را در آنجا قرار می‌دهد.

و در فراز دیگری از این حدیث می‌فرماید:

يَسْكُنُ هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الرَّحْبَةَ؛^(۲)

او و اهلبیتش در «رُحْبَه» سکونت می‌کنند.^(۳)

و در پایان می‌افزاید:

۲، ص ۴۳۶: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۵: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۲. همان.

۳. رُحْبَه در لغت به معنای پهن دشت، چمن زار، بستان، جالیز، تاکستان و سرزمین سبز

و خَرَم می‌باشد، و «رُحْبَه» نام سرزمین‌های فراوان، از جمله نام محلی در یک منزلی

کوفه بر کرانه رودخانه قادسیه می‌باشد. [لسان العرب، ج ۵، ص ۱۶۶: معجم البلدان،

ج ۳، ص ۲۳].



وَالرُّحْبَةُ إِنَّمَا كَانَتْ مَسْكَنَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهِيَ أَرْضٌ طَيِّبَةٌ
وَلَا يَسْكُنُ رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَقْتُلُ إِلَّا بِأَرْضِ
طَيِّبَةٍ زَاكِيَةٍ، فَهُمْ الْأَوْصِيَاءُ الطَّيِّبُونَ؛^(۱)

«رُحْبَه» اقامتگاه حضرت نوح عليه السلام بود. آنجا سرزمین
پاکیزه‌ای است و هرگز هیچ یک از آل محمد عليه السلام جز در
یک سرزمین مقدس سکنی نمی‌کند، و جز در یک
سرزمین پاک و پاکیزه به شهادت نمی‌رسد.

از امام باقر عليه السلام پرسیدند: پس از مکه و مدینه کدامین بقعه از بقاع
پروردگار افضل است؟ فرمود: «کوفه» سپس در ضمن شمارش
ویژگی‌های کوفه فرمود:

وَفِيهَا يَظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ، وَفِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ، وَالْقَوَامُ
مِنْ بَعْدِهِ، وَهِيَ تَكُونُ مَنَازِلَ النَّبِيِّينَ وَالْأَوْصِيَاءِ
وَالصَّالِحِينَ؛^(۲)

عدالت خداوند در آنجا ظاهر می‌شود، و قائم (عج) و
دیگر قائمان - قیام‌کنندگان به قسط - که پس از او
می‌آیند، در آن جا ساکن می‌شوند.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱؛ مزار شیخ مفید، ص ۱۸؛ کامل الزیارات، ص ۳۰؛
المزار الکبیر، ص ۱۱۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۷۸؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۵؛
بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸؛ حلیة الابرار، ج ۵، ص ۳۴۰.

آن جا اقامتگاه انبیاء، اوصیا و صالحان خواهد بود.

منظور از «قائممان بعد از او» احتمالاً پیشوایان هدایت‌گر بعد از آن حضرت می‌باشند، چنانکه شیخ مفید فرموده:

«بعد از حضرت قائم علیه السلام برای احدی فرمانروایی نیست، به جز آنچه در روایات آمده که فرزندان اش به آن امر قیام می‌کنند، اگر خداوند بخواهد». (۱)

سید مرتضی علم الهدی نیز در این رابطه می‌فرماید:

«ممکن است پس از آن حضرت پیشوایانی باشند که برای حفظ دین و حراست از مصالح مسلمین قیام کنند، و این موضوع موجب نمی‌شود که ما از دوازده امامی بودن بیرون برویم، زیرا ما به شناخت ۱۲ امام معصوم مکلف هستیم...». (۲)

شیخ صدوق در این رابطه حدیثی نقل کرده که ابهام حدیث فوق را از بین می‌برد:

ابوبصیر گوید: به محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: من از پدر بزرگوارتان شنیدم که فرمود:

يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا؛

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.

۲. رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۱۴۶.

بعد از قائم علیه السلام دوازده هدایت‌گر خواهد بود.

امام فرمود:

انما قال: اثنا عشر مهدياً و لم يقل: اثنا عشر إماماً؛

او فرمود که دوازده «هدایت‌گر» و نفرمود: دوازده امام.

سپس فرمود:

آنها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و شناخت حق ما دعوت می‌کنند. (۱)

شیخ طوسی حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در فرازی از آن می‌فرماید:

يا أبا حمزة إنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا مِنْ وَلَدِ

الحسين علیه السلام؛ (۲)

ای ابا حمزه بعد از قائم علیه السلام از ما یازده هدایت‌گر از نسل حسین علیه السلام خواهد بود.

در این رابطه شیخ حرّ عاملی به تفصیل سخن گفته، (۳) نگارنده نیز در زمینه روایات وارده پیرامون فرزندان حضرت ولی

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۸؛ مختصر البصائر، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۵.

۳. الايقاظ من الهجعه، ص ۳۶۲ - ۳۷۱.

عصر (عج) به تفصیل سخن گفته است.^(۱)

اما جمله: «وَهِيَ تَكُونُ مَنَازِلَ النَّبِيِّينَ...؛ آنجا اقامتگاه پیامبران، اوصیای پیامبران و صالحان خواهد شد» در حدیث سابق، اشاره به عالم رجعت است.

آیات فراوانی از قرآن به رجعت تفسیر شده، احادیث فراوانی از پیشوایان معصوم رسیده، که بی‌گمان بیش از حدّ تواتر است،^(۲) بلکه به تعبیر شیخ حرّ عاملی جزو ضروریات مذهب شیعه می‌باشد.^(۳) و همه علمای شیعه بر آن اتفاق نظر دارند و به اصطلاح مسأله اجماعی می‌باشد.^(۴)

بر اساس روایات فراوانی که در ذیل آیه ۸۱ از سوره آل عمران وارد شده، همه پیامبران رجعت می‌کنند و تحت فرمان امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) قرار می‌گیرند.^(۵)

در روایات دیگری از اوصیای پیامبران، از جمله «یوشع بن نون» به صراحت نام برده شده که رجعت می‌کنند و از یاران

۱. جزیره خضرا، ص ۳۸-۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳؛ بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۷۵.

۳. الايقاظ من الهجعه، ص ۸۲.

۴. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۵.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۳۴؛ تفسیر صافی، ج ۲،

ص ۷۲؛ مختصر البصائر، ص ۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۱.

حضرت صاحب الزمان می باشند.^(۱)

در این روایات از سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله، مالک اشتر، اصحاب کهف و جمعی دیگر از صالحان به صراحت یاد شده و تصریح شده که رجعت خواهند نمود.^(۲)

در حدیثی مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عليه السلام، الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، وَ سَبْعَةً مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ يَوْشَعَ وَصِيَّ مُوسَى، وَ مُؤْمِنَ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ سُلَيْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَ أَبَادْجَانَةَ الْآتَصَارِيِّ وَ مَالِكَ الْأَشْطَرِّ؛^(۳)

چون قائم آل محمد علیه السلام قیام کند ۲۷ نفر را از پشت کوفه بیرون می آورد: ۱۵ تن از قوم حضرت موسی علیه السلام که به

۱. الارشاد، ج ۲ ص ۳۸۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. همان؛ دلائل الامامة، ص ۴۶۳؛ حلیة الابرار، ج ۵، ص ۳۰۳.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ دلائل الامامة، ص ۴۶۳؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶.

حق داوری می کردند و به حق، عدالت را رعایت می نمودند. ۷ تن اصحاب کُهِف، یوشع و صی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، و مالک اشتر.

روی این بیان قبة الاسلام کوفه در حدود شش سال در عهد امیر مؤمنان علیه السلام پایتخت دولت حقه بود، و در حدود شش ماه در عهد خلافت ظاهری امام حسن مجتبی علیه السلام پایتخت خلافت اسلامی بود و به مدت ۳۰۹ سال پایتخت حکومت و مقر فرماندهی حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - خواهد بود.

پایتخت دولت کریمه خاندان وحی در هنگامه رجعت

از روایات رجعت استفاده می شود که پایتخت دولت کریمه خاندان وحی در دوران رجعت نیز شهر کوفه خواهد بود و اینکه به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

مفضل در ضمن یک حدیث بسیار طولانی از امام صادق علیه السلام در زمینه رجعت سالار شهیدان نقل می کند که فرمود:

ثُمَّ يَسِيرُ بِتِلْكَ الرِّايَاتِ كُلِّهَا حَتَّى يَرْدَ الْكُوفَةَ وَ قَدْ جَمَعَ بِهَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا، فَيَجْعَلُهَا لَهُ مَعْقِلًا؛^(۱)

۱. مختصر البصائر، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۵.



امام حسین علیه السلام با این علم‌ها و لشکرها حرکت نموده،
وارد کوفه می‌شود، آن روز بیشتر مردمان در آن جا گرد
آمده‌اند، پس کوفه را سور دفاعی و مرکز فرماندهی خود
قرار می‌دهد.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا در ضمن خطبه مفصلی از
شهادت خود خبر داده، سپس از رجعت خویش گفت گو نموده، در
فرازی از آن فرمود:

فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَنْشَقُّ الْأَرْضَ عَنْهُ، فَأَخْرُجُ...؛

من نخستین کسی خواهم بود که زمین برایش شکافته
می‌شود، پس من بیرون می‌آیم...

و در ادامه می‌فرمایند:

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ عَيْنًا مِنْ دُهْنٍ وَ
عَيْنًا مِنْ مَاءٍ وَ عَيْنًا مِنْ لَبَنٍ؛^(۱)

آنگاه خداوند از مسجد کوفه چشمه‌ای از روغن،
چشمه‌ای از آب و چشمه‌ای از شیر بیرون می‌آورد.

از این خطبه امام حسین علیه السلام نیز استفاده می‌شود که پایتخت آن
حضرت در عهد رجعت در کوفه خواهد بود.

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۸؛ مختصر البصائر، ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳،
ص ۶۲.

در حدیث دیگری از رجعت‌های مختلف امیر مؤمنان، از جمله در عهد فرمانروایی امام حسین علیه السلام و دیدارش با اصحاب صفین در همان محل صفین، و حضور یکصد هزار نفر از اصحاب، که سی هزار نفرشان از کوفه می‌باشند، سخن رفته است.^(۱)

و در حدیث دیگری از فرا رسیدن مهلت ابلیس ﴿الْيَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^(۲) و نبرد امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) با وی در سرزمین «روحا»^(۳) در نزدیکی کوفه، و پیدایش دو باغ سرسبز ﴿جَنَّاتٍ مَّدَامَتَانِ﴾^(۴) در حوالی مسجد کوفه سخن رفته است.^(۵) پایتخت امیر مؤمنان علیه السلام در دوران رجعت، نجف اشرف (ظهر کوفه) خواهد بود.^(۶)

گستره پایتخت دولت کریمه

از ویژگیهای «کوفه» این پایتخت دولت کریمه اهل بیت گستره زمانی و مکانی آن است که تا کنون هیچ پایتختی در جهان از چنین

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۴.

۲. سوره حجر (۱۵)، آیه ۳۸.

۳. از روستاهای رُحبه در حوالی کوفه [معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۶].

۴. سوره الرحمن، آیه ۶۲-۶۴.

۵. مختصر بصائر، ص ۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۴۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳.

۶. مختصر البصائر، ص ۱۹۰.



گسترش و وسعت زمانی و مکانی برخوردار نبوده است.
اما از نظر گستره زمانی، بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام عمر دنیا یکصد هزار سال است، که بیست هزار سال آن مربوط به دشمنان اهل بیت و هشتاد هزار سال آن مربوط به خاندان عصمت و طهارت است.^(۱)

اهل تحقیق معتقد هستند که منظور از این حدیث بیان نسبت حکومت حقه اهل بیت در مقایسه با کل عمر کره زمین است، یعنی هشتاد درصد از کل عمر جهان مربوط به این خاندان و بیست درصد دیگر مربوط به دیگران است.

روایاتی که مدت رجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را پنجاه هزار سال،^(۲) امیر مؤمنان علیه السلام را چهل و چهار هزار سال،^(۳) و امام حسین علیه السلام را چهل هزار سال تعیین می کنند،^(۴) گواه بیان فوق می باشند.
آیا به جز کوفه پایتختی سراغ داریم که دوران پایتختی آن به بلندای هشتاد درصد عمر جهان باشد.

۱. الايقاظ من الهجعه، ص ۳۳۹؛ مختصر البصائر، ص ۲۱۲.

۲. تفسیر البرهان، ج ۱۰، ص ۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴؛ الايقاظ من الهجعه، ص ۳۳۸؛ منتخب الانوار المضيئه، ص ۲۰۲؛ الرجعه، استرآبادی، ص ۳۳؛ مختصر البصائر، ص ۴۹.

۳. همان.

۴. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ رجعت یا دولت کریمه اهل بیت، ص ۱۹۰.

نخستین کسی که در کوفه رحل اقامت افکنده، بر جهان هستی فرمانروایی می‌کند، خورشید جهان افروز امامت، کعبه مقصود و قبله موعود جهان خلقت، واپسین حجت حضرت احدیت، آخرین مصلح و منجی جهان بشریت، وجود اقدس حضرت بقیه الله (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا) می‌باشد، که به مدت سیصد و نه سال حکومت می‌کند.^(۱)

در واپسین روزهای عمر شریف حضرت بقیه الله (عج) سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با هفتاد و پنج هزار نفر از شیعیان^(۲) و هفتاد تن از شهدای کربلا رجعت می‌کند^(۳) و مدت فرمانروایی اش به قدری طول می‌کشد که ابروهایش روی دیدگان اش می‌افتد.^(۴)

با توجه به اعتقاد قطعی ما، که معصوم را جز معصوم غسل نمی‌دهد، در احادیث فراوانی تصریح شده که غسل و کفن و دفن حضرت ولی عصر (عج) توسط امام حسین علیه السلام انجام خواهد شد.^(۵)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ گزیده کفایة المتهدی، ص ۳۰۵.
۲. تفسیر البرهان، ج ۸، ص ۴۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶؛ الرجعه، ص ۱۸۸.
۳. الکافی، ج ۸، ص ۱۷۵؛ تفسیر العیاشی، ج ۳، ص ۳۷.
۴. مختصر البصائر، ص ۲۹؛ تفسیر البرهان، ج ۷، ص ۳۷۶؛ الرجعه، ص ۶۱.
۵. الکافی، ج ۸، ص ۱۷۵؛ تفسیر البرهان، ج ۶، ص ۵۱؛ حلیة الابرار، ج ۵، ص ۴۲۴.

آنگاه مولای پرواپیشگان امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) رجعت نموده، به مدت چهل و چهار هزار سال فرمانروایی می‌کند. (۱)

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که رجعت رسول اکرم ﷺ هم زمان با دوران فرمانروایی امیر مؤمنان علی علیه السلام خواهد بود. (۲)

روی این بیان فرمانروایی پیشوایان معصوم در دوران رجعت ده‌ها هزار سال به طول خواهد انجامید، از این رهگذر گستره زمانی پایتختی کوفه به بلندای آفتاب بوده، هشتاد درصد عمر جهان را فرا خواهد گرفت.

گستره مکانی کوفه

کوفه به سال ۱۷ هجری به صورت سرزمین شتزاری بود که در آن سه دیر وجود داشت. (۳)

سلمان فارسی و حذیفه بن یمان، پس از فتح مداین به دنبال محل مناسبی بودند که به سبک شهرسازی نوین بنیاد گردد و مرکزی

تفسیر العیاشی، ج ۳ ص ۳۷؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۳۸۸؛ مختصر البصائر، ص ۴۸؛ الرجعه، ص ۹۲.

۱. منتخب الانوار المزیئه، ص ۲۰۲؛ الايقاظ من ההجعه، ص ۳۳۸.

۲. تفسیر البرهان، ج ۱۰، ص ۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴.

۳. به نامهای: حرقه، ام عمرو، و سلسله [تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۶].

برای استقرار سپاه باشد.

هنگامی که سلمان و حذیفه به سرزمین کوفه آمدند و دیرها را دیدند، آنجا را پسندیدند، دست به دعا برداشتند و عرض کردند: ای خدای زمین و آسمان، ای خدای باد و باران، ای خدای اختران فروزان، ای خدای خشکی‌ها و دریاها... این کوفه را برای ما مبارک بگردان و آن جا را محل آسایش و آرامش قرار بده.^(۱)

به دنبال صلاح دید سلمان و حذیفه، اهالی مداین، از محرم ۱۷ هـ. دسته دسته به سوی کوفه کوچ کردند و قبایل دیگر از اقطار و اکناف در کوفه گرد آمدند و شهرسازی کوفه به صورت مدرن آغاز گردید.

نخستین بنایی که با نقشه و برنامه در کوفه تأسیس گردید، مسجد اعظم کوفه بود که به صورت مربع بنیاد گردید.^(۲) آنگاه قصر (دارالاماره)، بازارها و محل بیت‌المال در مقابل محراب مسجد ساخته شد.^(۳)

مسجد کوفه نخست برای چهل هزار نفر ساخته شد، سپس برای شصت هزار نفر توسعه یافت.^(۴)

۱. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۴۶، حوادث سال ۱۷ هـ.

۲. همان، ص ۱۴۸.

۳. همان، ص ۱۴۹.

۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.



شهر کوفه به سرعت توسعه یافت و مساحت آن به پانزده کیلومتر در نه کیلومتر رسید.^(۱)

مولای متقیان در تاریخ دوازده رجب سی و شش هجری وارد کوفه شده، آن جا را به عنوان مقرّ حکومت و پایتخت خلافت خود برگزید^(۲) و بدین سان دوران شکوفایی و شهرت جهانی آن آغاز گردید و شمار ساکنان آن به یک میلیون نفر رسید.^(۳)

هنگامی که آن دست نیرومند الهی از آستین غیبت بیرون آمده، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی بنیاد نهاده، کوفه را به عنوان پایتخت دولت کریمه قرار دهد، قطر آن به ۵۴ میل (در حدود ۱۱۰ کیلومتر) خواهد رسید.^(۴)

روزی امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) با جمعی از اصحاب وارد حیره شد، با دست مبارکش به سوی کوفه و حیره اشاره نمود و فرمود:

لَتَصِلَنَّ هَذِهِ بِهَذِهِ؛^(۵)

بی تردید این دو شهر به یک دیگر خواهد پیوست.

۱. دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱۰، ص ۳۶.

۲. وقعة صفین، ص ۳.

۳. به نقل مرحوم آیه الله سید محمد شیرازی.

۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ
مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ، وَ اتَّصَلَتْ بِيُوتِ أَهْلِ الْكُوفَةِ
بِنَهْرِ كَرْبَلَا؛^(۱)

چون قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، در پشت کوفه (نجف اشرف) مسجدی بنیاد می‌نهد که دارای هزار درب می‌باشد و خانه‌های اهل کوفه به دو نهر کربلا متصل می‌شود.

و در حدیث دیگری فرمود:

إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ اشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...، وَيَبْنِي
فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَ تَتَّصِلُ بِيُوتِ
الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَا وَ بِالْحَيْرَةِ؛^(۲)

چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن گردد... در ظهر کوفه مسجدی بنیاد نهد که برای آن هزار درب باشد، و خانه‌های کوفه به حیره و رود کربلا متصل گردد.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ منتخب الانوار المضيئه،

ص ۱۹۰؛ گزیده کفایة المهتدی، ص ۳۰۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص

امام باقر علیه السلام در همین رابطه می فرماید :

هنگامی که دومین جمعه فرا می رسد، مردم عرضه می دارند: ای فرزند رسول خدا نماز در پشت سر شما، همانند نماز در پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد و مسجد گنجایش ما را ندارد.

حضرت ولی عصر (عج) چاره اندیشی می کند، به سوی نجف اشرف حرکت نموده، مسجدی را پی ریزی می کند که هزار درب داشته، همگان را در خود جای دهد.^(۱)

این حدیث با سند دیگری نیز با اندک تفاوتی در تعبیر، از آن حضرت روایت شده است.^(۲)

شهر کوفه در اوایل تأسیس شامل هشتاد هزار خانه مسکونی بود، که پنجاه هزار از آنها، از آن دو قبیله ربیعه و مضر، بیست و چهار هزار از آنها برای دیگر قبایل و شش هزار از آنها اختصاص به یمنی ها داشت،^(۳) ولی چون به صورت پایتخت دولت کریمه درآید، همه مؤمنان در آن گرد آیند، چنانکه در احادیث فراوان به آن تصریح شده است:

۱- یَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا بِالْكُوفَةِ أَوْ

۱. همان.

۲. الارشاد، ج ۲ ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷.

۳. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۲.

يَحْنُ إِلَيْهَا؛^(۱)

برای مردمان روزی فرامی‌رسد که هیچ مؤمنی نباشد،
جز این که در کوفه باشد و یا دلش به سوی آن پرکشد.

۲- حَتَّى يَأْتِيَ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا بِهَا أَوْ يَحْنُ إِلَيْهَا؛^(۲)

تا روزی فرارسد که همه مؤمنان در آن باشند و یا به سوی
آن پرکشند.

۳- إِذَا دَخَلَ الْقَائِمُ الْكُوفَةَ، لَمْ يَبَقْ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَهُوَ بِهَا أَوْ

يَجِيءُ إِلَيْهَا؛^(۳)

هنگامی که قائم (عج) وارد کوفه شود، هیچ مؤمنی
نمی‌ماند، جز این که در آن جا باشد و یا به سوی آن
عزیمت نماید.

۴- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَدَخَلَ الْكُوفَةَ لَمْ يَبَقْ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَهُوَ

بِهَا؛^(۴)

چون قائم عليه السلام قیام کند و وارد کوفه شود، هیچ مؤمنی
نمی‌ماند، جز این که در آنجا قرار بگیرد.

۱. دلائل الامامه، ص ۴۶۳؛ نوادر المعجزات، ص ۱۹۸.

۲. رجال الکشی، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۹.

۳. غیبت طوسی، ص ۴۵۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۴؛ الانوار المضيئه، ص ۱۹۰؛

الخرائج والجرائع، ج ۳، ص ۱۱۵۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

۵- لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَجْتَمَعَ كُلُّ مُؤْمِنٍ بِالكُوفَةِ؛^(۱)

قیامت برپا نشود جز این که همه مؤمنان در کوفه گرد آیند.

با توجه به آمار انسانها، و طول مدت حکومت حقه و گستره حکومت آن حضرت به شرق و غرب جهان، گرد آمدن همه مؤمنان در پایتخت، از وسعت شکوهمند بی نظیر و بیرون از حد تصور شهر کوفه در عصر ظهور حکایت می کند.
امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ تِسْعَ سِنِينَ، كَمَا لَبَثَ أَهْلُ
الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا، كَمَا
مُلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، وَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ
غَرْبَهَا؛^(۲)

قائم علیه السلام سیصد و نه سال فرمانروایی می کند، همان مقدار که اصحاب کهف در کهف درنگ کردند، زمین را پر از عدل و داد کند، آن گونه که پر از ظلم و ستم شده است. خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح می کند.

برای توجیه امکان گرد آمدن همه مؤمنان در کوفه احتمالاتی

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۷۴؛ دلائل الامامه، ص ۴۵۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

هست، که با ذکر دو مقدمه کوتاه به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- به طوری که در روایات فراوان آمده بسیاری از مردمان پیش از ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) به وسیله جنگ، سیل، طوفان، زلزله، طاعون، وبا و دیگر بلاهای زمینی و آسمانی از بین می روند.^(۱)

۲- دیگر کشورها از بین نمی روند، بلکه با دست حضرت بقیه الله (عج) گشوده شده، توسط فرستاده های آن حضرت اداره می شوند.

برای اداره هر کشوری یکی از یاران اش را می فرستد و می فرماید:

عَهْدُكَ فِي كِفِّكَ وَ اَعْمَلْ بِمَا تَرَى؛^(۲)

پیمان تو در کف دست تست، هر چه [در آن] ببینی به آن عمل کن.

پس از این دو مقدمه کوتاه عرض می کنیم:

۱- شاید در هنگامه ظهور تعداد مؤمنان از چند صد میلیون افزون تر نباشد و اداره آنها در یک شهر و خدمت رسانی به آنها با

۱. الفتن مروزی، ج ۲، ص ۶۱۲؛ الملاحم ابن المنادی، ص ۱۱۲، الفتن و الملاحم،

ص ۵۶؛ معجم الملاحم و الفتن، ج ۴، ص ۲۹۱.

۲. دلائل الامامه، ص ۴۶۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳.

امکانات مدرن آن روز، ممکن باشد.

۲- شاید منظور از مؤمنان، مؤمنان خالص باشد و دیگر باورداران در دیگر مناطق تحت فرمان یاران اداره شوند.

۳- شاید شهرها و شهرک‌های فراوانی در گرداگرد کوفه ساخته شوند و مؤمنان در ام‌القرای آن شهرها، که همان کوفه باشد و دیگر شهرک‌های تابعه ساکن باشند.

با توجه به حکومت جهانی آن حضرت و گستره زمانی آن، و طول عمر مردم در عصر ظهور، که تا هزار تن از فرزندان خود را درک می‌کنند،^(۱) گستره پایتخت چنین حکومت جهان شمول، از محدوده تفکرات ما بیرون است. به امید روزی که حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی در پهن دشت گیتی بنیاد گردد، همه خوانندگان گرامی و عموم شیعیان شیفته و دلسوخته، آن روزگار همایون را با چشم خود ببینند و گستره شکوهمند آن را مشاهده کنند.

سیمای کوفه در آینه قرآن

شماری از آیات قرآن در کلام پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به شهر کوفه

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ غیبت طوسی، ص ۴۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵؛

کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳.

تفسیر و تأویل شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- ﴿ وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ امَهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ

ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ ﴾؛^(۱)

پسر مریم و مادرش را آیتی قرار دادیم، و آن دو را بر بلندایی جای دادیم که دارای قرارگاه و آب روان بود.

«رَبْوَةٌ» از منظر لغویین: جایگاه مرتفع، «ذاتِ قرار»: دارای

کوهپایه‌های وسیع و هموار، «مَعِين»: چشمه‌سار و آب روان می‌باشد.^(۲)

از مولای متقیان امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) روایت شده که فرمود: «رَبْوَةٌ» عبارت از «کوفه»، «قَرَار»: «مسجد کوفه» و «مَعِين»: «فرات» می‌باشد.^(۳)

کشاف الحقایق، امام جعفر صادق علیه السلام نیز در این رابطه فرمود: «رَبْوَةٌ» عبارت از «نجف کوفه» و «مَعِين» «فرات» است.^(۴)

۱. سورة المؤمنون (۲۳)، آیه ۵۰.

۲. التبیان، ج ۷، ص ۳۷۳.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۳۴؛ معانی الاخبار، ص ۳۷۳؛ تفسیر البرهان، ج ۷، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۹؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۷.

۴. مزار شیخ مفید، ص ۲۸؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۶؛ کامل الزیارات، ص ۴۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۸؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۸۲؛ تفسیر البرهان، ج ۷، ص ۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۰۵؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۱۷؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۸.



علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه فرموده:

«ربوه» عبارت از «حیره»، «ذات قرار و معین» عبارت از «کوفه» می باشد. (۱)

علامه طبرسی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده که منظور از «ربوه»؛ «حیره کوفه و مرغزارهای آن» و منظور از «قرار»؛ «مسجد کوفه» و منظور از «معین»؛ «فرات» می باشد. (۲)

روی این بیان تردیدی نمی ماند در این که جایگاه مرتفعی که پناهگاه حضرت عیسی و مادرش حضرت مریم بود، کوفه و پیرامون آن بوده است.

۲- ﴿وَالْتَيْنِ وَالزَيْتُونِ، وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ

الامین﴾؛ (۳)

سوگند به تین، زیتون، طور سینا و این شهر ایمن.

«تین» در لغت به معنای انجیر است، ولی مفسران آن را به مسجد الحرام، مسجد اقصی، مسجد دمشق، مسجد حضرت نوح بر فراز جودی، مسجد اصحاب کهف، عصر آدم و بلاد شام تفسیر

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۹۱.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۷۲؛ کنز الدقایق، ج ۹، ص ۱۹۱.

۳. سورة التین (۹۵)، آیه های ۱-۳.

کرده‌اند. (۱)

«زیتون» در لغت معلوم است، ولی از منظر مفسران به شام، بیت المقدس، بلاد شام، بلاد فلسطین، مسجد اقصی و عصر حضرت نوح علیه السلام تفسیر و تأویل شده است. (۲)

«طور سینین» همان طور سینا می‌باشد، که در این آیه «طور سینین» و در آیه‌ای دیگر «طور سینا» تعبیر شده است. (۳)

«طور» در لغت به معنای کوه است و ده بار در قرآن کریم تکرار شده است. (۴)

«البلد الامین» از منظر همه مفسران مکه مکرمه می‌باشد.

و اما ارتباط آیات با کوفه:

۱- ثعلبی از شهر بن حوشب نقل کرده که منظور از «تین»؛ کوفه می‌باشد. (۵)

۱. تفسیر الطبری، ج ۳۰، ص ۱۵۴؛ تفسیر القرطبی، ج ۲۰، ص ۱۱۰؛ تفسیر المراغی، ج ۳۰، ص ۱۹۴؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۵.

۲. همان.

۳. سورة المؤمنون (۲۳)، آیه ۲۰.

۴. البقره، ۶۳ و ۹۳؛ النساء، ۱۵۴؛ مریم، ۵۲؛ طه، ۸۰؛ المؤمنون، ۲۰؛ القصص، ۲۹ و ۴۶، الطور، ۱ و التین، ۲.

۵. تفسیر الثعلبی، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

۲ - بسیاری از مفسران عامه گفته‌اند که منظور از « تین »؛ مسجد حضرت نوح بر فراز جودی می‌باشد. (۱)

در تفاسیر فراوانی تصریح شده که منظور از « جودی » فرات کوفه می‌باشد. (۲)

۳ - به اتفاق مفسران، منظور از « طور سینین » همان طور سینا می‌باشد، که خداوند بر فراز آن حضرت موسی علیه السلام را مخاطب قرار داد و با او سخن گفت. سینا و سینین به معنای مبارک و زیباست (۳) و طور سینا و طور سینین یعنی؛ کوه مبارک و زیبا.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر سوره مبارکه « تین » فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً، فَقَالَ
عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَ هَذَا
الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴾؛ أَلْتَيْنُ الْمَدِينَةُ، وَالزَّيْتُونُ بَيْتُ
الْمَقْدِسِ؛ وَ طُورُ سِينِينَ الْكَوْفَةُ، وَ هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ؛
مَكَّةُ؛ (۴)

۱. تفسیر الطبری، ج ۳۰، ص ۱۵۴؛ تفسیر القرطبی، ج ۲۰، ص ۱۱۰؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۵.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۱۱.

۳. التبیان، ج ۱۰، ص ۳۷۵؛ تفسیر الطبری، ج ۳۰، ص ۱۵۵.

۴. معانی الاخبار، ۳۶۵؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۲۵. تفسیر الصافی، ج ۷، ص ۵۱۲؛

خداوند متعال چهار شهر را از میان شهرها برگزید و فرمود: «وَالْتَيْنِ...» که منظور از تین؛ مدینه، مقصود از زیتون؛ بیت المقدس، هدف از طور سینا؛ کوفه، و منظور از البلد الامین، مکه می باشد.

این حدیث شریف بیانگر آن است که «طور سینا» در ناحیه کوفه بوده است.

چنانکه احادیث دیگری نیز آن را تأیید می کند، از جمله: شیخ طوسی با اسناد خود حدیثی را از امام باقر علیه السلام پیرامون محل دفن مولای متقیان علیه السلام نقل کرده، که در آخر آن فرموده است:

وَهُوَ أَوَّلُ طُورِ سَيْنَاءَ؛^(۱)

آنجا اول طور سینا می باشد.

۳- ﴿وَغِيْضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى

الْجُودِيِّ﴾؛^(۲)

آب فرو شد، فرمان حق انجام پذیرفت و (کشتی نوح) بر جودی استقرار یافت.

از کوهی که کشتی حضرت نوح علیه السلام بر آن نشست، قرآن کریم به

تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷۷؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۰۵.

۲. سوره هود (۱۱)، آیه ۴۴.

«جودی» تعبیر کرده، در تورات از آن «آارات» تعبیر شده، ولی مفسران تورات تصریح کرده‌اند که واژه «آارات» در تورات به منطقه وسیعی گفته می‌شود که در میان رود ارس، دریاچه وان و دریاچه ارومیه قرار دارد، سپس اضافه می‌کنند:

موافق روایات، کشتی نوح بر این کوه قرار گرفت، این کوه بلند که آرامنه آن را «مسیس»، ترکها «آغری داغ»، ایرانیان «کوه نوح» اروپاییان «آارات» و اعراب آن را «جودی» می‌نامند، دارای دو قله است که یکی به مقدار چهار هزار پا از دیگری بلندتر است.^(۱)

یاقوت آن را در کرانه شرقی دجله از نواحی موصل معرفی کرده می‌نویسد: مسجد نوح تا به امروز بر فراز آن باقی است.^(۲)

مرحوم بلاغی می‌نویسد:

جودی کوهی است در نزدیکی موصل که با کوههای ارمنستان پیوسته واکراد در کنار آن زندگی می‌کنند، و آن را به زبان خود «کاردو» یا «جاردو» می‌نامند و یونانیان آن را تحریف کرده «جوردی» نامیده‌اند و چون به زبان عربی وارد شده، آن را تعریب کرده «جودی» نامیدند.^(۳)

مؤلفان دائره المعارف اسلامی تأکید دارند که جودی ربطی به

۱. قاموس کتاب مقدس، ص ۴۰، ماده «آارات».

۲. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳. قصص قرآن، ص ۳۴۸.

کوههای آرات ندارد، بلکه کوه مرتفعی است در منطقه «بُهتان»^(۱).

واژه بُهتان در اصل «بُختان» بود، در سفرنامه‌ها «بوتان» و «بُتان» آمده، در سریانی «بُتان» و «بُتان» تلفظ می‌شود و امروزه «بُهتان» نامیده می‌شود و در منابع مورد اعتماد به ساکنان آن منطقه «بُختی» اطلاق کرده‌اند.^(۲)

شمس‌الدین سامی افندی از آن «آغری داغی» تعبیر کرده، می‌نویسد: نقل می‌شود که مسجد حضرت نوح و برخی از بقایای کشتی نوح بر فراز آن موجود است.^(۳)
دکتر رحیم هویدا می‌نویسد:

به اعتقاد ارامنه نام شهر «نخجوان» در دامنه کوه آرات با ماجرای کشتی نوح مرتبط است، زیرا «نخ» به معنای کشتی و «جوان» به معنی محل استقرار می‌باشد، آنها معتقدند که کشتی نوح در این نقطه بر زمین نشسته و این شهر قدیمی‌ترین شهر دنیا می‌باشد.^(۴)

ولی در منابع قدیمی محل کوه جودی را در کرانه شرقی دجله،

۱. دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۱۶۱.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۵۳.

۳. قاموس الاعلام، ترکی، ج ۳، ص ۱۸۴۸.

۴. جغرافیای طبیعی آذربایجان، ص ۲۸.

در بین النهرین علیا نوشته‌اند.^(۱) و این مطابق است با نظر یاقوت که آن را در نزدیکی موصل دانسته است.^(۲)

در حدیثی از امام کاظم علیه السلام نیز روایت شده که جودی در نزدیکی موصل می باشد،^(۳) ولی امام صادق علیه السلام در فرازی از یک حدیث طولانی می فرماید:

« وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ » وَ هُوَ قُرَاتُ الْكُوفَةِ؛^(۴)

آنگاه بر کوه جودی استقرار یافت و آن همان فرات کوفه می باشد.

از طرح این سه آیه به این نتیجه رسیدیم که طور سینای حضرت موسی علیه السلام، پناهگاه مریم و حضرت عیسی علیه السلام و قرارگاه کشتی حضرت نوح علیه السلام در کوفه و پیرامون آن بود و به زودی پایتخت دولت کریمه در همان نقطه گسترده می شود.

به امید آن روز.

۱. سرزمین های خلافت شرقی، لسترنج گای، ص ۱۰۱.

۲. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳. تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۱۴۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۳۵؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۱۱؛ تفسیر البرهان، ج ۵،

ص ۱۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۴۰.

سیمای کوفه در آئینه روایات

در کلمات دُرر بار ائمه اطهار علیهم السلام احادیث فراوانی در فضیلت کوفه آمده است که به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- از امام باقر علیه السلام پرسیدند: پس از مکه و مدینه کدامین بقعه افضل است؟

فرمود: «کوفه»، سپس فرمود:

هِيَ الزَّكِيَّةُ الطَّاهِرَةُ، فِيهَا قُبُورُ النَّبِيِّينَ الْمُرْسَلِينَ وَغَيْرِ
الْمُرْسَلِينَ، وَالْأَوْصِيَاءِ الصَّادِقِينَ...؛^(۱)

کوفه پاک و پاکیزه است، قبور مطهر پیامبران مرسل و غیر
مرسل و اوصیای راستین در آن جاست.

۲- امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ؛^(۲)

کوفه حرم خدا، حرم پیامبر و حرم امیرالمؤمنین
(صلوات الله علیه) می‌باشد. یک نماز در آن معادل یک

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱؛ مزار مفید، ص ۱۸؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۳؛ روضة
الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۰؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۰.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۶؛ الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۷؛ مزار مفید، ص ۱۹؛ المزار الکبیر،
ص ۱۱۵؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۶؛ تهذیب
الاحکام، ج ۶، ص ۳۱؛ کامل الزیارات، ص ۲۹.



هزار نماز، و یک درهم در آن معادل یک هزار درهم است.

۳- رسول اکرم ﷺ فرمود:

الْكُوفَةُ جُمُجْمَةُ الْعَرَبِ وَ رُمَحُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ
كَنْزُ الْإِيمَانِ؛^(۱)

کوفه مغز عرب، نیزه خداوند منان و گنجینه ایمان است.

۴- حضرت سلمان هنگامی که از سرزمین کوفه عبور می کرد

فرمود:

اینجا قُبَّةُ الاسلام است.^(۲)

این تعبیر از رسول اکرم ﷺ در مورد مسجد کوفه روایت شده

است.^(۳)

مسعودی در علت نامگذاری کوفه به «قُبَّةُ الاسلام» از امام علی (ع) روایت می کند که حضرت نوح (ع) در وسط مسجد کوفه گنبدی زد، اهل و عیال و مؤمنان را آن جا اسکان داد، تا شهرها تأسیس گردید و فرزندان در شهرها اقامت گزیدند، پس کوفه «قُبَّةُ الاسلام» نامیده

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۱؛ النّهایه، ج ۱، ص ۲۰۸؛ بحارالانوار، ج ۶۵،

ص ۱۷۲؛ ج ۱۰۰، ص ۳۶۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۴.

۲. رجال کشی، ص ۲۰؛ بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۶.

۳. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۹.

شد. (۱)

۵- امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در فضیلت کوفه فرمود:

الْكُوفَةُ كَنْزُ الْإِيمَانِ وَ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ وَ سَيْفُ اللَّهِ وَ
رُوحُهُ، يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ؛ (۲)

کوفه گنجینه ایمان، حجت اسلام، شمشیر و نیزه خداوند
منان است، که هر کجا بخواهد آن را به کار بگیرد.

۶- از ابن عباس روایت شده که فرمود:

الْكُوفَةُ قُسطَاطُ الْإِسْلَامِ؛ (۳)
کوفه خیمه اسلام است.

۷- امام صادق علیه السلام به کسی که می خواست مکه یا مدینه را به
عنوان اقامتگاه خود انتخاب کند، فرمود:

عَلَيْكَ بِالْعِرَاقِ الْكُوفَةُ، فَانِ الْبَرَكَةَ مِنْهَا عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ
مِيلاً هَكَذَا وَ هَكَذَا...؛ (۴)

بر تو باد عراق، در کوفه سکونت کن که برکت در دوازده
میلی آن می باشد، این گونه - یعنی؛ از هر چهار طرف -.

۱. اثبات الوصیه، ص ۲۳.

۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۲.

۳. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۰۱.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۴؛ المزار الکبیر، ص ۳۴۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۴.

۸- امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرمود:

الْكُوفَةُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛^(۱)

کوفه باغی از باغهای بهشت است.

۹- از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

طِينَةُ شِيعَتِنَا مِنَ الْكُوفَةِ؛^(۲)

گِل شیعیان ما از کوفه است.

۱۰- در احادیث طینت آمده است:

طِينُ الْأَرْضِ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَالْكُوفَةَ وَبَيْتِ الْمَقْدِسِ

وَالْحَائِرِ؛^(۳)

گِل زمین از مکه، مدینه، کوفه، بیت المقدس و حائر

(حرم امام حسین علیه السلام) می باشد.

۱۱- امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در مدح کوفه فرمود:

وَيَحْكُ يَا كُوفَةُ، مَا أَطْيَبُكِ وَأَطْيَبَ رِيحُكِ؛^(۴)

ای کوفه! ترا چه می شود که این قدر پاکیزه ای و بویت این

قدر پاکیزه است؟

۱. فرحة الغری، ص ۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۷.

۲. الهدایه، ص ۱۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۰، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۴۹؛ ج ۶۱، ص ۴۶.

۴. خصائص الاثمه، ص ۱۱۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۳ و ۲۶۴.

۱۲- امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در این رابطه به نظم فرمود:

يَا حَبَّذَا السَّيْرِ بِأَرْضِ الْكُوفَةِ

أَرْضٌ سِوَاءَ سَهْلَةٍ مَعْرُوفَةٍ^(۱)

وہ چه زیباست گشت و گذار در سرزمین کوفہ، سرزمین
هموارِ خوش منظرِ خوشبو.

۱۳- امام صادق علیه السلام در مدح کوفہ فرمود:

ان الله اخْتَارَ من جميع البلادِ كُوفَةَ قُمْ و تَفْلِسَ؛^(۲)

خداوند از میان همه شهرها، کوفہ، قم و تفلیس را برگزید.

۱۴- امام حسن عسکری علیه السلام در این رابطه فرمود:

لَمْ يَضَعْ الرَّجُلُ فِي الْكُوفَةِ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ دَارٍ فِي
الْمَدِينَةِ؛^(۳)

جای پایی در کوفہ برای من، از خانه‌ای در مدینہ محبوب‌تر
است.

۱. العقد الفريد، ج ۶، ص ۱۳۷؛ النّهایه، ج ۳، ص ۲۱۷؛ بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۴۲۸؛
دیوان امیرالمؤمنین، ص ۱۱۱.

۲. تاریخ قم، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۶۰ ص ۲۱۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.

۱۵- امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

انَّ اللهَ احتَجَّ بالكوفةِ على سائرِ البلادِ، و بالمؤمنينَ
من أهلها على غيرهم؛^(۱)

خداوند با کوفه بر دیگر شهرها احتجاج نمود، و با مؤمنان
از اهل آن بر دیگران.

۱۶- و در حدیث دیگری فرمود:

مَنْ كَانَ لَهُ دَارٌ بالكوفةِ فليتمسك بِهَا؛^(۲)

هر کس در کوفه خانه‌ای داشته باشد، حتماً آن را نگه
بدارد.

۱۷- امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در مورد دفع بلاها از کوفه

فرمود:

يُدْفَعُ البلاءُ عنها كما يدفعُ عن أخِيَةِ النَّبِيِّ؛^(۳)

بلا از کوفه دفع می‌شود، آن گونه که از خیمه‌های
پیامبر صلی الله علیه و آله دفع می‌گردد.

۱۸- امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرمود:

۱. تاریخ قم، ص ۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۴.

۳. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۶۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۲.

إِذَا عَمَّتِ الْبَلَايَا، فَالْأَمْنُ فِي الْكَوْفَةِ وَنَوَاحِيهَا؛^(۱)

هنگامی که بلاها همگانی شود، امنیت در کوفه و اطراف آن است.

۱۹ - در حدیث دیگر از حوادث جانکاه و بلاهای خانمان سوز گفت و گو فرمودند، پرسیدند که در چنین شرایطی به کجا فرار کنیم؟ فرمود:

إِلَى الْكَوْفَةِ وَخَوَالِيهَا؛^(۲)

به سوی کوفه و اطراف آن.

۲۰ - رسول اکرم ﷺ در یک حدیث طولانی خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خداوند ولایت ترا به آسمانها عرضه نمود، آسمان هفتم سبقت جست: پس آن را با عرش زینت بخشید، سپس...؛

ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكَوْفَةُ، فَزَيَّنَهَا بِكَ؛^(۳)

آنگاه کوفه سبقت جست، پس آن را با وجود تو زینت بخشید.

۲۱ - امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در مورد پیوند ناگسستنی

۱. تاریخ قم، ص ۹۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۵.

۲. همان؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

۳. اقبال الاعمال، ص ۴۶۵؛ تاریخ قم، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۶۲؛ ج ۶۰،

ص ۲۱۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۴.



خود با کوفه می فرماید:

هَذِهِ مَدِينَتُنَا، وَ مَحَلُّنَا وَ مَقَرُّ شِيعَتِنَا؛^(۱)

اینجا شهر ما، جایگاه ما و اقامتگاه شیعیان ماست.

۲۲- امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرمود:

تُرْبَةُ تُحِبُّنَا وَ نُحِبُّهَا؛^(۲)

خاک کوفه ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست می داریم.

۲۳- و در حدیث دیگری فرمود:

برای خدا حرمی است و آن مکه است، برای پیامبر خدا حرمی است و آن مدینه است، برای امیر مؤمنان حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم می باشد.^(۳)

۲۴- و در حدیث دیگری با توضیح بیشتری فرمود:

وَ الْكَوْفَةُ حَرَمٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام. إِنْ عَلِيًّا علیه السلام حَرَمٌ مِنْ الْكَوْفَةِ مَا حَرَّمَ إِبْرَاهِيمُ مِنْ مَكَّةَ، وَ مَا حَرَّمَ مُحَمَّدٌ

۱. تاریخ الکوفه، ص ۶۳.

۲. همان.

۳. تاریخ قم، ص ۹۷؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

(صلى الله عليه و آله) مِنَ الْمَدِينَةِ؛^(۱)

کوفه حرم علی بن ابی طالب است، حضرت علی علیه السلام از کوفه حرام کرده، آن چه را که حضرت ابراهیم از مکه و حضرت محمد صلی الله علیه و آله از مدینه حرام کرده‌اند.

۲۵- مولای متقیان، خود در این رابطه فرمود:

مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ، وَالْمَدِينَةُ حَرَمُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَالْكُوفَةُ

حَرَمِي، لَا يَرِيدُهَا جَبَّارٌ بِحَادِثَةٍ إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ؛^(۲)

مکه حرم خدا، مدینه حرم رسول خدا و کوفه حرم من است، هیچ ستمگری در صدد ایجاد حادثه در آن بر نمی‌آید، جز این که خداوند ریشه‌کن‌اش می‌کند.

۲۶- امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

اَللّٰهُمَّ اَرِم مِّنْ رَّمَاهَا وَ عَادِ مِّنْ عَادَاهَا؛^(۳)

بار خدایا! هر کس کوفه را بزند او را بزن و هر کس آن را دشمن بدارد او را دشمن بدار.

۱. امالی شیخ طوسی، ص ۶۷۲؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۶۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۲؛ جامع الاخبار، ص ۶۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۰.

۳. تاریخ کوفه، ص ۶۳.

کوفه و پیرامون

آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت، شماری از احادیث پیشوایان معصوم علیهم السلام پیرامون «کوفه» بود، در این رابطه احادیث فراوان دیگری هست که در مورد مناطق وابسته و نواحی پیوسته به کوفه از امامان نور علیهم السلام صادر گشته است که به جهت محدود بودن صفحات کتاب از آن‌ها صرف نظر نموده، به چند نمونه از احادیث وارده پیرامون «ظهر کوفه» بسنده می‌کنیم:

۲۷- مولای متقیان، امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) در مورد ظهر کوفه که همان نجف اشرف می‌باشد، فرمود:

يُحْشَرُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعُونَ أَلْفًا عَلَى غَرَّةِ الشَّمْسِ،
يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛^(۱)

از ظهر کوفه هفتاد هزار نفر همانند قرص خورشید در نخستین لحظات طلوع آن برانگیخته می‌شوند که بدون حساب وارد بهشت شوند.

۲۸- و در همین رابطه خطاب به شهر کوفه فرمود:

مَا أَحْسَنَ ظَهْرَكَ وَأَطْيَبَ قَعْرَكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَبْرِي
بِهَا؛^(۲)

۱. وقعة صفین، ص ۱۲۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۲۵؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۷۷؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۷.

۲. فرحة الغری، ص ۲۲؛ موسوعة العتبات المقدسة، ج ۶، ص ۷۱.

ای کوفه، چه پشت خوب (نجف) وه چه اندرون خوبی
داری، بار خدایا قبر مرا در آن قرار ده.

از ده‌ها حدیث مربوط به قبر مطهر مولای متقیان به یک حدیث
بسند می‌کنیم:

۲۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

بِظَهْرِ الْكُوفَةِ قَبْرٌ لَا يَلُودُ بِهِ ذُو عَاهَةٍ إِلَّا شَفَاهُ اللَّهُ؛^(۱)

در پشت کوفه قبری هست که هیچ صاحب مرضی به آن
پناه نمی‌برد، جز این که خداوند او را شفا می‌دهد.

معجزات و کرامات باهره‌ای که در حرم مولای متقیان مشاهده
گردیده، بیرون از شمار است، فقط اشاره می‌کنیم که «ابن بطوطه»
می‌نویسد: از این روضه کرامت‌ها ظاهر می‌شود که منشأ عقیده
مردم بر این که قبر علی علیه السلام آنجاست همان کرامت‌ها می‌باشد. در
شب بیست و هفت رجب که «لیلة المحیا» می‌نامند، عراقیان،
خراسانیان، فارسیان و رومیان، سی تن و چهل تن، بعد از نماز
خفتن در آنجا گرد می‌آیند و بیماران افلیج و زمین گیر را کنار ضریح
مقدس می‌گذارند و خود به نماز و ذکر و قرآن می‌پردازند. چون
پاسی از شب گذشت همه مریض‌ها که شفا یافته و سالم شده‌اند،
برخاسته ذکر لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله می‌گویند.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷۷.

و این حکایت در میان آنان به حد افاضه رسیده، گرچه من خود آن شب را درک نکردم، داستان آن را از اشخاص مورد اعتماد شنیدم.^(۱) در اینجا فقط اشاره می‌کنیم که پیامبران فراوانی در نجف و کوفه مدفون هستند، از جمله حضرت آدم و حضرت نوح، که در داخل ضریح مقدس امیر مؤمنان علیه السلام مدفون می‌باشند.^(۲)

۳۰- در عظمت این مکان مقدس همین بس که مولای متقیان

فرمود:

أَوَّلُ بَقْعَةٍ عُبِدَ اللَّهُ عَلَيْهَا ظَهْرُ الْكَوْفَةِ، لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ
الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لِآدَمَ، سَجَدُوا عَلَى ظَهْرِ
الْكَوْفَةِ؛^(۳)

نخستین بقعه‌ای که خداوند بر فراز آن پرستش شده ظهر کوفه است. هنگامی که خداوند به فرشتگان امر فرمود که در برابر حضرت آدم علیه السلام سجده کنند، بر فراز ظهر کوفه او را سجده کردند.

۳۱- امام صادق علیه السلام در پشت کوفه در سه مورد از مرکب خود

۱. سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. اثبات الوصیه، ص ۱۴ و ۱۳۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲ و ۳۴؛ فرحة القرئ، ص ۴۸؛ الهدایه، ص ۱۱؛ الجعفریات، ص ۲۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۱۴؛ ج ۱۰، ص ۲۱۹.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۰؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۴۹؛ ج ۱۰۰، ص ۲۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶؛ جنات ثمانیه، ص ۳۰۲.

پیاده شد و در هر یک دو رکعت نماز گزارد. ابوالفرج سندی که در محضر بود عرضه داشت: این سه مورد که نماز گزاردید، کجا می‌باشند؟
فرمود:

أَمَّا الْأَوَّلُ فَمَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ الثَّانِي
مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ الثَّالِثُ مَوْضِعُ مَنبَرِ
الْقَائِمِ عليه السلام؛ (۱)

اما اولی محل قبر امیر مؤمنان، اما دومی محل سر مقدس سالار شهیدان و اما سومی محل منبر حضرت صاحب الزمان (صلوات الله علیه) می‌باشد.

۳۲- امام باقر عليه السلام در ضمن یک حدیث طولانی که در مورد کیفیت بنای کعبه معظمه توسط حضرت آدم عليه السلام به تفصیل سخن گفته، در مورد ارکان چهارگانه آن می‌فرماید:

فَرَفَعَ قَوَاعِدَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ بِحَجَرٍ مِنَ الصَّفا، وَ حَجَرٍ مِنَ
المروّة، وَ حَجَرٍ مِنْ طُورِ سِینَاءَ، وَ حَجَرٍ مِنْ جَبَلِ
السلام وَ هُوَ ظَهْرُ الْكُوفَةِ؛ (۲)

آنگاه پایه‌های بیت الله الحرام را با سنگی از صفا، سنگی

۱. موسوعة العتبات المقدسه، ج ۶، ص ۸۰؛ فرحه الغری، ص ۴۵.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۷؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۸۵ و ۲۰۹؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲۶.

از مروه، سنگی از طور سینا و سنگی از جبل السلام که همان پشت کوفه است، بنیاد نهاد.

۳۳- و در حدیث معراج آمده است که رسول اکرم ﷺ چون به «دار السلام»^(۱) در پشت کوفه رسیدند، جبرئیل عرضه داشت که اینجا مسجد پدرت آدم و عبادتگاه پیامبران است، فرود آی و در اینجا نماز بگزار، پس از براق پیاده شده نماز گزارده، آنگاه به سوی بیت المقدس عزیمت نمود.^(۲)

۳۴- سرزمین نجف اشرف به قدری شرافت دارد که سنگ ریزه‌های آن نگین افتخار عبادت کنندگان می‌باشد.

امام صادق علیه السلام به هنگام شمارش انگشتی‌هایی که بسیار فضیلت دارد، از دُر نجف یاد کرده می‌فرماید:

وَمَا يُظْهَرُهُ اللَّهُ بِالذَّكَاوَاتِ الْبَيْضِ بِالْغَرِيِّينَ؛^(۳)

و آنچه خداوند پدیدار می‌سازد در تپه‌های سفید غریین.

به تفصیل از پاداش آن بحث کرده می‌فرماید:

۱. در مورد «جبل السلام»، «دارالسلام» و «وادی السلام» ان شاء الله در فصل بعدی سخن خواهیم گفت.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ الکافی، ج ۸، ص ۲۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۶.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۷؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۱؛ فرحة الغری، ص ۷۱.

خداوند از روی رحمت گسترده‌اش به شیعیان، دُرّ نجف را به قدری فراوان کرده که به رایگان به دست همگان برسد.

سیمای اهل کوفه در آئینه روایات

با توجه به این که اهالی کوفه همواره پشتیبان اهل بیت عصمت و طهارت بوده‌اند، نکوهش‌های فراوانی در مورد آنها از سوی دشمنان به عمل آمده است و لذا احادیث مربوط به کوفه و ظهر کوفه را با روایاتی پیرامون «اهل کوفه» پی می‌گیریم:

۳۵- امام باقر علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

إِنْ وَلَايَتَنَا عُرِضَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ، فَلَمْ يَقْبَلْهَا قَبُولَ أَهْلِ الْكُوفَةِ شَيْءٌ؛^(۱)

ولایت ما به اهل شهرها عرضه شد، اهالی هیچ شهری همانند اهل کوفه آن را نپذیرفتند.

۳۶- امام رضا علیه السلام در مورد اهل کوفه فرمود:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ قَدْ اعْطَيْتُمْ خَيْرًا كَثِيرًا، وَإِنَّكُمْ لَمِئَنٌ

۱. امالی شیخ مفید، ص ۱۴۲؛ کامل الزیارات، ص ۱۶۷؛ ثواب الاعمال، ص ۱۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۱۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۱؛ ج ۶۰، ص ۲۰۹؛ ج ۱۰۱، ص ۱۴۰؛ بصائر الدرجات، ص ۹۷.



امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ؛ (۱) ۱۴۸

ای اهل کوفه به شما خیرهای فراوان عطا شده،
شما از کسانی هستید که خداوند دل‌هایشان را
آزموده است.

۳۷- امام حسین علیه السلام خطاب به اهل کوفه، در ایام جنگ صفین
فرمود:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَنْتُمْ الْأَحِبَّةُ الْكَرَمَاءُ، وَ الشُّعَارُ دُونَ
الدِّثَارِ؛ (۲)

ای اهل کوفه، شما دوستان گرانمایه، بسیار صمیمی و
خصوصی، نه ظاهری و بیگانه می‌باشید.

۳۸- امام سجاد علیه السلام در همین رابطه فرمود:

مَرْحَباً بِكُمْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَنْتُمْ الشُّعَارُ دُونَ الدِّثَارِ؛ (۳)
مرحبا به شما ای اهل کوفه، شما (همانند لباس زیرین)
صمیمی و خصوصی هستید، نه مانند جامه رویی (بیگانه
و ظاهری).

۱. ۱۴۸. مصباح‌المتجهّد، ص ۶۸۰؛ تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۲۴؛ مصباح‌الزائر، ص

۵۴؛ اقبال‌الاعمال، ص ۴۶۸؛ وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۹.

۲. وقعة صفین، ص ۱۱۴؛ بحار‌الانوار، ج ۳۲، ص ۴۰۵.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۹۸؛ الفقیه، ج ۱، ص ۶۶؛ مکارم‌الاخلاق، ص ۸۳؛ بحار‌الانوار،

ج ۷۶، ص ۱۰۳.

۳۹- امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

اهلُ خُرَاسَانَ أَعْلَامُنَا، اهل قُمِ انصارنا، وَ اهل کوفَةِ
أوتادُنَا، وَ اهلُ هَذَا السَّوَادِ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ؛^(۱)

اهل خراسان پیشتازان ما، اهل قم یاوران ما، اهل کوفه
تکیه گاههای ما و اهل این دیار (نواحی کوفه) از ما
هستند و ما نیز از آنها هستیم.

۴۰- مولای متقیان در نامه‌ای که به اهل کوفه نوشته‌اند، چنین
می نویسند:

مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ جَبْهَةً
الْانصَارِ وَ سَنَامِ الْعَرَبِ؛^(۲)

از بنده خدا علی امیر مؤمنان، به سوی اهل کوفه پیشتاز
یاران و قلّه [شرف] عرب.

سیمای کوفه در احادیث ملاحم

در پیشگویی‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام احادیث فراوان در رابطه
با کوفه به ویژه در هنگامه خروج سفیانی آمده است که به صورت
فشرده به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. تاریخ قم، ص ۹۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸؛ کریمه اهل بیت، ص ۴۳۲.

۲. نهج البلاغه، بخش نامه‌ها، نامه شماره ۱؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۸۴.



۱- سَنَةَ الْفَتْحِ يَنْبُثُ الْفَرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ اَزْقَةَ الْكُوفَةِ؛^(۱)

در سال فتح آب فرات سرریز می‌کند و در کوچه‌های کوفه روان می‌شود.

۲- إِذَا فُتِقَ بَثْقٌ فِي الْفَرَاتِ، قَبْلَ اَزْقَةَ الْكُوفَةِ فَلَيْتَهُمَا

شِيعَتُنَا؛^(۲)

هنگامی که شکافی در فرات پدید آید و آب فرات به کوچه‌های کوفه برسد، شیعیان آماده ظهور باشند.

۳- لَا تَذْهَبُ الْآيَامُ وَاللَّيَالَى حَتَّى يُحْفَرَهَا هُنَا نَهْرٌ يَجْرَى

فِيهِ الْمَاءُ وَالسُّفُنُ؛^(۳)

شبها و روزها سپری نمی‌شود، تا در اینجا رودخانه‌ای حفر می‌شود که در آن آب و کشتی به جریان می‌افتد.

۴- الْكُوفَةُ آمنةٌ مِنَ الْخَرَابِ حَتَّى تَخْرَبَ مِصْرُ، وَ لَا

تَكُونُ الْمَلْحَمَةُ حَتَّى تَخْرَبَ الْكُوفَةُ؛^(۴)

کوفه در امان است از ویرانی تا هنگامی که مصر ویران

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ غیبت طوسی، ص ۴۵۱؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴؛

منتخب الانوار المضيئه، ص ۳۵؛ الخرائج و الجرائع، ج ۳، ص ۱۱۶۴؛ كشف الغمه، ج

۲، ص ۴۶۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۴۲.

۲. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳. الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۷۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۸۳.

۴. مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۲.

گردد، پیشگویی‌ها تحقق نمی‌یابد تا هنگامی که کوفه ویران شود.

۵- لَا يَذْهَبُ مَلِكٌ هَؤُلَاءِ حَتَّى يَسْتَعْرِضُوا النَّاسَ بِالْكُوفَةِ
يَوْمَ الْجُمُعَةِ، لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى رُؤُسٍ تَنْدُرُ فِيمَا بَيْنَ
الْمَسْجِدِ وَأَصْحَابِ الصَّابُونِ؛^(۱)

حکومت این‌ها پایان نمی‌یابد تا هنگامی که مردم را روز جمعه در کوفه به صف کرده به قتل برسانند. گویی با چشم خود می‌بینم سرهایی را که در میان مسجد و بازار صابون فروش‌ها بر زمین می‌ریزند.

۶- أَنْ لَوْلِيٍّ فَلَانٍ عِنْدَ مَسْجِدِكُمْ لَوْقَعَةً فِي يَوْمٍ عَرُوبَةٍ،
يَقْتُلُ فِيهَا أَرْبَعَةَ آلَافٍ مِنْ بَابِ الْفِيلِ إِلَى أَصْحَابِ
الصَّابُونِ؛^(۲)

برای فرزندان فلانی در نزد مسجد شما (مسجد اعظم کوفه) حادثه‌ای در یک روز عید هست که در میان باب فیل تا بازار صابونی‌ها چهار هزار نفر کشته می‌شود.

۷- إِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مُؤَخَّرَةً مِمَّا يَلِي دَارَ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالُ مَلِكِ بَنِي فَلَانٍ،

۱. غیبت طوسی، ص ۴۴۸؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰.



اما انّ هادِمَهُ لَا يَبْنِيهِ؛^(۱)

هنگامی که دیوار مسجد کوفه از ناحیه پشت، از طرف خانه عبدالله بن مسعود تخریب شود، در آن هنگام حکومت آل فلان نابود می شود و تخریب کننده دیوار آن را بنا نمی کند.

۸- اَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ - يَا جَابِرُ - وَلَمَّا يَكْثُرُ الْقَتْلُ بَيْنَ الْحَيَرَةِ

وَالْكُوفَةِ؛^(۲)

ای جابر، چگونه ممکن است - امر ظهور - واقع شود، در حالی که کشت و کشتار فراوان در میان حیره و کوفه رخ نداده است.

۹- اِذَا وَقَعَ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ، وَ جَرِيَ الْمَاءُ بِنَجْفِكُمْ،

فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ قَائِمِكُمْ؛^(۳)

هنگامی که در حجازتان آتش پدید آمد و آب در نجفتان روان گردید، ظهور قائم (عج) خود را امیدوار باشید.

۱. غیبت طوسی، ص ۴۴۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۷۷؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۳؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ غیبت طوسی، ص ۴۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹.

۳. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸.



۱۰ - اِذَا مَلَأَ هَذَا نَجْفُكُمْ السَّيْلُ وَ الْمَطَرُ، وَ ظَهَرَتِ النَّارُ
فِي الْحَجَارَةِ وَ الْمَدْرِ، وَ مَلَكَتْ بَغْدَادَ التَّرُّ، فَتَوَقَّعُوا
ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ؛^(۱)

هنگامی که این نجفِ شما را سیل و باران فراگیرد و در
سنگ‌ها و سنگ‌ریزه‌ها آتش پدیدار گردد، ظهور قائم
خود را امیدوار باشید.

سیمای کوفه در هنگامه خروج سفیانی

۱ - وَ يَدْخُلُ جَيْشُ السَّفِيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ فَلَا يَدْعُونَ أَحَدًا
إِلَّا قَتَلُوهُ؛^(۲)

سپاه سفیانی وارد کوفه می‌شوند و احدی را فروگذار
نمی‌شوند جز این که به قتل می‌رسانند.

۲ - وَ يَبْعَثُ السَّفِيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَ عِدَّتُهُمْ سَبْعُونَ
أَلْفًا، فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صَلْبًا وَ سَبْيًا؛^(۳)
سفیانی سپاهی را به سوی کوفه گسیل می‌دارد که
تعدادشان هفتاد هزار نفر می‌باشند، اهل کوفه را
می‌کشند، به دار می‌زنند و اسیر می‌گیرند.

۱. همان، ص ۲۵۹.

۲. الیقین، ص ۴۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۰۲؛ الاختصاص، ص ۲۵۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۸۰؛
بحار الانوار، ج ۵۲، ۲۳۹.



۳- وَيَبْعُثُ مَائَةً وَثَلَاثِينَ أَلْفًا إِلَى الْكُوفَةِ وَيَنْزِلُونَ
الرُّوحَاءَ وَالْفَارُوقَ، فَيَسِيرُ مِنْهَا سِتُونَ أَلْفًا حَتَّى يَنْزِلُوا
الْكُوفَةَ. مَوْضِعَ قَبْرِ هُودٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالنَّخِيلَةِ فِيهِجْمُونَ إِلَيْهِمْ
يَوْمَ الزَّيْنَةِ؛^(۱)

صد و سی هزار نفر به سوی کوفه گسیل می‌دارد، که در
رَوحاء و فاروق فرود می‌آیند، شصت هزار نفر از آنها
وارد کوفه شده، در نخيله - در کنار قبر حضرت هود -
مستقر می‌شوند و در روز عید تهاجم می‌کنند.

۴- وَيُظْهِرُ السَّفِيَانِي وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا
آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشِيعَتُهُمْ، فَيَبْعُثُ وَاللَّهِ بَعْثًا إِلَى الْكُوفَةِ،
فِيصَابُ بَنَانٍ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ قِتْلًا
وَصَلْبًا؛^(۲)

سفیان و همراهانش خروج کرده، هدفی جز کشتن آل
محمد و شیعیان آنها را در سر نمی‌پرورانند. پس لشکری
را به سوی کوفه می‌فرستد، پس گروهی از شیعیان
اهلیت را به قتل می‌رسانند و به دار می‌آویزند.

۵- ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَقْتُلُ أَعْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^(۳)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳؛ ج ۵۳، ص ۸۳.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

۳. غیبت طوسی، ص ۴۶۴؛ عقد الدرر، ص ۴۶، سنن الدانی، ص ۷۸؛ منتخب الاثر،

آنگاه سفیانی به سوی کوفه رهسپار شده، یاوران آل محمد را می‌کشد.

۶- یخرجُ ابن آكلةِ الاكبادِ مِنَ الوادیِ الیابسِ، و هو رجلٌ ربعةٌ، وحشُ الوجهِ، ضخَمُ الهامةِ، بوجهِه أثرُ الجدری، اذا رایتَهُ حسبتَهُ أعورَ، اسمُهُ عثمانُ و ابوه عَنبَسَةُ، و هوَ من ولدِ ابی سفیانَ، حتی یأتی أرضاً (ذات قرارٍ و معین) فیستوی علی منبرها؛^(۱)

پسر هند جگرخواره از وادی یابس (در اطراف دمشق) خروج می‌کند، او مردی متوسط قامه، وحشت برانگیز، ستبر سر، و آبله رو می‌باشد. هنگامی که به او نگاه کنی می‌پنداری که نابیناست، نام‌اش «عثمان» و نام پدرش «عنبد» از تبار ابوسفیان می‌باشد، به سرزمینی دارای قرارگاه و آب روان (کوفه) وارد می‌شود و بر منبر آن قرار می‌گیرد.

۷- های‌های، الا یا ویلَ لکوفانکم هذه و ما یحلّها من السّفیانی؛^(۲)

آه، آه، وای بر این کوفه‌شما از آنچه از سفیانی بر آن

ص ۴۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۲. خطبة البیان، ج ۲، ص ۶۵۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.



می‌رسد.

۸- تنزلُ الرّایاتُ السّودُ التي تخرُجُ من خراسان الى

الكوفة، فاذا ظهر المهديُّ عليه السلام بَعَثَ اليه بالبيعة؛^(۱)

پرچم‌های سیاهی که از خراسان به حرکت درمی‌آید، در کوفه فرود می‌آید، هنگامی که مهدی علیه السلام ظهور نمود، برای بیعت به سوی آن حضرت گسیل می‌شوند.

۹- خُرُوجُ السّفیانِی و الیمانی و الخراسانی فی سنة

واحدة، فی شهرٍ واحدٍ، فی يومٍ واحدٍ، و لیسَ فیها

رایةٌ بأهدى من رایة الیمانی، یهدی الى الحق؛^(۲)

سفیان‌ی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز خروج می‌کنند. در این میان پرچمی هدایت‌گرتر از پرچم یمانی نیست، که به سوی حق رهنمون می‌گردد.

۱۰- یخرُجُ علیهم الخراسانی و السّفیانِی، هذا من

المشرقِ وهذا من المغربِ، یتبقانِ الى الکوفه

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۸، عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۹؛ البرهان، متقی‌هندی، ص ۱۵۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۴۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۳.

کفرسی رهان؛^(۱)

سفیانی و خراسانی خروج می‌کنند، این از مشرق و آن از مغرب، همانند دو اسب مسابقه به سوی کوفه می‌شتابند.

سیمای کوفه در آستانه ظهور

نکات فراوانی پیرامون سیمای کوفه و جهان در آستانه ظهور آن امام نور بیان گردید، و اینک شماری از احادیث ناگفته را به صورت فشرده و در حد اشاره تقدیم خوانندگان گرامی می‌نماییم، به این امید که بر شور و شغف و شوق انتظارشان افزوده گردد:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ فِي أَقَلِّ مِنْ الْفِتَّةِ، وَ لَا تَكُونُ الْفِتَّةُ أَقَلُّ
مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛^(۲)

قائم علیه السلام با کمتر از یک «فتنه» خروج نمی‌کند و شمار یک فتنه کمتر از ده هزار نفر نمی‌شود.

۲- و در حدیث دیگری فرمود:

إِنَّ أَصْحَابَ الطَّالُوتِ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ... وَ إِنَّ أَصْحَابَ
الْقَائِمِ علیه السلام يُبْتَلَوْنَ بِمِثْلِ ذَلِكَ؛^(۳)

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.



اصحاب طالوت به وسیله رودخانه‌ای آزمایش شدند...

اصحاب قائم علیه السلام نیز چنین آزمونی را در پیش دارند.

۳- رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه فرمود:

ان المهدی من ولدی یفعلُ مثل ما فعل موسی، عند

خروجِهِ مِنْ مِکةَ اِلَى الْکَوْفَةِ؛^(۱)

مهدی از فرزندان من، به هنگام عزیمت از مکه به سوی

کوفه، همان کاری را انجام می‌دهد که حضرت موسی علیه السلام

انجام داد.

۴- امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام در مکه قیام می‌کند و به سوی

کوفه عزیمت می‌کند، منادی اش ندا می‌دهد:

أَلَا لَا یَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْکُمْ طَعَاماً وَ لَا شَرَاباً؛^(۲)

هرگز احدی از شما خوردنی و یا نوشیدنی با خود بر

ندارد.

همان سنگ حضرت موسی علیه السلام را که بار یک شتر

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۱۲.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۸؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰؛

منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۹۹؛ گزیده کفایه المهدی، ص ۲۹۶؛ بحار الانوار، ج

۱۳، ص ۱۸۵؛ ج ۵۲، ص ۳۳۵ و ۳۵۱.

است، با خود برمی دارند، در هر منزلی که فرود می آیند چشمه ای از آن جریان پیدا می کند، هر کس گرسنه باشد سیر می شود و هر کس تشنه باشد سیراب می گردد. و این تنها زاد و توشه آنهاست تا هنگامی که در پشت کوفه فرود آیند.

۵- آنگاه محل فرود و کیفیت فرود آن حضرت را در حدیث دیگری چنین می فرماید.

اِنَّهُ نَازِلٌ فِی قَبَابٍ مِّنْ نُّورٍ، حِیْنَ یَنْزِلُ بِظَهْرِ الْکَوْفَةِ
عَلَى الْفَارُوقِ؛^(۱)

او در هنگامه ظهور، در خیمه هایی از نور در ظهر کوفه در «فاروق» فرود می آید.^(۲)

۶- و در حدیث دیگری تعداد آن خیمه ها را هفت تعبیر کرده

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۶۱.

۲. فیض کاشانی «فاروق» را چنین معنی کرده: «شاید منظور این باشد که آن حضرت با چیزی نازل می شود که به وسیله آن بین حق و باطل فرق می گذارد» [الصافی: ۳۷۵/۱] ولی به این توجیه نیازی نیست، زیرا «فاروق» نام محلی در سرزمین نجف می باشد، چنان که در مورد سپاه سفیانی آمده است: «صد و سی هزار نفر به سوی کوفه می فرستد که در «رَوحا» و «فارُوق» فرود می آیند و شصت هزار نفرشان به سوی کوفه می روند...» [بحار: ۸۳/۵۳].



می فرماید:

يَنْزِلُ فِي سَبْعِ قَبَابٍ مِنْ نُورٍ، لَا يَعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ،
حِينَ يَنْزِلُ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ، فَهَذَا حِينَ يَنْزِلُ؛^(۱)

او در هفت خیمه از نور در پشت کوفه فرود می آید، معلوم
نمی شود که او در کدامین خیمه است، این به هنگام فرود
آمدن می باشد.

۷- و در حدیث دیگری می فرماید:

كَأَنِّي بَقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ عَلَا نَجْفَكُمْ، فَإِذَا عَلَا فَوْقَ
نَجْفَكُمْ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ
عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ؛^(۲)

گویی قائم اهل بیت خود را با چشم خود می بینم که بر فراز
نجف شما بر آمده است. چون بر فراز نجف بر آید پرچم
پیامبر اکرم ﷺ را باز می گشاید. هنگامی که آن را بگشاید
فرشته های بدر بر او فرود آیند.

۸- امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ، لَيْسَ دَرَعُ رَسُولِ

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۴؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ تفسیر البرهان،
ج ۲، ص ۱۶۱.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۴؛ تفسیر الصافی، ج ۱،
ص ۳۷۵؛ منتخب الانوار المزیئه، ص ۱۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

الله ﷺ... ثم ينشرُ رايةَ رسولِ الله ﷺ وَ هِيَ الْمَغْلَبَةُ...
لا يهوي بها إلى شيءٍ إلا أهكلتهُ.. و اذا نشرها اضاء
لها ما بين المشرق و المغرب؛^(۱)

گویی قائم علیه السلام را با چشم خود می بینم که در پشت کوفه،
زره رسول خدا را پوشیده... پرچم رسول خدا را باز
می گشاید، و آن پرچم همیشه پیروز است... با آن پرچم به
سوی چیزی عزیمت نمی کند جز این که آن را شکست
می دهد... هنگامی که آن را به اهتزاز در آورد مشرق و
مغرب با نور آن روشن می شود.

در این حدیث که بسیار طولانی است و فقط فرازهایی از آن را
آوردیم، به روشنی بیان شده که آن امام نور وسیله غلبه بر همه ابزار
و ادوات جنگی را دارد، او هرگز از وسایل کشتار جمعی استفاده
نمی کند، ولی همه وسایل کشتار جمعی را از کار می اندازد.

۹- امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عليه السلام عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ، قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ
مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ
و ميكائيلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ هُوَ
يَفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ؛^(۲)

۱. دلائل الامامة، ص ۴۵۷.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ روضة الواعظین، ج ۲،



گویی قائم علیه السلام را با چشم خود در پشت کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به آن جا عزیمت نموده، جبرئیل از سوی راست و میکائیل در سمت چپ او و مؤمنان در پیشاپیش او قرار دارند و او سپاهیان اش را به کشورها گسیل می دارد.

از این حدیث شریف نیز استفاده می شود که کوفه پایتخت حکومتی، مقر فرماندهی و ستاد نظامی آن حضرت است که با آن شکوه بی نظیر در طول قرون و اعصار، از مکه مکرمه به سوی کوفه تشریف فرما شده، سپاهیان اش را از آنجا به همه اقطار و اکناف جهان گسیل می دارد.

۱۰- امام صادق علیه السلام صحنه دیگری را این گونه ترسیم می فرماید:

كَأَنِّي انْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ، وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حَكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ (۱)

گویی قائم علیه السلام را با چشم خود می بینم که بر فراز منبر کوفه قرار دارد، و تعداد سیصد و سیزده تن یارانش - به تعداد

ص ۲۶۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۷۲.

اصحاب بدر - در پیرامون او حلقه زده‌اند، که آن‌ها
پرچم‌داران و زمامداران روی زمین هستند، از سوی
پرودگار برای بندگان.

این حدیث شریف صریح است در این که سیصد و سیزده تن
یاران خاص حضرت، فرماندهان کشوری و لشکری هستند و
اصحاب حضرت به این‌ها اختصاص ندارد، چنان که در حدیث اول
همین بخش از امام صادق علیه السلام نقل کردیم که حداقل اصحاب به
هنگام عزیمت از مکه معظمه ده هزار نفر می‌باشند.

۱۱ - امام عسکری علیه السلام در ضمن حدیثی در این رابطه می‌فرماید:

ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفُقُ فَوْقَ
رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ؛^(۱)

سپس ظاهر می‌شود، گویی با چشم خود می‌بینم
پرچم‌های سفیدی را که در نجف کوفه بالای سرش در
حال اهتزاز می‌باشد.

۱۲ - امام باقر علیه السلام صحنه دیگری را این گونه ترسیم می‌فرماید:

إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَ دَخَلَ الْكُوفَةَ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ظَهْرِ
الْكُوفَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ صِدِّيقٍ، فَيَكُونُونَ فِي أَصْحَابِهِ وَ

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ کفایة الاثر، ص ۲۹۶؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۵۳؛
کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

أنصاره؛ (۱)

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند و داخل کوفه شود، خداوند متعال تعداد هفتاد هزار نفر صدیق از پشت کوفه برای او برانگیخته می‌کند تا در میان یاران و یاوران آن حضرت قرار بگیرند.

این حدیث از احادیث رجعت می‌باشد و این هفتاد هزار نفر از افراد با ایمانی هستند که در وادی السلام و یا پیرامون حرم مولای متقیان آر می‌ده‌اند و به هنگام ظهور حضرت بقیه الله - ارواحنا فداء - رجعت می‌کنند.

۱۳- و در حدیث دیگری احتشام و شکوه بی نظیر یاران را این گونه به تصویر می‌کشد:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ
الْخَافِقِينَ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ، حَتَّى
سَبَاحُ الْأَرْضِ وَسَبَاحُ الطَّيْرِ، يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ
شَيْءٍ؛ (۲)

گویی اصحاب حضرت قائم علیه السلام را با چشم خود می‌بینم که به آنچه در میان شرق و غرب جهان است احاطه

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ۳۲۷؛ حلیة الابرار، ج ۵، ص ۴۱۷.

کرده‌اند، چیزی در جهان نیست جز این که از آن‌ها فرمان می‌برند و خشنودی آنان را در هر چیزی طلب می‌کنند، حتی درندگان زمین و پرندگان آسمان.

در این حدیث بُعد دیگری از ابعاد عظمت و شرف یاران حضرت آشکار می‌شود.

۱۴- امام صادق علیه السلام در مقام بیان هویت اصحاب خاص حضرت صاحب الزمان علیه السلام می‌فرمایند:

وَمِنْ الْكُوفَةِ أَرْبَعَةٌ عَشَرَ رَجُلًا؛^(۱)

چهارده تن از آنها اهل کوفه هستند.

۱۵- در حدیث دیگری از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که پنجاه تن از آنها از اهل کوفه هستند.^(۲)

۱۶- و در حدیث دیگری نام و نام پدر ۱۴ تن یاران حضرت ولی عصر علیه السلام از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام به صراحت آمده است.^(۳)

۱۷- آنگاه امام باقر علیه السلام توان روحی آنان را چنین شرح می‌دهد:

لَكَانِي أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ مُصْعِدِينَ مِنْ نَجَفِ الْكُوفَةِ ثَلَاثُمِائَةٍ

وَبِضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، جَبْرُئِيلُ

۱. دلائل الامامه، ص ۵۵۸؛ الملاحم والفتن، ص ۲۰۲؛ المحجّه، ص ۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۳. دلائل الامامه، ص ۵۷۳؛ المحجّه، ص ۴۴.



عن یمنیه و میکائیل عن یسارِه، یسیرُ الرّعبُ أَمَامَهُ
شَهِراً وَخَلَفَهُ شَهِراً؛^(۱)

گویی آنان را با چشم خود می بینم که از نجف کوفه بالا
می روند، سیصد و ده و اندی نفر هستند، دل های آنها
همانند قطعات آهن است، جبرئیل از سمت راست و
میکائیل از سمت چپ آن حضرت حرکت می کند، از جلو
و پشت سر او، رعب او به مسافت یک ماه، در دلها
می افتد.

۱۸- در حدیث دیگری تشریح می کند که حضرت قائم علیه السلام
هنگامی که ظهور می کند به «رحبه»ی کوفه تشریف می آورد،
نقطه ای را نشان می دهد و دستور می دهد که آن جا را بکنند، از آنجا
دوازده هزار زره، دوازده هزار شمشیر، و دوازده هزار کلاه خود
بیرون می آورد، آنگاه دوازده هزار نفر از شیعیان را -از عرب و
عجم- فرا می خواند و آن ادوات جنگی را به آنها می پوشاند.^(۲)

۱۹- در حدیث بسیار مفصّلی امام صادق علیه السلام توضیح می دهد که
وجود مقدس حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) پس از سیطره بر کل
جهان، به سوی کوفه باز می گردد، قطعات شمش طلا از آسمان فرو
می بارد، طلا و نقره و جواهرات در میان مردم توزیع می کند... و

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

۲. الاختصاص، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۷.

اعلام می‌کند که هر کس از یکی از شیعیان طلبی دارد به او مراجعه کند و طلب خود را دریافت نماید. (۱)

۲۰- در حدیث دیگری در وصف آنان می‌فرماید:

قَدْ اَثَرَ السَّجُودُ بِجَبَاهِهِمْ، لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ،
كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ
أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛ ۱۹۳ (۲)

گویی آنان را در پشت کوفه می‌بینم که... آثار سجده در پیشانی آنان آشکار است، آنها شیران روز و راهبان شب هستند، گویی دل‌هایشان قطعات آهن می‌باشد، به هر یک از آنها نیروی چهل مرد داده می‌شود.

صفحات محدود کتاب به پایان رسید و ما سخنان ناگفته و دُرهای ناسفته فراوان پیرامون «پایتخت دولت کریمه» به ویژه در مورد اصلاحات و تغییراتی که از نظر اسلوب کشورداری انجام می‌یابد؛ داریم، که امیدواریم در فرصت دیگری در این زمینه بیانات دُرربار معصومان علیهم‌السلام را تقدیم نماییم.

به امید روزی که این پایتخت دولت جهان شمول خاندان اهل بیت در پهن دشت گیتی گسترده شود و همه انسانها از رنج‌ها، فشارها، ستم‌ها، تشویش‌ها، و اضطراب‌ها رهایی یافته، برای

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۴.

۲. ۱۹۳. منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.



نخستین بار عطر حکومت حقّه مبتنی بر عدالت و آزادی واقعی را
استشمام نموده، دیدگان رمدکشیده‌شان با دیدار آن جمال الهی منور
گردد.

به امید آن روز.

در پایان یادآور می‌شویم که برای رعایت اختصار، از هر حدیثی
فقط فرازی را در این گفتار ارائه دادیم و به جهت محدود بودن
صفحات کتاب، به اختلافات جزئی که معمولاً در منابع حدیثی
هست اشاره نکردیم، ولی سعی کردیم که متن حدیث را مطابق
اولین منبعی که در پی نوشت آمده ارائه دهیم.

وادی السلام

اشاره:

مقام حضرت مهدی (عج) در وادی السّلام نجف اشرف، یکی از قدیمی ترین مقامات منتسب به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می باشد.

در طول قرون و اعصار همه روزه هزاران تن از عاشقان و شیفتگان به این مکان مقدّس روی آورده، با کعبه مقصود و قبله موعود راز دل گفته، کام دل جسته، در مواردی توفیق تشرف یافته اند.

امام صادق علیه السلام مکرّر به این نقطه تشریف آورده، در آن جا نماز گزارده، آن جا را به عنوان: «محل منبر حضرت قائم علیه السلام» معرفی فرموده است.

در روزهای آغازین دولت حقّه، حضرت ولی عصر (عج) از



این نقطه عبور فرموده به سوی پایتخت دولت کریمه - کوفه -
رهسپار می شوند.

پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علی علیه السلام به هنگام رجعت در این نقطه
دیدار می فرمایند.

احادیث فراوان در عظمت و قداست این مکان مقدس از
پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده، که با شماری از آنها در این نوشتار
آشنا می شویم.

مقام حضرت مهدی (عج) در وادی السلام

وادی السلام و پیشینه آن

بزرگ‌ترین گورستان در جهان اسلام، قبرستان وادی السلام در
نجف اشرف می باشد. این گورستان علاوه بر وسعت، از لحاظ
قدمت نیز کهن‌ترین گورستان جهان می باشد. وجود مقام هود و
صالح و گنبد و بارگاه بر فراز قبر آن دو پیامبر عظیم‌الشأن و تصریح
معصومان بر دفن آنها در این مکان،^(۱) از قدمت بسیار زیاد این
مکان حکایت می کند.

دفن آدم ابوالبشر و نوح پیامبر در نجف اشرف و در داخل



ضریح امیر مؤمنان علیه السلام ^(۱) دلیل روشنی است بر این که قدیمی ترین مقبره بر فراز کره خاکی در همین منطقه است.

بر اساس روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، پیکر مقدس امیر مؤمنان در طرف قبله حضرت نوح و در محاذات سر و سینه او دفن شده است. ^(۲)

مقام هود و صالح

از مقابر معلوم و مقام های مشهور در نجف اشرف مقام هود و صالح می باشد که در اوایل وادی السلام قرار دارد.

کسی که از باب طوسی وارد وادی السلام می شود، چند قدمی که پیش می رود گنبد سبز زیبایی را در سمت راست راه خود می بیند که بر طاق آن نوشته شده: «مقام هود و صالح».

اولین سائبانی که بر فراز قبور مطهر هود و صالح ساخته شد، به فرمان سید بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲ ه.ق) بود؛ چنان که نخستین ضریح چوبی نیز توسط ایشان تهیه و نصب گردید. ^(۳) آن گاه یکی از افراد خیر گنبد آن را با کاشی تزیین نمود.

به سال ۱۳۳۳ ه.ق هنگامی که نیروهای انگلیسی به مدت ۴۰

۱. همان.

۲. فرحة الغری، ص ۵۷.

۳. مزارات اهل البیت، ص ۴۹.

روز نجف اشرف را محاصره کردند، قبور مطهر هود و صالح را همانند بسیاری از اماکن مقدسه ویران کردند و سنگ ارزشمندی را که در آن با خط کوفی «مقام هود و صالح» حک شده بود، به غارت بردند و آن جا را به تلی از سنگ و آجر مبدل ساختند.

گفته می شود که مقام هود و صالح قبلاً در قسمت دیگری از وادی السلام اشتهار داشت، ولی سید بحر العلوم این جا را به عنوان «مقام هود و صالح» اعلام کرد و دستور داد گنبد و بارگاهی بر فراز آن ساخته شود^(۱) و تولیت آن را با «محمد علی قسام» جد اعلای تیره «آل قسام» قرار داد و برخی از زمین های زراعتی ناحیه «کفل» را برای آن جا وقف نمود.^(۲)

پس از رفع محاصره، بنای فعلی به سال ۱۳۳۷ ه. ق در همان نقطه ای که سید بحر العلوم تعیین کرده بود، بنیاد گردید. در ضمن وصایای امیر مؤمنان علیه السلام آمده است:

فَادْفِنُونِي فِي هَذَا الظَّهْرِ فِي قَبْرِ اخَوَيَّ هُودٍ
وَصَالِحٍ؛^(۳)

مراد در همین پشت - نجف - در قبر دو برادرم هود و صالح

۱. ماضی النجف، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲. همان، ص ۹۷.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴.



دفن کنید.

آن چه مسلم است این است که مولای متقیان در کنار قبر آدم و نوح علیه السلام دفن شده است. چنان که امام صادق علیه السلام به آن تصریح فرموده^(۱) و زیارتنامه مخصوصی برای آنها در حرم امیر مؤمنان علیه السلام بیان فرموده^(۲) و برای هر یک از آنها دو رکعت نماز زیارت مقرر فرموده است.^(۳)

در طول قرون و اعصار سه قبر در داخل ضریح مقدس امیر مؤمنان علیه السلام جدا از یکدیگر ظاهر و مشخص بوده، چنان که ابن بطوطه و برخی دیگر از جهانگردان آن را مشاهده نموده اند.^(۴) روی این بیان، آن چه در وصیت مولای متقیان «هود و صالح» به جای «آدم و نوح» آمده، احتمالاً از باب تقیه و به منظور اخفای محل قبر می باشد.

در روایات مربوط به خروج سفیانی نیز از مقام هود علیه السلام نامی به میان آمده است:

سفیانی یک سپاه ۱۳۰۰۰۰ نفری به سوی کوفه گسیل می دارد، در «زوحا» و «فارق» فرود می آیند، سپس

۱. مصباح الزائر، ص ۱۱۷.

۲. المزار الکبیر، ص ۱۹۲.

۳. مصباح المتہجد، ص ۷۴۵.

۴. سفرنامہ ابن بطوطہ، ج ۱، ص ۱۸۵.



۶۰۰۰۰ نفر از آن‌ها حرکت کرده، در نخيله، در محل قبر
 هود عليه السلام فرود می‌آیند و در روز عید تهاجم خود را آغاز
 می‌کنند. (۱)

و در نقلی دیگر تعداد آن‌ها ۸۰۰۰۰ نفر آمده است. (۲)

وادی السلام در عهد امیر مؤمنان عليه السلام

در احادیث فراوان آمده است که امیر مؤمنان عليه السلام در دوران
 اقامتش در کوفه به پشت کوفه تشریف می‌برد، در وادی السلام
 توقف می‌کرد و ساعت‌ها به راز و نیاز می‌پرداخت. (۳) گاهی
 همراهان خسته می‌شدند، ولی حضرت هم‌چنان سر پا می‌ایستاد و
 مشغول مناجات بود، رخصت می‌طلبیدند که جامه‌ای پهن کنند تا
 مدتی استراحت فرماید، ولی قبول نمی‌کرد. (۴)

نخستین کسی که در وادی السلام از اصحاب مدفون شد خباب
 بن ارت متوفای ۳۷ هـ. ق بود که از سابقین در اسلام بود و ششمین
 فردی بود که اسلام را پذیرفت. (۵) وی در جنگ بدر شرکت داشت،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳.

۲. بشارة الاسلام، ص ۶۶.

۳. کافی، ج ۳، ص ۲۴۳.

۴. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۷.

۵. قاموس الرجال، ج ۴، ص ۱۵۶.



در جنگ‌های صفین و نهروان نیز در خدمت امیر مؤمنان بود. در دوران خلافت امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه در گذشت، مولای متقیان بر پیکرش نماز خواند، در کنار قبرش حضور یافت و برایش طلب مغفرت نمود. (۱)

هنگامی که به حالت احتضار در آمد وصیت کرد که او را در پشت کوفه دفن کنند، پس او را در «ثویّه» در نزدیکی مسجد حنّانه دفن کردند، سپس افراد دیگری چون: سهل بن حنیف، رُشید هَجَری، عبدالله بن یقطر، جویریة بن مسهر عبدی، کمیل بن زیاد، عبدالملک لخمی و عبیدالله بن ابی اوفی در همان قطعه مدفون شدند، که قبر هیچ کدام به طور مشخص معلوم نیست، فقط اخیراً برای کمیل بن زیاد گنبد و بارگاهی ساخته شده است. (۲)

وادی السلام در شب معراج

امام صادق علیه السلام در یک حدیث طولانی از فضیلت مسجد کوفه سخن می‌گوید، راوی می‌پرسد: آیا مسجد کوفه خیلی قدیمی است؟

امام علیه السلام می‌فرماید:

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. ماضی النجف، ج ۱، ص ۲۴۷.



آری آن جا مصلای پیامبران بود، رسول اکرم ﷺ نیز در آن نماز خوانده است و آن هنگامی بود که جبرئیل او را بر فراز براق به سوی بیت المقدس می برد، هنگامی که به «دارالسلام» در پشت کوفه رسیدند، عرضه داشت:

«ای محمد ﷺ این جا مسجد پدرت آدم و مصلای پیامبران می باشد، در این جا فرود آی و نماز بگزار» (۱).

به نظر می رسد که در این حدیث شریف منظور از «دارالسلام» همان «وادی السلام» می باشد، زیرا:

اولاً: تعبیر «و هو ظهر الکوفة» و آن همان پشت کوفه است، بر آن دلالت می کند.

ثانیاً: در برخی از نسخه های تفسیر عیاشی، به جای «دارالسلام»، «وادی السلام» بوده؛ لذا علامه مجلسی آن را «وادی السلام» ثبت کرده است. (۲)

و اگر منظور از آن نجف اشرف باشد، طبعاً «وادی السلام» را در بر می گیرد.

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۷؛

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۰۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۴.

وادی السلام در عهد کهن

دفن شدن حضرت آدم علیه السلام در سرزمین مقدس نجف اشرف گواه روشنی بر قدمت این سرزمین می باشد و در احادیث فراوانی به آن اشاره شده، از جمله حدیث بسیار طولانی امام باقر علیه السلام در مورد تأسیس کعبه معظمه می باشد که از قداست خاص این سرزمین حکایت می کند.

امام باقر علیه السلام در این حدیث نورانی، از تأسیس کعبه در عهد حضرت آدم ابوالبشر توسط جبرئیل علیه السلام به تفصیل سخن گفته، در پایان می فرماید:

خداوند به جبرئیل امین امر فرمود که چهار سنگ از چهار نقطه جهان برداشته، در چهار رکن کعبه قرار دهد:

- (۱) سنگی از کوه صفا؛
- (۲) سنگی از کوه مروه؛
- (۳) سنگی از طور سینا؛
- (۴) سنگی از «جبل السلام» و آن ظهر کوفه است.^(۱)

در این جا منظور از «جبل السلام» همان وادی السلام است و یا نجف اشرف که شامل وادی السلام است.

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۹۷؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۲۲؛ مرآة العقول، ج ۱۷، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۸۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۰۹.



از این حدیث رابطه خاص کعبه و مولود کعبه نیز استفاده می شود. اگر ولادت با سعادت امیرمؤمنان در داخل کعبه مایه شرف و قداست کعبه شده، چنان که امام صادق علیه السلام به آن تصریح کرده، در زیارت مأثور می فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنَى؛ سلام بر تو ای امیرمؤمنان، که مکه و منی از تو شرف و آبرو پیدا کرد»،^(۱) خاک و گل آن نیز از سنگ حرم امیرالمؤمنین به عزت و آبرو رسیده است.

وادی السلام در آستانه ظهور

مولای متقیان، امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام به هنگام ترسیم خط سیر حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) در روزهای آغازین ظهور به سوی پایتخت دولت کریمه می فرماید:

كَأَنِّي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِ السَّهْلَةِ،
عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ،^(۲) لَهُ شِمْرَاخٌ^(۳) يَزْهُو، وَيَدْعُو،

۱. المزار الكبير، ص ۲۰۶؛ اقبال الاعمال، ص ۶۰۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۴.

۲. محجّل: اسبی که قسمتی از پاهای آن سفید و درخشان باشد. [لسان العرب، ج ۳، ص ۶۵].

۳. شمراخ: سپیدی باریک و هلال گونه ای که از پیشانی اسب سوی لب هایش کشیده شود. [فقه اللغة، ثعالبی، ص ۶۷].

وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا...؛^(۱)

گویی او را با چشم خود می بینم که از «وادی السلام» عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش می درخشد و برق می زند، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه ای دارد و خدای را این گونه می خواند: لا اله الا الله حقا حقا....

وادی السلام در یوم الله رجعت

بازگشت گروهی از مؤمنان خالص و عده ای از منافقین فاجر پیش از رستاخیز به این جهان «رجعت» نامیده می شود. اعتقاد به رجعت یکی از اعتقادات مسلم و تردیدناپذیر شیعه است، همه شیعیان امامیه در مورد رجعت اجماع کرده اند.^(۲) آیات فراوانی در احادیث پیشوایان به آن تفسیر شده،^(۳) احادیث بی شماری از پیشوایان معصوم در این رابطه وارد شده^(۴) که تعداد این

۱. دلائل الامامه، ص ۴۵۸؛ العدد القویّه، ص ۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛

ج ۹۴، ص ۳۶۵؛ منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۵۰.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۵.

۳. در کتاب «رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی» صص ۲۳ تا ۹۵ تفسیر ۷۰ آیه از آیات قرآن کریم را به رجعت، از پیشوایان معصوم آوردیم.

۴. شیخ حرّ عاملی بیش از ۵۲۰ حدیث در این رابطه، در کتاب «الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة» گرد آورده است.



احادیث خیلی بیش از تواتر^(۱) و ثبوت آن از ضروریات مذهب شیعه است.^(۲)

اول کسی که از امامان نور در دوران رجعت بر می گردد حضرت سیدالشهدا علیه السلام است، که با ۷۵۰۰۰ نفر از شیعیانش رجعت می کند.^(۳) در این رجعت هفتاد تن از شهدای کربلا نیز در محضر سالار شهیدان رجعت می کنند.^(۴)

دوران فرمانروایی امام حسین علیه السلام به قدری طولانی خواهد شد که ابروهایش روی دیدگانش می ریزد.^(۵)

بعد از امام حسین علیه السلام دوران فرمانروایی مولای متقیان امیر مؤمنان فرا می رسد، او نیز به مدت ۴۴۰۰۰ سال حکومت می کند.^(۶)

بر اساس روایات فراوان، امیر مؤمنان علیه السلام رجعت های مختلف و متعدد دارد.^(۷) یکی از این رجعت ها در عهد امام حسین علیه السلام^(۸) و یکی

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳.

۲. الايقاظ، ص ۸۲.

۳. تفسیر البرهان، ج ۱۰، ص ۱۷۲؛ تأویل الایات، ج ۲، ص ۷۶۲.

۴. تفسیر العیاشی، ج ۳، ص ۳۷.

۵. الايقاظ، ص ۲۳۰-۲۳۳.

۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۵.

۷. الايقاظ، ص ۳۳۶.

۸. مختصر البصائر، ص ۱۲۰.

دیگر در عهد رسول خدا ﷺ خواهد بود. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید :

هِيَ كَرَّةٌ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَكُونُ مُلْكُهُ فِي كَرَّتِهِ خَمْسِينَ
أَلْفَ سَنَةٍ، وَيَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي كَرَّتِهِ أَرْبَعًا
وَأَرْبَعِينَ سَنَةً؛ (۲)

منظور از آن (۵۰۰۰۰ سال در آیه ۴ از سوره معارج)
رجعت رسول خدا می باشد که مدت حکومت آن حضرت
در رجعت ۵۰۰۰۰ سال است، و امیر مؤمنان در دوران
رجعتش ۴۴۰۰۰ سال فرمانروایی می کند.

در روایات فراوان آمده است که به هنگام رجعت امیر مؤمنان علیه السلام
همه پیامبران رجعت می کنند و تحت فرماندهی آن حضرت قرار
می گیرند. (۳)

در آن روز رسول اکرم ﷺ پرچم را به دست با کفایت امیر مؤمنان
می دهد، همه مخلوقات تحت فرماندهی آن حضرت قرار
می گیرند. (۴)

این دیدار شکوهمند رسول گرامی و مولای متقیان در سرزمین

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴.

۲. تفسیر البرهان، ج ۱۰، ص ۵۵.

۳. الايقاظ، ص ۳۳۱؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۱.

۴. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۴۳۷.



وادی السلام در بخشی به نام «ثویه» رخ خواهد داد، چنان که رئیس مذهب شیعه امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۵ از سوره قصص می فرماید:

لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا وَلَا تَذْهَبُ حَتَّى يَجْتَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام بِالثَّوِيَّةِ، فَيَلْتَقِيَانِ وَيَبْنِيَانِ بِالثَّوِيَّةِ
مَسْجِدًا لَهُ إِثْنَا عَشَرَ أَلْفَ بَابٍ؛^(۱)

دنیا سپری نمی شود و به پایان نمی رسد؛ جز این که رسول خدا با امیر مؤمنان در سرزمین «ثویه» گرد می آیند، پس مسجدی در آن جا بنیاد می نهند که ۱۲۰۰۰ در دارد.

علاوه بر تصریح علمای تاریخ بر این که «ثویه» بخشی از وادی السلام است، رسول گرامی اسلام با صراحت تمام از آن خبر داده، خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

أَنْتَ أَخِي، وَمِيعَادُ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَادِي السَّلَامِ؛^(۲)
تو برادر من هستی، وعده دیدار من و شما در وادی السلام است.

۱. الايقاظ، ص ۳۳۵؛ تفسیر البرهان، ج ۷، ص ۳۳۷؛ تأویل الایات، ج ۱، ص ۴۲۴.
۲. کافی، ج ۳، ص ۱۳۱؛ الزهد، ص ۸۱؛ مرآة العقول، ج ۱۳، ص ۲۹۲؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۹۸؛ ج ۵۳، ص ۹۷.

در همین رابطه حدیث دیگری شیخ مفید در کتاب «الاختصاص» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در آخرین فراز آن آمده است:

جبرئیل امین خطاب به رسول گرامی عرضه داشت:

مَوْعِدُكُمْ السَّلَامُ؛

وعدۀ شما و علی بن ابی طالب با منافقان امت در سرزمین «سلام» می باشد.

ابان بن تغلب پرسید که سرزمین سلام کجاست؟ امام علیه السلام فرمود:

يَا أَبَانُ! السَّلَامُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ؛^(۱)

ای ابان سرزمین سلام بخشی از پشت کوفه است.

از دیگر جلوه های زیبای وادی السلام در یوم الله رجعت، بازگشت ۲۷ تن از یاران خاص حضرت بقیة الله (عج) در سرزمین وادی السلام است، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

يُخْرِجُ الْقَائِمُ علیه السلام مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا....؛^(۲)

حضرت قائم علیه السلام تعداد ۲۷ تن (از یاران خاص خود) را از پشت کوفه بیرون می آورد که ۱۵ تن از آنها از امت

۱. مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۶۵.



حضرت موسی علیه السلام است، ۷ تن از آنها اصحاب کهف می باشند، ۵ نفر دیگر عبارتند از: یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر. این ۲۷ تن یاران حضرت قائم (عج) و فرماندهان امت به فرمان او می باشند.

مرحوم کلینی با سلسله اسناد خود در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که شیعیان و دوستان امیر مؤمنان علیه السلام چگونه مورد عنایت حق تعالی قرار می گیرند، با جامه های بهشتی پوشانیده می شوند، از نعمت های بهشتی برخوردار می شوند، در مجالس اهل بیت شرکت می کنند، به هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام خداوند منان آنها را بر می انگیزاند، تا دسته دسته به یاری آن حضرت بشتابند و ندایش را لبیک گویند.

آن گاه در مقام بیان این که از کجا برانگیخته می شوند، امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا خطاب به امیر مؤمنان فرمود: «تو برادر من هستی، وعده دیدار من و شما در وادی السلام می باشد» (۱).

وادی السلام از دیدگاه روایات

در احادیث فراوانی از قداست، عظمت و ویژگی های وادی السلام

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۳۱؛ مرآة العقول، ج ۱۳، ص ۲۹۲.

سخن رفته، که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مرحوم کلینی با سلسله اسناد خود از «حَبَّةُ الْعُرْنَى»^(۱) روایت می‌کند که گفت: در محضر امیرمؤمنان در وادی السلام ایستاد و شروع به راز دل گفتن کرد، گویی با کسی سخن می‌گفت.

به احترام آن حضرت مدتی ایستادم تا خسته شدم، پس نشستم، تا حوصله‌ام سر رفت، باز هم ایستادم تا خسته شدم، باز هم آن قدر نشستم که حوصله‌ام سر رفت. این بار ایستادم و عبایم را تا کردم و گفتم: ای امیرمؤمنان! از طول قیام شما من نگران شدم، ساعتی استراحت بفرماید.

پس عبای خود را روی زمین پهن کردم تا بر روی آن بنشینند. فرمود:

يَا حَبَّةُ إِنَّ هُوَ إِلَّا مُحَادَثَةُ مُؤْمِنٍ وَ مُؤَانَسَتُهُ؛

ای حبه این چیزی جز گفت و گوی با مؤمن و انس با مؤمن نمی‌باشد.

گفتم: آیا آنها نیز با یکدیگر چنین گفت و گویی دارند؟ فرمود:

نَعَمْ، وَلَوْ كُشِفَ لَكَ لَرَأَيْتَهُمْ خَلْقًا خَلْقًا مُحْتَبِينَ
يَتَحَادَّثُونَ؛

آری، اگر پرده از مقابل دیدگانت کنار برود، خواهی دید

۱. ابوقدame، حبه بن جوی، از قبیله عُرینه، از اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام بود، به سال ۷۶

یا ۷۷ ه. ق در گذشت. [قاموس الرجال، ج ۳، ص ۷۴].



که آنها نیز جامه به خود پیچیده، حلقه حلقه نشسته، با یکدیگر سخن می‌گویند.

پرسیدم آیا ارواح مؤمنان در این جا گرد آمده‌اند یا پیکرهای آنها؟ فرمود:

أَرْوَاحٌ، وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ: الْحَقِ بِوَادِي السَّلَامِ وَإِنَّهَا لَبُقْعَةٌ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ؛

ارواح مؤمنان در این جا گرد آمده است، هیچ مؤمنی در هیچ بقعه‌ای از بقعه‌های روی زمین از دنیا نمی‌رود جز این که به روحش گفته می‌شود: به وادی السلام بپیوند، به راستی آن جا بقعه‌ای از بهشت برین می‌باشد.^(۱)

علامه مجلسی در مقام تبیین و تشریح این حدیث شریف می‌فرماید:

به طوری که پیامبر اکرم ﷺ جبرئیل و دیگر فرشته‌ها را می‌دید، ولی اصحاب آنها را نمی‌دیدند و به طوری که علی علیه السلام ارواح را در وادی السلام می‌دید، ولی «حَبَّه» راوی حدیث آنها را نمی‌دید، امکان این معنی هست که در وادی السلام باغ‌ها، بوستان‌ها،

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۶۸؛ ج ۲۲، ص ۳۷؛ مرآة العقول، ج ۱۴، ص ۲۱۸.

چشمه‌ها و استخرهایی باشد که مؤمنان با پیکرهای مثالی و برزخی خود از آن‌ها برخوردار باشند، ولی ما از دیدن آن‌ها ناتوان باشیم.^(۱)
سید نعمه‌الله جزایری نیز در همین رابطه می‌فرماید:

بهشت روی زمین سرزمین وادی السلام در نجف اشرف می‌باشد که ارواح مؤمنان در پیکرهای مثالی متنعم از نعمت‌های الهی در آن جا هستند تا روزی که به جایگاه اصلی خود در بهشت برین راه یابند.^(۲)

مکاشفه مشهور و شگفتی که برای مرحوم نراقی در وادی السلام رخ داده، مؤید نظر علامه مجلسی و محدث جزایری می‌باشد.
در این رابطه مکاشفه بسیار جالب و شنیدنی برای یکی از نواده‌های محقق طباطبایی^(۳) روی داده که به جهت اختصار از نقل آن صرف نظر می‌کنیم. بر اساس این مکاشفه ارواح همه مؤمنان شب‌ها در وادی السلام گرد آمده، از محضر مقدس مولای متقیان کسب فیض می‌کنند.

به همین دلیل از زیارت اهل قبور در شب نهی شده و تعلیل شده که ارواح مؤمنین شب‌ها در وادی السلام هستند و هرگز

۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۳۵.

۲. قصص الانبیاء، جزایری، ص ۲۵۸.

۳. علامه سید عبدالعزیز طباطبائی، اسوه تحقیق و پژوهش، نواده صاحب عروه و متوفای شب ۷ رمضان ۱۴۱۶ ه.ق.



نمی‌خواهند که لحظه‌ای از آن جا محروم شوند و زیارت آن‌ها در شب موجب محرومیت آن‌ها از حضور در وادی السلام می‌شود.

۲. فضل بن شاذان در کتاب «القائم» با سلسله اسناد خود از اصبغ بن نباته روایت کرده که فرمود:

مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام روزی از کوفه بیرون رفتند تا به سرزمین «غری» (نجف فعلی) رسیدند و در آن جا روی خاک‌ها دراز کشیدند.

قبر عرضه داشت: اجازه بفرمایید جامه‌ام را پهن کنم تا روی آن استراحت فرمایید. امام علیه السلام فرمود: «نه، این چیزی جز تربت مؤمن و یا مزاحمت مجلس او نمی‌باشد».

اصبغ بن نباته گوید: عرض کردم: مولای من، تربت مؤمن را متوجه شدیم، ولی منظور شما را از مزاحمت مجلس مؤمن متوجه نشدیم.

فرمود:

يَابْنَ نُبَاتَةَ، لَوْ كُشِفَ لَكُمْ لَرَأَيْتُمْ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي
هَذَا الظَّهِرِ حَلَقًا يَتَزَاوَرُونَ وَيَتَحَدَّثُونَ، إِنَّ فِي هَذَا
الظَّهِرِ رُوحَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَبِوَادِي بَرَهُوتَ نَسَمَةُ كُلِّ
كَافِرٍ؛^(۱)

۱. المحتضر، ص ۴؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۷.

ای پسر نباته، اگر پرده از برابر دیدگان شما کنار برود
خواهید دید که ارواح همه مؤمنان در این پشت گرد آمده،
حلقه زده، با یکدیگر دیدار می کنند و از هر دری سخن
می گویند، که ارواح همه مؤمنان در این نقطه گرد آمده و
ارواح کافران در وادی برهوت».

۳. شیخ طوسی با سلسله اسناد خود از مروان بن مسلم روایت
کرده که به محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشت:
برادرم در بغداد زندگی می کند، می ترسم که اجلش در آن جا فرا
رسد. امام علیه السلام فرمود:

مَا تُبَالِي حَيْثُمَا مَاتَ، أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ
الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ؛
چرا در اندیشه هستی که کجا بمیرد، بدون تردید هیچ
مؤمنی در مشرق و یا مغرب نمی میرد، جز این که خداوند
روحش را به وادی السلام می فرستد.

راوی پرسید: وادی السلام کجاست؟ فرمود:

ظَهَرَ الْكُوفَةُ، أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ خَلَقٌ خَلَقَ قُعُودٌ
يَتَخَدُّونَ؛^(۱)

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۶؛ کافی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ مرآة العقول، ج ۱۴،
ص ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۶۸؛ ج ۱۰۰، ص ۲۳۴.



وادی السلام پشت کوفه است، گویی من با چشم خود می بینم که حلقه حلقه نشسته با یکدیگر سخن می گویند.

۴. دیلمی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، إِلَّا
حَشَرَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ؛

هیچ مؤمنی در شرق یا غرب دنیا نمی میرد، جز این که روحش را خداوند متعال به سوی وادی السلام گسیل می دارد.

راوی پرسید: وادی السلام کجاست؟ فرمود:

بَيْنَ وَادِي النَّجَفِ وَ الْكُوفَةِ، كَأَنِّي بِهِمْ خَلَقْتُ كَبِيرُ قُعُودٍ،
يَتَحَدَّثُونَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ؛^(۱)

در میان صحرای کوفه و نجف می باشد، گویی با چشم خود می بینم که مخلوقات بسیاری بر فراز منبرهایی از نور نشسته با یکدیگر سخن می گویند.

۵. زید نرسی، از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن حضرت روایت

می کند که فرمود:

چون روز جمعه و عیدین (فطر و قربان) فرارسد،

۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۴۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴.

خداوند مَنان به رضوان - خازن بهشت - فرمان می دهد که
در میان ارواح مؤمنان که در عرصه های بهشت قرار دارند
فریاد بر آورد که خداوند به شما رخصت داده که به
خویشان و دوستان خود در دنیا سر بزنید...

آن گاه امام علیه السلام تشریح می کند که با چه تشریفاتی آن ها را به روی
زمین می آورند. سپس می فرماید :

فَيَنْزِلُونَ بِوَادِي السَّلَامِ، وَهُوَ وَادٍ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ، ثُمَّ
يَتَفَرَّقُونَ فِي الْبُلْدَانِ وَالْأَمْصَارِ، حَتَّى يَزُورُونَ أَهْلِيهِمْ
الَّذِينَ كَانُوا مَعَهُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا؛^(۱)

پس آن ها در وادی السلام فرود می آیند و آن منطقه ای است
پشت کوفه است. از آن جا به شهرها و کشورها پراکنده
می شوند، سپس به خویشان و آشنایان خود که در دنیا با
آن ها آمیزش داشتند سر می زنند... و شامگاهان به
جایگاه خود در بهشت برین باز می گردند.

ملک نقال

احادیث یاد شده به صراحت دلالت دارند بر این که ارواح
مؤمنان به وادی السلام نجف منتقل می شوند، در عالم برزخ در آن

۱. الاصول الستة عشر، اصل زید النرسی، ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۹۲؛ ج ۸۹،

سرزمین پاک با یکدیگر انس می گیرند و به گفت و گو می پردازند و از نعمت های بی کران الهی متنعم می باشند، ولی در احادیث دیگری از وجود «ملک نقال» و نقل و انتقال اجساد برخی از مؤمنان به وادی السلام نجف و دیگر مشاهد مشرفه سخن رفته است. (۱)

این احادیث را محمدنبی تویسرکانی (متوفای ۱۳۲۰ هـ) در کتاب لثالی الاخبار گرد آورده (۲) و سید محمدباقر قزوینی، از شاگردان شریف العلما (متوفای ۱۲۴۵ هـ) در این رابطه کتاب مستغنی تألیف کرده، آن را رساله اثبات ملک نقال نام نهاده است. (۳)

در این رابطه مکاشفه بسیار جالبی برای مرحوم ملامهدی نراقی در وادی السلام رخ داده، که سه تن از ملائکه نقال را مشاهده کرده که پیکر مؤمنی را به وادی السلام نجف اشرف حمل می کنند.

مشروح این داستان را شیخ محمود عراقی با سند بسیار معتبر و قابل استناد از مرحوم نراقی نقل کرده است. (۴)

داستان جالب دیگری در همین رابطه برای مرحوم شیخ فضل الله نیشابوری (متوفای ۱۳۵۷ هـ) رخ داده، که مشروح آن را به

۱. اجساد جاویدان، ص ۳۳۴.

۲. لثالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۷۷.

۳. الذریعه، ج ۱، ص ۱۰۰؛ ج ۲۲، ص ۲۱۸.

۴. دارالسلام عراقی، ص ۴۲۹-۴۳۲.



صورت مستند در کتاب «اجساد جاویدان» آورده‌ایم.^(۱)

از ویژگی‌های وادی السلام

مرحوم دیلمی در ارشاد می‌فرماید:

از ویژگی‌های تربت امیرالمؤمنین علیه السلام این است که از کسانی که در آن سرزمین دفن شوند عذاب قبر و سؤال نکیر و منکر برداشته می‌شود، چنان که در روایات صحیح به آن تصریح شده است.^(۲)

برای همین است که بسیاری از بزرگان وصیت می‌کردند که جنازه‌شان را به نجف اشرف منتقل کنند و در جوار حرم ملکوتی امیرمؤمنان، در بهشت روی زمین «وادی السلام» به خاک بسپارند. تعداد کسانی را که در طول چهارده قرن در این سرزمین مقدس به خاک سپرده شده‌اند، جز خداوند منان نمی‌داند.

گذشته از سفرنامه‌های جهانگردان، در گزارش‌های محرمانه بریتانیا نیز از رقم بالای جنازه‌هایی که به جهت قداست مکان از ممالک مختلف جهان با امکانات محدود آن زمان به وادی السلام آورده می‌شد، گفت‌وگو شده است.^(۳)

۱. اجساد جاویدان، ص ۳۳۲-۳۳۸.

۲. ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۴۳۹؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳.

۳. موسوعة العتبات المقدسه، ج ۶، ص ۲۴۵.

مرحوم دیلمی از برخی از صلحای نجف اشرف نقل کرده که در عالم رؤیا دیده است از هر قبری که در آن سرزمین وجود دارد، ریسمانی بیرون آمده به گنبد مولای متقیان گره خورده است. (۱)
سپس اضافه می‌کند که از ویژگی‌های این سرزمین مقدس این است که ارواح همه مؤمنان به سوی آن گسیل می‌شوند. (۲)

مقام صاحب الزمان (عج)

از درب طوسی صحن مقدس امیرمؤمنان علیه السلام بیرون آمده، از مسجد شیخ طوسی می‌گذریم، از درب اصلی وادی السلام وارد شده، از مقام هود و صالح می‌گذریم، اولین مسیر ماشین رو که در سمت چپ ما قرار دارد، مسیر مقام حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.
مسیر کوتاهی را پیموده با گنبد سبزی روبه‌رو می‌شویم که در طول قرن‌ها به مقام حضرت مهدی علیه السلام شهرت داشته، در طول قرون و اعصار صدها نفر در این مکان مقدس به محضر کعبه مقصود و قبله موعود تشریف یافته، کرامات و معجزات بی‌شماری از آن بزرگوار در این مقام مشاهده شده، بیماران صعب‌العلاجی با نفس مسیحایی‌اش شفا یافته، عاشقان دلسوخته و شیعیان شیفته‌ای پس

۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳.



از یک عمر « یابن الحسن » گفتن و اشک حسرت ریختن، در این مکان مقدس شاهد مقصود را مشاهده نموده، پیشانی ادب بر آستان ملک پاسبانش نهاده، خاک زیر پایش را توتیای چشم خود قرار داده‌اند، که به چند نمونه از آن‌ها در پایان این نوشتار اشاره خواهیم نمود.

کاشی‌کاری گنبد و بارگاه موجود، در سال ۱۳۱۰ ه. ق توسط شخصی به نام سید محمدخان پادشاه سند انجام شده است. ساختمان قبلی توسط سید بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲ ه. ق) تجدید بنا شده بود.^(۱)

در محراب مقام حضرت مهدی علیه السلام سنگی موجود است که زیارتنامه حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) بر آن نقش شده است تاریخ‌کنده کاری این سنگ نهم شعبان ۱۲۰۰ ه. ق می‌باشد.^(۲) محدث نوری در مورد تاریخچه مقام حضرت مهدی علیه السلام می‌نویسد: در بیرون سور شهر نجف در سمت غربی قبرستان معروف وادی السلام مقام مقدس حضرت مهدی (عج) واقع است، که از برای آن: صحن، گنبد، مقام و بارگاهی است و در آن جا محرابی است منتسب به حضرت مهدی (عج) که علت این انتساب

۱. تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. ماضی النجف، ج ۱، ص ۹۶.



معلوم نیست، نمی‌دانیم که آیا در آن جا کسی آن سرور را دیده، یا کرامتی از آن حضرت در آن مکان مقدس ظاهر گشته؟ جز این که آن مقام شریف از قدیم الایام وجود داشته است.^(۱)

مرحوم محدث قمی نیز در «هدیه الزائرین» همان بیان استادش محدث نوری را آورده است.

در داستان تشرف یک سعادت‌مند کاشانی که در مقام حضرت مهدی (عج) در وادی السلام، رخ داده و مشروح داستان در بحارالانوار آمده و به عنوان «مقام مهدی» تصریح شده است.^(۲) محدث نوری پس از نقل این داستان می‌فرماید: از امثال این داستان معلوم می‌شود که این مقام شریف در آن زمان وجود داشته و انتسابش به حضرت مهدی علیه السلام معروف و مشهور بوده است.^(۳)

علامه بزرگوار مولا محمد تقی مجلسی (متوفای ۱۰۷۰ ه. ق) در کتاب گرانسنگ «لوامع صاحب قرانی» که در سال ۱۰۶۶ ه. ق به تألیف آن پرداخته،^(۴) گزارش سفر خود به عتبات عالیات را به طور مشروح آورده و در ضمن آن فرموده: ۲۸ سال پیش از این^(۵) به

۱. کشف الاستار، ص ۲۰۶؛ رخسار پنهان، ص ۳۶۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۶.

۳. کشف الاستار، ص ۲۰۶.

۴. لوامع صاحب قرانی، ج ۸، ص ۸۱۷.

۵. یعنی به سال ۱۰۳۸ ه. ق (۱۰۳۸ = ۲۸ - ۱۰۶۶).



زیارت حضرت امیرالمؤمنین مشرف شدم... مشغول ریاضت شاقه شدم، اکثر ایام در مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام می بودم که در خارج نجف اشرف واقع است... شب ها پروانه وار بر دور روضه مقدسه می گشتم... روزها در مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام... (۱)

بیان مجلسی اول صریح است در این که این مقام در عهد او نیز موجود بوده و به حضرت صاحب الامر علیه السلام منتسب بوده است.

در کتاب لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف تألیف سید عبدالله، مشهور به ثقة الاسلام، که در تاریخ ۱۳۲۲ هـ. ق تألیف شده، (۲) آمده است که در مقام حضرت مهدی علیه السلام سنگ مرمری هست که زیارتنامه آن حضرت بر آن حک شده، و تاریخ کننده کاری آن ۹۱۲ هجری می باشد.

از بررسی مطالب بالا به این نتیجه می رسیم که این مقام در طول قرون و اعصار به عنوان مقام حضرت مهدی علیه السلام اشتهار داشته و همه روزه پذیرای هزاران تن از شیفتگان دلسوخته و عاشقان پاکبخته کعبه موعود و قبله مقصود بوده است.

نگارنده در سفرهای خود به عتبات عالیات، در سال های ۱۳۵۷، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ ش. به زیارت این مکان مقدس شرفیاب

۱. لوامع صاحب قرانی، ج ۸، ص ۶۶۴.

۲. الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۸۳.

شده، و در هر نوبت شاهد اجتماع صدها نفر از مشتاقان و ارادتمندان ساحت مقدس حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) در طول ساعات روز بوده است. ولی به طوری که محدث نوری و محدث قمی بیان فرموده‌اند از تاریخچه دقیق آن اطلاعی در دست نیست.

در سمت راست مقام چاهی است که راهیان نور و عاشقان کوی محبوب از آب آن تبرک می‌جویند و می‌گویند که مکرر دیده شده که حضرت صاحب علیه السلام از آن وضو گرفته‌اند.

در سمت چپ مقام نیز اطاق و محرابی هست که به مقام امام صادق علیه السلام مشهور است.

در طول قرون و اعصار مقام حضرت مهدی علیه السلام خدمه‌ای داشت که متصدی نظیف و اداره آن بودند و برای مقام، موقوفاتی بوده که برای روشن نگاه داشتن مقام هزینه می‌شد.

در گذشته در اطراف مقام خانه‌هایی بوده که خدّام مقام در آن‌ها سکونت داشتند، پس از هجوم و هابیان و ناامن شدن آن‌جا، آن‌ها نیز خانه‌های خود را ترک گفته، به داخل شهر رفتند، این خانه‌ها به تدریج متروکه و مخروبه شدند.

اداره مقام اینک در دست تیره‌ای از اهالی نجف به نام آل ابواصیب می‌باشد.^(۱)

۱. ماضی النجف، ج ۱، ص ۹۶.

جایگاه منبر حضرت قائم (عج).

در احادیث فراوانی از منبر قائم آل محمد (عج) و جایگاه آن گفت و گو شده، که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ
ثَلَاثُ مِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ، وَهُمْ
أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ، وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى
خَلْقِهِ؛ (۱)

گویی قائم علیه السلام را بر فراز منبر کوفه می‌بینم که ۳۱۳ تن یارانش - به تعداد اصحاب بدر - در اطراف او حلقه زده‌اند؛ آن‌ها پرچمداران و فرمانروایان خداوند در روی زمین در میان بندگان خدایند.

۲. فرات بن احنف کوفی می‌گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام عازم زیارت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام بودیم، هنگامی که به «ثویه» (۲) رسیدیم، امام علیه السلام پیاده شدند و دو رکعت نماز به جای آوردند، پرسیدم این چه نمازی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶؛ تاریخ الکوفة، ص ۱۰۰.

۲. یاقوت می‌نویسد: ثویه نام محلی در نزدیکی کوفه می‌باشد [معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۷؛ تاریخ الکوفه، ص ۱۶۲].



بود؟ فرمود:

هَذَا مَوْضِعُ مَنبَرِ الْقَائِمِ، أَحَبُّهُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ فِي هَذَا
الْمَوْضِعِ؛^(۱)

این جا محلّ منبر حضرت قائم علیه السلام است، دوست داشتم
که در این جا نماز شکر به جای آورم.

۳. ابان بن تغلب از اصحاب سرشناس امام باقر و امام
صادق علیه السلام می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، که از ظهر
کوفه گذر کرد، در نقطه ای پیاده شد و دو رکعت نماز خواند، کمی
جلوتر رفته دو رکعت دیگر به جای آورد، اندکی جلوتر رفته دو
رکعت دیگر خواند، آن گاه فرمود: این جا محل قبر امیر مؤمنان علیه السلام
می باشد.

پرسیدم: جانم به فدای شما باد، آن دو مورد دیگر که نماز
گزاردید کجا بود؟ فرمود:

مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَمَوْضِعُ مَنبَرِ الْقَائِمِ علیه السلام؛^(۳)

۱. دلائل الامامه، ص ۴۵۹؛ حلیة الابرار، ج ۵، ص ۳۴۳.

۲. در جلالت قدر او همین بس که امام باقر علیه السلام به او فرمود: در مسجد مدینه بنشین و
برای مردمان فتوا بده، من دوست دارم که همانند تو را در میان شیعیانم ببینم [معجم
الادباء، ج ۱، ص ۱۰۸] و چون خبر ارتحالش به امام صادق علیه السلام رسید، فرمود: به خدا
سوگند، مرگ ابان دلم را به درد آورد [تنقیح المقال، ج ۳، ص ۸۹].

۳. کامل الزیارات، ص ۳۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۱.



یکی محل سر مقدس امام حسین علیه السلام و دیگری محل منبر
حضرت قائم علیه السلام می باشد.

۴. مبارک خباز گوید: هنگامی که امام صادق علیه السلام به حیره^(۱)
تشریف فرما شد به من امر فرمودند که بر استرو و دراز گوش زین
بگذارم، چون زین نهادم سوار شد. من نیز سوار شدم، به محلی
رسیدیم که سیل آن جا را گود کرده بود، در آن جا فرود آمده دو
رکعت نماز گزارد، اندکی جلوتر رفته دو رکعت دیگر به جای
آورد، کمی جلوتر رفته دو رکعت دیگر نیز نماز خواند. آن گاه سوار
شده بازگشت.

عرض کردم: «جانم به فدای شما، این سه مورد که نماز گزاردید
کجا بود؟» فرمود: «اولی محل قبر امیر مؤمنان علیه السلام، دومی محل سر
مقدس امام حسین علیه السلام، سومی محل منبر حضرت قائم علیه السلام». (۲)

سید بن طاووس این حدیث را از طریق خواجه نصیر طوسی با
سند معتبر از مبارک خباز روایت کرده است. (۳)

۵. سید بن طاووس عین این حدیث را با سلسله اسناد خود از

۱. حیره نام شهری بود در سه میلی کوفه در سرزمین نجف [معجم البلدان، ج ۲،
ص ۳۲۸].

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۹.

۳. فرحة الغری، ص ۵۶؛ ترجمة فرحة الغری، ص ۸۰.



«ابوالفرج سندی»^(۱) روایت کرده است، در آن جا نیز تصریح شده که سومی محل منبر حضرت قائم علیه السلام است.^(۲)

در این احادیث پنجگانه، به «محل منبر قائم» علیه السلام به عنوان محلی در ظهر کوفه که امام صادق علیه السلام در آن جا فرود آمده و دو رکعت نماز گزارده و فرموده: «این جا محل منبر قائم علیه السلام می باشد» تصریح شده است.

علامه مامقانی در شمار آداب زیارت نجف اشرف، از زیارت پیامبران عظیم الشان مدفون در نجف: حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت هود و حضرت صالح سخن گفته، سپس می فرماید:

شایسته است در نجف اشرف زیارت سر مقدس امام حسین و محل منبر حضرت قائم علیه السلام.^(۳)

در مورد سر مقدس توضیحاتی داده، در پایان می فرماید:

مستحب است زیارت امام حسین علیه السلام در مسجد حنانه؛ زیرا بر اساس روایتی ساعت ها سر مقدس امام حسین علیه السلام

۱. شیخ طوسی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام از او به عنوان: «عیسی ابوالفرج السندی» نام برده [رجال شیخ طوسی، ص ۲۵۹] و نام او در سلسله روات کلینی در کافی آمده، از جمله: ج ۴، ص ۴۲۸، ۴۰۹ و ۵۲۰.

۲. فرحة الغری، ص ۵۶؛ ترجمة فرحة الغری، ص ۷۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۲۵.

۳. مرآة الکمال، ج ۳، ص ۱۵۹.



در آن جابر زمین نهاده شده بود.^(۱)

اما در باره جایگاه منبر حضرت قائم علیه السلام می فرماید:

تا کنون محل منبر حضرت قائم علیه السلام به صورت مشخص معلوم نیست.

ولی به عنوان یک احتمال می فرماید:

من احتمال می دهم - بدون دلیل استوار - که محل منبر قائم (عج) همان مقام مشهور به مقام حضرت مهدی علیه السلام در وادی السلام باشد.^(۲)

علامه سید جعفر آل بحر العلوم، این احتمال را به صورت قطعی و به طور ارسال مسلم نقل کرده می فرماید:

محل منبر قائم علیه السلام محلی است در خارج نجف، که گنبدی با کاشی سبز دارد و به عنوان: مقام مهدی علیه السلام شناخته می شود، که پدر بزرگم سید بحر العلوم آن را تعمیر کرد، سپس در سال ۱۳۱۰ ه. ق سید محمدخان پادشاه سند آن را تعمیر و مرمت نمود و کراماتی به آن جا نسبت داده می شود.^(۳)

سید بحر العلوم در فصل دیگری پس از بر شمردن روایات

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. مرآة الکمال، ج ۳، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.

۳. تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۱۹.



وادی السلام می نویسد:

«محل منبر حضرت قائم علیه السلام در وادی السلام است که از آن جا به عنوان مقام حضرت مهدی علیه السلام یاد می شود، پس از آن قبر هود و صالح است، چنان که در روایات به صراحت آمده است و آن ها زیارتگاه های مشهوری است که همگان به زیارت آن ها می روند»^(۱).

نگارنده گوید:

احتمال انطباق محل منبر حضرت قائم (عج) با مقام حضرت مهدی علیه السلام در وادی السلام، احتمال بسیار معقولی است و یکی از شواهد این احتمال وجود «مقام امام صادق علیه السلام» در کنار این مقام است.

توضیح این که: شهرت این مکان مقدّس به عنوان «مقام امام صادق علیه السلام» طبعاً به دلیل نزول امام صادق علیه السلام در این مکان و به جای آوردن دو رکعت نماز در این مکان می باشد، چنان که در احادیث منقول از ابان بن تغلب، ابوالفرج سندی، فرات بن احنف و مبارک خبّاز به آن تصریح شده است.

در همه احادیث یاد شده، امام صادق علیه السلام آن جا را به عنوان «محل منبر قائم (عج)» معرفی فرموده است.

روی این بیان احتمال انطباق مقام حضرت با محل محراب آن

حضرت کاملاً احتمال به جایی می باشد.

تا جایی که ما اطلاع داریم، نخستین کسی که این احتمال را ابراز کرده، علامه بزرگوار، آیه الله حاج شیخ عبدالله مامقانی، متوفای ۱۳۵۱ هـ. ق (صاحب تنقیح المقال) در کتاب ارزشمند «مرآة الکمال» می باشد.^(۱) سپس علامه آل بحر العلوم مرحوم سید جعفر آن را به صورت ارسال مسلم بیان کرده است.^(۲)

علامه مامقانی مرآة الکمال را به سال ۱۳۳۵ هـ. ق تألیف کرده است،^(۳) این کتاب در سال ۱۳۴۲ هـ. به چاپ رسیده است.^(۴) مرحوم بحر العلوم نیز کتاب «تحفة العالم» را به سال ۱۳۴۲ هـ. ق به رشته تحریر در آورده^(۵) و به سال ۱۳۵۵ هـ. ق به چاپ رسانیده است.^(۶)

با توجه به زمان تحریر مرآت و تحفه احتمال می رود که مرحوم بحر العلوم از آیت الله مامقانی استفاده کرده باشد و شاید برای هر دو بزرگوار تداعی شده باشد.

۱. مرآة الکمال، ج ۳، ص ۱۶۱.

۲. تحفة العالم، ج ۱، ص ۲۵۶ و ۳۱۹.

۳. مخزن المعانی، ص ۱۸۱.

۴. الذریعة، ج ۲۰، ص ۲۸۳.

۵. تحفة العالم، ج ۲، ص ۲۵۲.

۶. الذریعة، ج ۳، ص ۴۵۱.

چند نکته:

در پایان شایسته است برای تکمیل مطلب به چند نکته اشاره شود:

۱. حدیث ابان بن تغلب را مرحوم کلینی با همان سند روایت کرده، جز این که به جای «موضع منبر القائم علیه السلام»، «موضع منزل القائم علیه السلام» آورده است.^(۱)

ما این حدیث را از کامل الزیارات نقل کردیم و به پیروی از ابن قولویه آن را «موضع منبر القائم علیه السلام»، آوردیم.

علامه مجلسی در مرآت از کلینی پیروی کرده،^(۲) ولی در بحار از ابن قولویه و سید بن طاووس تبعیت نموده است.^(۳)

۲. وادی السلام بسیار وسیع و گسترده است، ولی مساحت آن را در دست نداریم، در یکی از سفرهای زیارتی از راننده تاکسی پرسیدم، گفت: ۱۰ کیلومتر در ۱۵ کیلومتر می باشد، ولی سند مکتوب ندارم.

۳. در بسیاری از حکایات و منابع به هنگام بحث از وادی السلام تعبیر بیرون نجف به کار برده شده؛ در حالی که وادی متصل به

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۷۲.

۲. مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۲۹۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۱، ۲۴۶ و ۲۴۷.



نجف اشرف می باشد و از صحن مقدس تا درِ وادی بیش از چند صد قدم نیست. علت این تعبیر این است که در طول قرون و اعصار همواره برای حفاظت شهر و تأمین امنیت عمومی دیواری به دور شهر کشیده بودند که آن را «سور» می نامیدند، این سور بین شهر و وادی السلام فاصله انداخته بود و لذا بیرون از سور را بیرون نجف تعبیر می کردند.

۴. در طول قرون و اعصار وادی السلام مرکز خلوت اهل دل بود. بسیاری از فقها، علما و صلحا ساعاتی از روز را در وادی السلام به تفکر، عبادت، اذکار و اوراد می پرداختند، چنان که از مجلسی اول نقل کردیم که در ایام تشرّف خود به نجف اشرف شب ها در حرم مطهر و روزها در مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام در وادی السلام به عبادت و ریاضت مشغول می شد.^(۱)

۵. در منابع فراوان از وادی السلام گفت و گو شده و کتاب مستقل مبسوطی به نام: «وادی السلام اوسع مقابر العالم» توسط محسن بن عبدالصاحب بن جابر آل مظفر نجفی تألیف شده^(۲) که در ۲۴۸ صفحه با مقدمه مرحوم سید جواد شبّر، در ۱۳۸۴ ه. ق در نجف اشرف به طبع رسیده است.^(۳)

۱. لوامع صاحب قرانی، ج ۸، ص ۶۶۴.

۲. الذریعة، ج ۲۵، ص ۹.

۳. معجم المطبوعات النجفیة، ص ۳۷۶.



ره یافته‌ها

در میان افراد بی‌شماری که همه روزه از اقطار و اکناف جهان به سرزمین مقدس نجف اشرف تشریف یافته، پس از آستان بوسی حرم مطهر مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در وادی السلام حضور پیدا کرده، به سوی مقام حضرت مهدی (عج) رهسپار می‌شوند، در کوی یار گام نهاده، با محبوب دل و کعبه آمال و آرزوهایش به گفت‌وگو پرداخته، در حومه مغناطیسی معشوق قرار می‌گیرند، نیک بختانی یافت می‌شوند که مشمول عنایات خاص حضرت حق قرار می‌گیرند، به تماشای جمال عالم آرای یوسف زهرا مفتخر شده، طلوع خورشید جهان افروز امامت را از افق وادی السلام و مقام حضرت صاحب الزمان (عج) مشاهده می‌کنند.

تعداد این افراد سعادت‌مند در طول قرون و اعصار بسیار فراوان می‌باشد، ما در این جا با نقل چند نمونه از آن‌ها تبرک می‌جوئیم:

۱. باریافته‌ای از دارالمؤمنین کاشان

علامه مجلسی به نقل از گروهی از اهالی نجف اشرف نقل می‌کند که مردی از اهل کاشان به قصد حج وارد نجف اشرف گردید، در آن جا به شدت مریض شد؛ به طوری که پاهایش فلج شد و از راه رفتن باز ماند.



همراهانش او را در نزد مردی از صلحا که در یکی از حجره‌های
صحن مقدس مسکن داشت، گذاشتند و به سوی زیارت خانه خدا
حرکت نمودند.

این مرد هر روز در حُجره را به روی او می‌بست و خود به دنبال
کسب و زندگی می‌رفت.

روزی مرد کاشی به صاحب حجره گفت: من در این حجره
ملول و دلتنگ گشته‌ام، امروز مرا بیرون ببر و در جایی بینداز و هر کجا
خواهی برو.

او را به مقام حضرت مهدی علیه السلام در بیرون نجف (وادی السلام)
برد و در گوشه‌ای نشانید. پیراهن خود را در حوض شست، بر بالای
درختی آویخت، آن‌گاه به سوی صحرا حرکت کرد.

شخص مفلوج کاشانی می‌گوید: هنگامی که او مرا غریب و تنها
در مقام گذاشت و رفت، غم‌های عالم بر دلم فرو ریخت. در عاقبت
کار خود می‌اندیشیدم و راه به جایی نمی‌بردم. ناگهان جوانی خوب
روی و گندم‌گون داخل صحن شده بر من سلام کرد و وارد مقام شد،
چند رکعت نماز در مقام در نهایت خضوع و خشوع به جای آورد که
هرگز چنین خضوع و خشوعی از احدی ندیده بودم.

چون از نماز فارغ شد، از مقام بیرون آمد و از حالم جويا شد،
گفتم: به بلایی دچار شده‌ام که به سبب آن دلم تنگ شده، خداوند
منان نه شفایم می‌دهد که سالم شوم، نه جانم را می‌گیرد که راحت



گردم.

فرمود: «اندوهگین مباش که خداوند منان این هر دو را به تو عنایت می‌کند» [یعنی هم شفا می‌دهد که تندرست شوی، هم قبض روح می‌کند که راحت شوی].

هنگامی که آن جوان نورانی بیرون رفت، آن پیراهن از درخت افتاد، من بی‌توجه به وضع خودم، از جای برخاستم، آن را از روی زمین برداشتم، در حوض شستم و بر بالای درخت انداختم. یک مرتبه به خود آمدم و گفتم: من که قدرت حرکت نداشتم، پس چگونه برخاستم و حرکت نمودم و پیراهن را شستم. چون در وضع خویش اندیشیدم، دیدم که از آن بیماری مُزمن و مهلک هیچ اثری در بدنم نمانده است.

پس متوجه شدم که آن جوان کسی جز یوسف زهرا نبوده است، پس بیرون دویدم و اطراف را به دقت نگریستم و کسی را ندیدم. هنگامی که صاحب حجره آمد، از وضع من دچار شگفت شد و از وضعم جویا شد، داستان را نقل کردم. از این که از چنین فیضی دست من و ایشان کوتاه شده، بسیار متأثر شد، آنگاه با یکدیگر به سوی حجره رفتیم.

سپس علامه مجلسی می‌نویسد:

اهالی نجف برای من نقل کردند که ایشان کاملاً بهبودی یافت، دوستانش از سفر حج بازگشتند، چند روزی با آنها مأنوس شد،



سپس بیمار گشت و در گذشت و در صحن مطهر امیر مؤمنان علیه السلام مدفون گردید.

روی این بیان هر دو خواسته ایشان، همان طور که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) اشاره فرموده بود، تحقق یافت.^(۱) علامه مجلسی تأکید می‌کند که این داستان در میان اهالی نجف بسیار مشهور بود و عده‌ای از افراد صالح و مورد اعتماد برای من نقل کردند.

شیخ حرّ عاملی نیز آن را به نقل از علامه مجلسی نقل کرده است.^(۲)

محدث نوری پس از نقل این داستان می‌فرماید: از امثال این قضایا معلوم می‌شود که این مقام شریف در آن زمان وجود داشت و انتساب آن به حضرت مهدی علیه السلام معروف و مشهور بوده است.^(۳) میرزا عبدالله افندی تبریزی (صاحب ریاض العلماء، شاگرد ممتاز علامه مجلسی و متوفای ۱۱۳۰ ه.ق) نیز به این نکته توجه نموده، در جمع بندی خود از مجلدات مختلف بحار، در گزارشی که به خدمت علامه مجلسی تقدیم می‌کند، می‌نویسد: شما در جلد سیزدهم بحار معجزات و کراماتی را از حضرت حجت علیه السلام نقل

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۶؛ دارالسلام عراقی، ص ۳۰۱.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۰۸؛ منتخب الاثر، ج ۲، ص ۵۴۸.

۳. کشف الاستار، ص ۲۰۶.



فرموده‌اید که در «وادی السلام» رخ داده است.^(۱)

۲. حاج ملاعلی محمد بهبهانی (متوفای حدود ۱۳۰۰

هـ.ق)

عراقی، صاحب دارالسلام، از مرحوم حاج ملاعلی محمد کتاب فروش، معاصر شیخ انصاری و داماد ملاباقر بهبهانی^(۲) که او را به عنوان اهل تقوی و فضیلت ستوده، نقل می‌کند که مبتلا به سل می‌شود و بدنش به طور کلی به تحلیل می‌رود و پزشک معالج‌اش کاملاً از او مأیوس می‌شود، ولی برای این که او از زندگی نومید نشود داروهایی برایش تجویز می‌کند.

روزی یکی از دوستانش او را با اصرار به «وادی السلام» می‌برد، در وادی السلام با شخصیت بزرگواری در لباس عرب‌ها مواجه می‌شود که با جلالت و متانت خاصی به سایش می‌آید و چیزی را به او می‌دهد و می‌فرماید: «بگیر».

او هر دو دستش را به طرف آن مرد جلیل‌القدر دراز می‌کند و می‌بیند که قطعه نانی به مقدار پشت ناخن می‌باشد.

با توجه به شخصیت آن شخص، با ادب تمام آن نان را می‌گیرد،

۱. بحارالانوار، ج ۱۱۰، ص ۱۷۴.

۲. ملا باقر بهبهانی نیز داستان مفصلی دارد که در دارالسلام عراقی، ص ۳۱۳ - ۳۱۶ آمده است.



ولی در همان لحظه آن شخص از دیدگانش ناپدید می شود.
حاج علی محمد آن نان را می بوسد و می بوید، سپس در دهان
نهاده، می خورد.

به مجرد این که آن قطعه نان را می بلعد احساس می کند که کاملاً
بهبودی یافته، غم و اندوهش برطرف می شود، حالت خفگی و
دل مردگی از او زایل می شود، انبساط خاطر و نشاط عجیبی به او
دست می دهد.

اطمینان پیدا می کند که صاحب آن دم مسیحایی، کسی جز
یوسف زهرا، محبوب دل ها، کعبه آرزوها، وجود اقدس امام
عصر علیه السلام نبوده است.

حاج علی محمد بهبهانی می گوید: با سرور و شادی به منزل
آمدم و هیچ اثری از آن بیماری خانمان سوز در خود احساس
نکردم. روز بعد به خدمت پزشک معالج خود^(۱) رفتم، تا نبض مرا
در دست گرفت تبسمی کرد و فرمود: چه کار کرده ای؟ گفتم: هیچ.
فرمود: از من پوشیده مدار، راستش را بگوی. چون اصرار
زیادی کرد داستان را گفتم، فرمود: آری نفس مسیحایی یوسف
زهرا به تو رسیده، تو دیگر به هیچ طبیبی نیاز نداری.

۱. پزشک معالج او فقیه گرانمایه سید علی شوشتری بود که سرآمد اطبا بود، ولی به شغل
طبابت اشتغال نداشت، فقط شیخ مرتضی انصاری رحمته الله را معالجه می کرد، و چون حاج
علی محمد از فضیلتی پارسا بود، او را نیز تداوی می نمود.



حاج علی محمد کتاب فروش می گوید:
آن شخص بزرگواری که آن قطعه نان را در وادی السلام به من
عنایت فرمود، دیگر او را ندیدم، جز یک بار در حرم مطهر مولای
متقیان علیه السلام که بی تابانه به سویش دویدم، ولی پیش از آن که پیشانی
ادب بر آستانش بسایم از دیدگانم غایب گشت. (۱)

۳. بار یافته‌ای از خاندان عثمانی

بانوی محترمی از خاندان سلاطین عثمانی به نام «ملکه» که از هر
دو چشم نابینا شده بود، روز سوم ربیع المولود ۱۳۱۷ ه. ق در مقام
حضرت مهدی علیه السلام به پیشگاه آن حضرت شرفیاب شد و دیدگانش
روشن گردید.

محدث نوری که در آن ایام در نجف اشرف اقامت داشت، در
این رابطه می نویسد:

در این ایام معجزه ظاهره و کرامت باهره‌ای از سوی حضرت
مهدی علیه السلام در مورد بانویی وابسته به یکی از افراد برجسته دولت
عثمانی به وقوع پیوست که همانند خورشید درخشان در آسمان
نجف درخشید و لذا به نقل آن با یک سند عالی تبرک می جوییم:
مدرس، خطیب و فاضل گرامی، سید محمد سعید افندی به خط

۱. دارالسلام عراقی، ص ۳۲۹؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۸۹.

خود برای ما نوشت:

کرامت باهره‌ای از خاندان رسالت در این ایام ظاهر گشته که شایسته است برای اطلاع برادران مسلمان خود آن را مشروحاً بیان کنیم:

زنی به نام «ملکه» دختر عبدالرحمن و همسر ملاّ امین، که همکار ما در اداره مدرسه حمیدی در نجف اشرف می‌باشد، در شب دوم ربیع المولود امسال (۱۳۱۷ هـ.) که مصادف با شب سه‌شنبه بود؛ به سردرد شدیدی مبتلا شد. چون شب به سر آمد، هر دو چشم خود را از دست داد، دیگر چیزی را تشخیص نمی‌داد.

هنگامی که همسرش این خبر اسفبار را به من گفت، او را دلداری دادم و گفتم: او را شبانه به حرم مولای متّقیان علیه السلام ببرید و به آن حضرت توسل بجویید و آن حضرت را شفیع خود قرار دهید، امید است خداوند به او شفا عنایت فرماید.

آن شب که شب چهارشنبه بود از شدت ناراحتی نتوانسته بود به حرم مشرف شود.

چون پاسی از شب گذشته بود، خواب بر وی مستولی شده، در عالم رؤیا دیده بود که به همراه شوهرش و بانوی دیگری به نام «زینب» به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام مشرف می‌شود، در سرِ راهش به یک مسجد بزرگی می‌رسد که پر از جمعیت بوده، وارد مسجد می‌شود که ببیند چه خبر است، یک مرتبه صدای آقای بزرگواری را



می شنود که خطاب به او می فرماید: «ای خانمی که دیدگانت را از دست داده‌ای غمگین مباش، ان شاء الله خداوند هر دو چشم تو را شفا عنایت می کند».

عرض می کند: خداوند عنایاتش را بر شما مستدام بدارد، شما کی هستید؟ می فرماید: «من مهدی هستم».

با خوشحالی و شادمانی از خواب بیدار می شود، برای فرا رسیدن وعده مولا ثانیه شماری می کند، سرانجام آفتاب روز چهارشنبه می دمد و شهر مقدس نجف اشرف را منور می سازد، «ملکه» با گروهی از بانوان به مقام حضرت مهدی علیه السلام در بیرون نجف (وادی السلام) مشرف می شود و به تنهایی وارد مقام می شود، ناله‌ها سر می دهد، گریه‌ها می کند تا از هوش می رود، در آن حال بیهوشی دو مرد جلیل‌القدر را می بیند که یکی با صلابت و جلالت خاصی در پیشاپیش، و دیگری در سنین جوانی با متانت خاصی در پشت سر تشریف فرما شدند.

آن مرد عظیم‌الشانی که در جلو حرکت می کرد، خطاب به آن زن می فرماید: «هیچ ترس و واهمه‌ای به خود راه مده».

می پرسد: شما کی هستید؟ می فرماید: «من علی بن ابی طالب، و او فرزندم مهدی علیه السلام است».

آن‌گاه امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به بانوی بزرگواری که در محضرشان بوده می فرماید:

قُومِ يَا خَدِيجَةُ وَامْسَحِي عَلَى عَيْنِي هَذِهِ
الْمِسْكِينَةَ؛^(۱)

ای خدیجه برخیز و دست خود را بر دیدگان این زن بینوا
بکش.

پس خدیجه برخاسته بر دیدگان او دست می‌کشد، در همان
لحظه ملکه به هوش می‌آید و می‌بیند که دیدگانش نه تنها شفا یافته،
بلکه از اول هم بهتر شده است.

بانوانی که در معیت ملکه به مقام حضرت مهدی (عج) شرفیاب
شده بودند با یک دنیا شادی و سرور، هلهله کنان او را به حرم مطهر
مولای متقیان علیه السلام می‌آورند و با نثار صلوات و سلام توجه همگان را
به این کرامت باهره جلب می‌کنند.

و اینک دیدگان او خیلی بهتر از قبل می‌بیند.^(۲)

۱. ظاهراً این خدیجه دختر مولای متقیان می‌باشد که در همه منابع در شمار فرزندان
امیر مؤمنان از دختری به نام «خدیجه» نام برده‌اند که از آن جمله است: ارشاد مفید،
ذخائر العقبی، تاریخ یعقوبی، اعلام الوری، روضة الواعظین، مروج الذهب، مناقب آل
ابی طالب، مقاتل الطالبیین، کامل ابن اثیر و غیر آن‌ها، و اینک حرم با صفایی در مقابل
مسجد اعظم کوفه، به عنوان حرم خدیجه دخت امیر مؤمنان علیه السلام همه روزه پذیرای
هزاران زائر می‌باشد.

۲. کشف الاستار، ص ۲۰۵؛ منتخب الاثر، ج ۲، ص ۵۴۰؛ رخسار پنهان، ص ۳۶۶.



مرحوم نهاوندی به هنگام بروز این معجزه باهره در نجف اشرف حضور داشته و هلهله بانوان همراه ملکه را با چشم خود دیده و با گوش خود شنیده، به هنگام تألیف کتاب «عبری الحسان» داستان ملکه را از روی دستنویس سید محمد سعید نقل کرده، تصریح می‌کند که وی از علمای اهل سنت بوده، در مدرسه «حمیری» - که در طرف شرق وادی السلام و در نزدیکی درب وادی قرار داشت - خطیب و مدرّس بوده، مکرّر با او تماس داشته، در قرائت قرآن بی‌نظیر بوده است.

سپس به هنگام گزارش صلوات و سلام و صدای هلهله بانوان می‌نویسد:

صدای هلهله آن‌ها را اهالی نجف از وادی السلام می‌شنیدند از جمله مؤلف این کتاب.

سپس اضافه می‌کند: الآن که نزدیک چهارده سال از آن قضیه می‌گذرد، صدای آن‌ها هنوز در گوش‌های من طنین‌انداز است.^(۱)

۴. شیخ محمد تقی قزوینی

یکی از فضلاء نجف به نام شیخ محمد تقی قزوینی به مدت ۱۸ سال در مدرسه صدر، در جوار مولای متّقیان مشغول تهذیب نفس

۱. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۶۴.



و تحصیل علوم دین بوده، مبتلا به مرض سل می شود، به طور مداوم سرفه می کرده و به هنگام سرفه کردن از سینه اش خون می آمد، به همین جهت از حجره خود به انبار مدرسه منتقل شد.

وی از شیفتگان حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) بوده، شب و روز در حرم مولای متقیان از خداوند منان می خواست که توفیق دیدار حضرت صاحب الزمان علیه السلام را به او ارزانی دارد.

شب‌ها از شب‌ها حالش بسیار وخیم می شود، از زندگی خود نومید می شود، یک مرتبه حالت مکاشفه به او دست می دهد و می بیند که سقف اطاق شکافت، شخص مجلی از آن روزنه پایین آمد و یک صندلی همراه داشته، آن صندلی را در مقابل او بر زمین نهاد. آن‌گاه شخصیت جلیل القدری تشریف فرما شده بر روی آن صندلی قرار گرفت.

متوجه می شود که آن بزرگوار مولای متقیان علیه السلام می باشد، به محضرش ملتجی می شود، حضرت می فرماید: «اما سینه ات خوب شد و خداوند شفایت داد».

عرض می کند: پس آن حاجت مهم تر و آرزوی دیرینه ام چه می شود؟

امام علیه السلام می فرماید:

فردا پیش از طلوع آفتاب به وادی السلام رفته، در جای بلندی استقرار پیدا کن، فرزندم صاحب الزمان (عج) با

میرجهانی^(۱) با تفصیل تمام شنیده و یادداشت کرده‌ام و اینک فشرده آن را تیمناً و تبرکاً در این جامی آورم:

آیه‌الله میرجهانی، که از ملازمان مرجع اعلای جهان تشیع مرحوم آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بود، نقل فرمود که روزی در محضر آن مرجع والامقام بودم که نامه‌ای از یک دانشمند زیدی مذهب یمنی به دست ایشان رسید، که اشعار معروف به «قصیده بغدادیه»^(۲) را در داخل آن قرار داده، خطاب به مرحوم آیه‌الله اصفهانی نوشته بود: اگر جواب قانع کننده‌ای به این اشعار داشته باشید برای من بنویسید و اگر می‌خواهید به این کتاب و آن کتاب حواله دهید نمی‌خواهم.

آیه‌الله اصفهانی به محرّر خود دستور داد که در پاسخ نامه بحرالعلوم یمنی بنویسد: از شما دعوت می‌شود که برای زیارت مولای متّقیان علیه السلام به نجف اشرف مشرف شوید، تا پاسخ نامه را

۱. آیه‌الله سید حسن میرجهانی، متولّد ۱۳۱۹ ه.ق؛ متوفای ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۱۳ ه.ق از ملازمان مرحوم آیه‌الله اصفهانی، صاحب نوائب الدّهور و ده‌ها اثر ارزشمند دیگر و مدفون در بقعه علامه مجلسی در اصفهان.

۲. قصیده بغدادیه، در ۲۲ بیت، در انتقاد از اعتقاد به منجی و مهدی موعود سروده شده، پاسخ‌های فراوانی به نظم و نثر در ردّ آن منتشر شده که از آن جمله است: ردّ بر قصیده بغدادیه؛ الردّ علی القصیده [البغدادیه]؛ کشف الاستار؛ نظم کشف الاستار و جز آن‌ها. [کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، عناوین فوق].



حضورى دریافت کنید.

پس از مدتی به سید خبر آوردند که بحر العلوم یمنی با گروهی از علمای یمن به نجف اشرف شرفیاب شده، در فلان منزل رحل اقامت افکنده است.

سید امر فرمود به ایشان اطلاع دهند که آیت الله اصفهانی امشب بعد از نماز مغرب و عشاء به دیدار شما خواهد آمد.

پس از اقامه نماز مغرب و عشاء، سید به همراه جمعی از اطرافیان - که من نیز در میان آنها بودم - به دیدار بحر العلوم تشریف بردند.

پس از طرح مسایلی درباره امامت و مهدویت، خطاب به بحر العلوم و هیئت همراه فرمود فردا شب برای صرف شام منتظر شما هستم.

شب بعد بحر العلوم با پسرش سید ابراهیم و هیئت همراه به دیدار سید آمدند، ساعتی درباره ضرورت شناخت امام زمان (عج) گفت و گو شد، شام در محضر سید صرف شد، آن گاه سید به خادم خود «مشهدی حسین» امر فرمود که چراغ را مهیا کند و آماده حرکت باشد.

ما نیز مشتاقانه برخاستیم که در محضر سید باشیم، فرمود: فقط سید بحر العلوم و فرزندش ما را همراهی خواهد کرد.

روز بعد که با سید بحر العلوم دیدار کردم شرح ماجرا را پرسیدم،



گفت: «الحمد لله ما به مذهب شیعه شرفیاب شدیم و به وجود مقدس حضرت بقیه الله (عج) اعتقاد راسخ پیدا کردیم».

پرسیدم: چگونه؟ فرمود: «آیه الله اصفهانی حضرت بقیه الله (عج) را به ما نشان داد».

پرسیدم: چگونه نشان داد؟ فرمود:

هنگامی که ما در محضر آیه الله اصفهانی بیرون رفتیم نمی دانستیم که کجا می رویم، ایشان ما را تا وادی السلام برد، در داخل وادی ما را به مقام حضرت مهدی علیه السلام رهنمون شد. آن جا چراغ را از دست مشهدی حسین گرفت، شخصاً از چاهی که در آن جا بود آب بیرون کشید و وضو ساخت، آن گاه به تنهایی داخل مقام شد، دو رکعت نماز خواند، صدای قرائتش کاملاً برای من واضح بود، چون از نماز پرداخت، فضای مقام روشن گردید، گویی صداها چراغ در آن روشن شده است. احساس کردم که با شخصی سخن می گوید، ولی سخنانش بر من روشن نبود.

آن گاه به من امر فرمود که داخل شوم، چون پای در حریم یار نهادم خورشید امامت را دیدم که از افق مقام طلوع کرده است، چون چشمم به جمال عظیم النظیر یوسف زهرا افتاد، از هوش رفتم و دیگر چیزی متوجه نشدم.

پسرش سید ابراهیم ادامه داد:

تنها پدرم وارد مقام شد، من و مشهدی حسین بیرون مقام



ایستاده بودیم، نور خیره کننده‌ای از مقام بیرون می‌زد. تا پدرم پای در اطاق معروف به مقام حضرت مهدی نهاد، یک مرتبه فریادی کشید و افتاد.

آیت‌الله اصفهانی مرا صدا کرد و فرمود: سید ابراهیم پدرت را دریاب من وارد مقام شدم و دیدم بیهوش افتاده و آیت‌الله اصفهانی شانه‌هایش را مالش می‌دهد.

آب بردم و بر سر و صورت پدرم ریختم، تا به هوش آمد خود را روی پاهای آیت‌الله اصفهانی انداخت و گفت: من دیگر باور کردم، به هیچ نشان دیگری نیاز ندارم، من به آیین تشیع در آمدم.

چون به منزل آمدم از پدرم پرسیدم که چه حادثه‌ای رخ داد؟ پدرم گفت: من خورشید فروزان امامت را با چشم خود دیدم و به دست ایشان به حقانیت شیعه اثناعشری پی بردم. این را گفت و توضیح بیش‌تری نداد.

آیت‌الله میرجهانی می‌فرمود: بحر العلوم به یمن بازگشت و پس از مدتی به محضر آیت‌الله اصفهانی اطلاع داده شد که تا کنون ۴۰۰۰ نفر از ارادتمندان ایشان به مذهب شیعه اثناعشری مشرف شده‌اند. نگارنده این داستان را یک بار در مشهد و چندین بار در اصفهان از مرحوم آیت‌الله میرجهانی استماع نمودم و فشرده آن در منابع

مختلف آمده است.^(۱)

در پایان با اعتراف به قصور و تقصیر آرزو مندیم که در آینده بتوانیم درباره وادی السلام و مقام مقدس حضرت ولی عصر (عج) در آن، تحقیق بیشتری نموده، مطالب پربارتری به محضر شیفتگان حضرتش تقدیم نماییم.



خاتمه مسک

این بود بحثی فشرده پیرامون: مسجد مقدس جمکران، مسجد سهله، مسجد اعظم کوفه، شهر کوفه و مقام حضرت مهدی علیه السلام در وادی السلام، اگر خداوند توفیق بدهد در فرصت دیگری پیرامون سرداب مقدس، مقام حضرت مهدی علیه السلام در کربلا و حله، مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام در قم، مسجد المحدثین در بابل، جزیره خضرا و دیگر قدمگاه‌های آن امام نور سخن خواهیم گفت.

۱. کرامات الصالحین، ص ۸۸؛ جنة المأوی، ص ۳۶۴؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱،

آثار چاپ شده‌ی مؤلف

- ۱- ابوریحان بیرونی / چاپ دوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۲- اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.
- ۳- ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴- ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۵- ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۶- از شب عاشور تا آدینه ظهور / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۷- اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.
- ۸- اعتقادات علامه‌ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۹- او خواهد آمد / چاپ دوازدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۰- بادعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.
- ۱۱- بانوی اسلام / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۱۲- به فرمان یار / چاپ اول / عطر عترت / قم.

- ۱۳ - تاریخ شیعه‌ی زیدیه / چاپ اول / دانشگاه شیراز.
- ۱۴ - تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.
- ۱۵ - تاریخچه‌ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۱۶ - ترجمه‌ی مصوّر سوره‌ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر / تهران.
- ۱۷ - ترجمه‌ی مصوّر سوره‌ی الرّحمن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.
- ۱۸ - تشیع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.
- ۱۹ - جزیره‌ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۰ - چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۲۱ - چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۲۲ - چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۲۳ - چهل حدیث در مناقب اولین پیشوا / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۴ - چهل حدیث در مناقب امّ اییها / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۵ - حدیث ثقلین با دو قرائت / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۶ - حدیث کساء کلید حلّ مشکل‌ها / دلیل ما / قم.
- ۲۷ - حضرت مهدی و رابطه‌ی العالم الاسلامی / ترکی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۲۸ - حیات برزخی / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۹ - دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۳۰ - در آستانه‌ی ظهور / چاپ اول / انتشارات نورالکتاب / مشهد.
- ۳۱ - دراسة عن حياة فاطمة عليها السلام / عربی / چاپ اول / بحرین.



- ۳۲- در حریم حضرت معصومه علیها السلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۳- دومین اختر در آسمان کوثر / شهرداری تهران.
- ۳۴- راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۵- روزگار رهائی / چاپ سوم / نشر آفاق / تهران.
- ۳۶- روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۷- رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۸- زندگانی کریمه‌ی اهل بیت / نشر حاذق / قم.
- ۳۹- زمینه‌سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران.
- ۴۰- زیارت عاشورا و آثار معجز آسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴۱- زیارتنامه‌ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.
- ۴۲- سرچشمه کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه و داد / کرج.
- ۴۳- سند حدیث کساء / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴۴- سیری در ترجمه‌های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم.
- ۴۵- سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران.
- ۴۶- شهید ثالث / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۴۷- طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.
- ۴۸- عاشورا چه روزیست ؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۴۹- علامه‌ی اقبال در مدینه / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۵۰- علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.
- ۵۱- علی و فلسفه‌ی الهی / چاپ اول / بنیاد علامه‌ی طباطبائی / قم.



- ۵۲- قرآن معجزه‌ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۵۳- قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.
- ۵۴- کتابنامه‌ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۵۵- کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.
- ۵۶- کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.
- ۵۷- کریمه‌ی اهل بیت / چاپ اول / انتشارات حاذق / قم.
- ۵۸- گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۵۹- معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۶۰- معیارهای اخلاقی در فقه امام صادق علیه السلام / انتشارات تولی / قم.
- ۶۱- میثم تمار / چاپ اول / انتشارات توحید / تهران.
- ۶۲- میلاد نور / چاپ اول / مسجد صدریه / تهران.
- ۶۳- نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۶۴- نبراس الفائزین بزيارة امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / انتشارات تک / قم.
- ۶۵- نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۶۶- نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.